



مطالع الانوار

The Dawn-Breakers

تخصیر تاج حسین

فهرست مطالب جزوه راهنما

صفحه راهنما	موضوع
	۱ - مقدمه شامل :
۱	الف - اهمیت مطالعه تاریخ امر
۳	ب - فواید تاریخ
۳	ج - مطالعه تاریخ نبیل زرنندی
۵	د - شرح جناب نبیل زرنندی
۸	ه - نحوه تاریخ نگاری جناب نبیل اعظم
۱۱	و - ترجمه مقدمه حضرت ولی امرالله بر کتاب مطالع الانوار
۲۶	۲ - منابع مطالعه
۲۷	۳ - اهداف ( کلی و آموزشی )
۲۹	۴ - روش مطالعه و فعالیتهای ضروری
۳۱	۵ - ارزشیابی ( امتحان )
۳۲	۶ - منابع مطالعه تکمیلی
۳۳	۷ - برنامه مطالعه هفتگی ( جدول زمانبندی مطالعات )
	۸ - ضمائم
	<u>الف : ضمائم مربوط به قسمت مقدمه جزوه راهنما</u>
۳۵	الف - ۱ - معانی لغات و اصطلاحات
۴۰	الف - ۲ - اعلام
	<u>ب : ضمائم مربوط به کتاب مطالع الانوار</u>
۴۵	ب - ۱ - معانی لغات و اصطلاحات
۵۶	ب - ۲ - معانی آیات و احادیث عربی
۶۶	ب - ۳ - اعلام
۷۷	ب - ۴ - سوالات خودآزمایی
۱۲۱	و نمونه پاسخ به سوالات مطروحه
۱۲۳	ب - ۵ - نقشه مسیر حرکت حضرت اعلی
۱۲۷	ب - ۶ - شجره نامه حضرت باب و اتصال آن به سلاله حضرت بهاالله
۱۲۷	ب - ۷ - نقشه محاصره قلعه شیخ طبرسی و چند نقشه دیگر

حضرت بهاء الله می فرمایند:

" ای دارای چشم گذشته آینه، آینده است ببینید و آگاه شوید  
شاید پس از آگاهی دوست را بشناسید و نرنجانید "

دریای دانش صفحه ۸

### مقدمه

دوستان عزیز با طلب تایید و استعانت از ساحت رب مجید و با تقدیم صمیمانه ترین اشواق قلبیه حضور شما فراگیران و متعلمین علوم و معارف امری، راهنمای مطالعه کتاب تاریخ نبیل زرنندی را آغاز می کنیم و امیدواریم که این جزوه بتواند هادی و راهگشای شما در جهت مطالعه دقیق و لذت بخش این کتاب عظیم القدر باشد. عمدتاً شرح وقایع تاریخی از چنان جاذبه ای برخوردار است که هر خواننده ای را با شور و شوق بسیار با خود به زمان و مکان وقوع حوادث می برد. شاید این جاذبه سبب گردد تا شخص از تفکر عمیق در باره علل وقوع حوادث و یا ارتباط آنها با یکدیگر و نتایجی که از آن وقایع عاید می گردد، دور بماند. اما اگر برای بار دوم و یا بیشتر تاریخ را مطالعه نمائیم، با توجه به اینکه شرح حوادث از قبل مرکوز ذهن شده است فرصتی حاصل می گردد تا در اطراف موضوع به تفکر و تعمق بپردازیم و اینجاست که نتایج و فوائد مطالعه تاریخ نصیمان می گردد. بنا بر این جای آن دارد که از خود بپرسیم: " به چه علت به مطالعه تاریخ امر می پردازیم؟ " " فایده تاریخ و مطالعه آن چیست؟ "

برای پاسخ به این سوالات از تقریر شفاهی دانشمند محترم جناب دکتر علیمراد داوودی مدد می گیریم و خلاصه ای از نوار اهمیت مطالعه تاریخ را با هم مطالعه می کنیم.

#### الف: اهمیت مطالعه تاریخ امر

اگر به عالم هستی نظر افکنیم، درمی یابیم که هرگونه زندگی و حیاتی ملازم و همراه با حرکت است. یعنی آنجا که حیات است، حرکت هم است و در حقیقت حیات بدون حرکت معنا و وجودی ندارد. از سوی دیگر حرکت هم باید در زمان واقع شود تا مفهوم یابد و بنا بر این حرکت هم بدون زمان (یا بالعکس) وجود ندارد. بر این اساس اگر بخواهیم حیات را کاملتر بشناسیم و مطالعه کنیم، باید به حرکت و زمان آن هم توجه داشته باشیم. در میان انواع حیات موجود در عالم هستی، انسان کاملترین موجودات و دارای ارزشمندترین نوع حیات است. زیرا انسان فقط تغییر یا حرکت نمی کند، بلکه انسان، تنها موجودی است که بواسطه دارا بودن قوایی چون عقل، شعور، اراده

و اختیار، می تواند آگاهانه خودش را تغییر دهد. بنا بر این اگر در سایر موجودات فقط عوامل خارجی است که حرکت را ایجاد می کند، در انسان علاوه بر محرکهای خارجی، محرکی درونی (مثل عقل) نیز وجود دارد که در واقع می توان گفت که یکی از قویترین محرکهای او در مسیر حرکت و تغییرات می باشد. بر همین اساس است که به گفته یکی از محققین: "فقط انسان است که تاریخ ساز است."

حال می پرسیم تاریخ چیست؟ تاریخ مرور حیات در مراحل مختلف آن است بعبارت دیگر هر موجودی در عالم هستی تاریخی دارد اما از آنجائیکه حیات کامل، حیات انسان است، تاریخ به مفهوم کامل، مطالعه حیات انسان خواهد بود. بنا بر این تاریخ، مطالعه شرح تغییراتی است که در طی زمان پیدا می شود. برای شناخت هرچیز از جمله انسان باید حرکت آن را در طی حیات تعقیب کرد، اگر این تعقیب متوقف شود، شناخت صحیحی صورت نخواهد گرفت. بطور مثال، پدر و مادر برای چه فرزند خود را می شناسند؟ چون با او همسازند، با او زندگی می کنند و حرکت وی را در طی حیات تعقیب می کنند ولی اگر طفل را رها کنند، به غربت برود وقتی برمی گردد، دیگر او را کامل نمی شناسند، برای اینکه حرکتش را در طی حیات تعقیب نکرده اند. یا دوستانی که نهایت صمیمیت را دارند وقتی میانشان جدایی بیفتد، دیگر نمی توانند انس و الفت بگیرند زیرا تغییر در حیات، مشترک نبوده تا آن انس و الفت پایدار بماند. در جامعه که مرکب از انسانهاست نیز وضع بر همین منوال است. یعنی با غفلت از تاریخ، حرکت حیات انسان و جامعه انسانی و تغییرات وی در زمان شناخته نمی شود.

حضرت ولی امرالله در اکثر توفیعات مبارکه خود، مطالعه تاریخ امر را توصیه فرموده اند و این توصیه را بصورت عملی نیز به ما نشان داده اند، چنانکه در بسیاری از آثار مبارکه ایشان مقدمه ای از تاریخ امر دیده می شود برای اینکه اولاً خواسته اند امر را از جایی آغاز نمایند که از آنجا شروع شده است، ثانیاً نشان دهند که امر مبارک از ابتدا مانند موجود زنده، فعال بوده و حیات کامل داشته است، ثالثاً نشان دهند چگونه امر مبارک کم کم قوای مکنونه خود را ظاهر کرده و به مرحله ای رسیده است که چنین فعالیت و تحرکی در آن دیده می شود و چنین فتح و ظفری را بدست آورده یا می آورد. اگر بدین طریق و به این دید به تاریخ بنگریم، درمی یابیم که وقایع تاریخی در امر مبارک تنها داستان و شرح حیات گذشتگان نمی باشد بلکه معنا و مفهوم پیدا می کند. بنا بر این اگر برخی از وقایع بنظر بعضی عجیب و غریب می آید و درک آن سخت است، علت آنست که از مطالعه تاریخ



امر غفلت می‌کنیم، از قوای مکنونه<sup>۱</sup> در این امر که در هر مرحله‌ای بصورتی فعالیت پیدا می‌کند، غافل گشته‌ایم. بنا بر این برای شناخت دقیق امر، باید تاریخ این امر را شناخت و شناختن امر جدا از تاریخ آن غیرممکن است، امری که، امروز بیت العدل اعظم الهی اعلی جلوه و تجلی آن است. بیت‌العدل اعظم، مؤسسه<sup>۲</sup> مُلْهَمی است که نشان از همین جریان حیاتی در طی زمان دارد. چرا؟ برای اینکه مرکزی است دائمی برای تشریح احکام غیرمتمنوصه و تجدید تشریح آن احکام. بدین صورت در امر بهائی، دین مرجع متحرک و متغیری پیدا کرده است که برای شناخت این مرجع زنده و فعال باید تاریخ آن را شناخت. یعنی مطالعه تاریخ اولیه امر، برای شناختن وضعیت و موقعیت بیت‌العدل اعظم و زمان خطیری که ما در آن زندگی می‌کنیم بس ضروری و مهم است.

(اقتباس از نواری ۵۷ - اهمیت مطالعه تاریخ - جناب دکتر داوودی)

### ب: فواید تاریخ

علاوه بر مطالبی که در فوق ذکر شد، محققین فواید بسیاری برای مطالعه تاریخ برشمرده‌اند که پرداختن به آنها در این جزوه میسر نمی‌باشد، لذا برای جلوگیری از اطناب کلام، مهمترین این فواید، فهرست وار درج می‌گردد:

- ۱ - دادن پندها و درسهای عبرت به انسان
- ۲ - تذکار این نکته که دنیا بقایی ندارد و در آن هیچ چیز چنانکه هست نمی‌ماند.
- ۳ - درک آسانتر آنچه را باید کرد و آنچه را نباید کرد.
- ۴ - شناخت حقیقت و ارزیابی رسالت خود و مسئولیت خویش در ارتباط با دیگران
- ۵ - کمک به شناخت خویشتن از طریق مقایسه با احوال دیگران
- ۶ - جبران کمبود عمر آدمی و بهره‌برداری بیشتر از زندگی خویش
- ۷ - پیش‌بینی سرنوشت بشریت عمر حاضر و تعیین مسیر حرکت فردا

(اقتباس از جزوه " کلیات و فلسفه تاریخ " و کتاب " تاریخ در ترازو ")

خاتمه مقاله را به یکی از نصوص حضرت عبدالبهاء در اهمیت مطالعه تاریخ تزیین می‌دهیم می‌فرمایند قوله تعالی: " ایام گذشته را بخاطر آر، چه بود و چه شد و چه نتیجه حاصل گشت. آینده مثل سابق است و ماضی آئینه<sup>۳</sup> مستقبل. هر چه در او بینی، در این خواهی دید و هر چه در آن یافتی در این خواهی یافت. به یک نسق و یک تیره است. " (منتخبات آثار مبارکه - جلد ۲ - صفحه ۱۲۶)

### ج: مطالعه تاریخ نبیل زرنندی

ویژگیهایی که در تاریخ و تاریخ نویسی امر مبارک وجود دارد قابل توجه و تعمق

بسیار است چه که بر خلاف تواریخ ادیان سالفه که به دلایل مختلف دچار دگرگونی و تحریف شده‌اند، تاریخ امر نازنین اولاً به دلیل اینکه مبین منصوص، به نگارش تاریخ این ظهور اعظم پرداخته و آثاری چون: مقاله، شخصی سیاح و تذکره الوفا و زیاره نامه‌ها، سایر الواح تاریخیه و شواهد بسیار دیگری را از خود بجای گذاشته‌اند که بسیاری از غوامض را حل می‌نماید و ثانیاً آنکه همه مستشرقین، سیاحان و شخصیتها سیاسی که در ایران حضور داشته‌اند از نزدیک، آن وقایع و تواریخ را که در آثار خود تفصیل و تأیید کرده‌اند، دارای آنچنان حقیقتی است که خواننده را به دور از هرگونه شک و تردید به حقایق وقایع در مراحل مختلفه این امر رهنمون می‌سازد. در این میان تاریخ نبیل جایگاه خاص و ویژه‌ای دارد که آن را در صدر تواریخ امّری قرار می‌دهد. برای اثبات این مدعا می‌توان از جمله به موارد ذیل اشاره نمود:

۱ - نبیل مراقبت تامّه داشت که در نقل قضایا آنچه مقرون حقیقت و منزه از هرگونه شبهت است مرقوم دارد و آنچه می‌نوشته در محضر جمال ابهی قرائت می‌شده است بنا بر این تأیید حضرت بهاء‌الله بر این تاریخ از ویژگیهای خاص این کتاب است.

۲ - نظر به همین اعتبار تاریخ نبیل بود که حضرت ولی عزیز امرالله برای اینکه بهائیان اروپا و امریکا با وقایع اولیه امر بدیع قبل از ظهور حضرت بهاء‌الله آشنا شوند و دوره بابیت را با آن وقایع عجیبه و آثار باهره که داشته است بشناسند و علی‌الخصوص برای اینکه درس وفا و صفا و شهادت و شجاعت از دلیران مازندران و زنجانی و نیریز و طهران بیاموزند کتاب Dawn Breakers که به معنی مطالع الانوار است را بر اساس تاریخ نبیل نگاشتند. البته لازم به تذکر است که هر چند حضرت ولی امرالله در نگارش این کتاب در نقل وقایع تاریخی به کتاب نبیل زرنندی استناد کرده‌اند و در ذکر اسامی اشخاص و شرح احوال و کیفیت نقل حوادث و تفصیل مطالب با آن کتاب مطابقت جسته‌اند اما هرگز نمی‌توان کتاب مطالع الانوار را ترجمه تاریخ نبیل به معنی متداول کلمه دانست بلکه اثر معتبری است که از کلک اطهر حضرت ولی امرالله جاری شده است. بنا بر این انتخاب و استناد حضرت ولی مقدس امرالله به این سفر جلیل بعنوان مبنای نگارش کتاب مطالع الانوار از ویژگیهای دیگر این کتاب است.

۳ - استناد نویسنده به گفتار افراد مؤثق و مورد اعتمادی که در ظل امر بوده و با گفته‌ها و نوشته‌های افراد غیرمؤمن و بعضاً معاند امر و اثبات بی‌طرفی خود.

۴ - نزدیک بودن مورخ به زمان و مکان وقایع مورد نگارش و قرابت با فضای معنوی و روحانی که حوادث در آنها اتفاق افتاده است.

۵ - بیان منصفانه مؤلف که به دور از هرگونه درستی از دشمنان امر یاد می کند و حتی در پاره‌ای موارد اعمال نیک برخی از آنها را یادآور می شود.

البته لازم به تذکر است که توضیح بیشتر موارد بند ۳ و ۴ و ۵ در قسمت هـ مقدمه ( نحوه نگاری نبیل زرنندی ) و منبع اصلی درس ( مطالع الانوار ) مندرج می باشد.

#### د : شرح حال جناب نبیل زرنندی

جناب ملا محمد زرنندی ساوهای ملقب به نبیل اعظم از مشاهیر مؤمنین اولیه امریهائی و از نوابغ خادمین آن استان و از شعرای کثیر الاثار قرن اول بهائی است. وی در سال ۱۲۴۷ هجری قمری در قریه زرنند از توابع ساوه قم بدنیا آمد و اسم او را یار محمد گذاشتند. پدرش موسوم به غلامعلی از مردم عادی و عامی زرنند و اصلا از چادر- نشینان صفحه خراسان بود. یارمحمد سواد خواندن و نوشتن را در قریه زرنند فراگرفت و بکار چوپانی پرداخت. عشق و علاقه‌ای مفرط به خواندن قرآن و ادعیه اسلامی داشت و آنقدر تلاوت قرآن را مداومت نمود که قسمت زیادی از آن سفر جلیل را حفظ کرد و دائما از برمی خواند. در سال سوم از ظهور حضرت نقطه اولی که شانزده سال داشت آقا سید حسین زواره‌ای را در زرنند ملاقات نمود و به وسیله وی با امر جدید آشنا گشت و به هدایت وی آقا سید اسمعیل زواره‌ای را در قم ملاقات نموده به امر حضرت نقطه اولی مؤمن و موثق گردید. و چون بعد از ایمان به حضرت اعلی در زرنند مصون از آزار و گزند نمی ماند با اجازت پدر به طرف طهران رهسپار شده در این سفر به دیدار ملا عبدالکریم قزوینی از معارف اصحاب حضرت باب فائز گشت. مدتی با وی همجواری بود و از حوادث و وقایع امریه اطلاعات گرانبها دریافت نمود. نبیل به وسیله ملا عبدالکریم با معارف بابیه آشنا گردید و از آنها که در اکثر حوادث مهمه حاضر و جریان وقایع را ناظر بوده‌اند تفصیل قضایا را با همه جزئیات آنها شنید. در طهران به فیض ملاقات حضرت بهاء الله نائل گشت. در آن اوان حضرت عبدالبهاء شش ساله بوده‌اند و جناب نبیل در این طفل بی‌همال جلالی در حد کمال مشاهده نموده و این افتخار را که در معیت آن حضرت تا مدرسه میرزا صالح می رفته برای خود موهبتی عظیم شمرده و در آثار خود کرارا به آن اشاره نموده است. نبیل بعد از آنکه خبر حادثه عظمی، شهادت حضرت نقطه اولی عز آسمه را مسموع داشت در آتش غم و حسرت بگداخت و پیر از چندی پی دیدار ملا عبدالکریم قزوینی به قم رهسپار شد و چون در آنجا اثری از وی نیافت به همدان و کرمانشاه مسافرت نمود و وی را ملاقات نمود. در کرمانشاه ملا عبدالکریم یک نسخه از کتاب دلائل سبعة را به او داد تا به ایلدرم میرزا تسلیم نماید. ایلدرم میرزا آنموقع زمام حکومت لرستان را در کف داشت.

نبیل کتاب دلایل سبعة را به او داد. ایلدرم میرزا از دیدن کتاب اظهار بشاشت کرد و از ملا عبدالکریم ابراز ممنونیت نمود. نبیل در ماه رمضان به کرمانشاه مراجعت کرد. بشارت ورود حضرت بهاء الله را به آنجا شنید و خدمت آن حضرت مشرف شد. وقتی موضوع ایلدرم میرزا و دادن کتاب دلایل سبعة به وی به میان آمد حضرت بهاء الله فرمودند ایمان اولاد قاجار قابل اعتماد نیست. چند ماه بعد مصداق بیان مبارک آشکار شد و به امر او شعله حیات سید بصیر هندی از مخلصین اهل ایمان را خاموش ساختند. نبیل و ملا عبدالکریم قزوینی به امر حضرت بهاء الله به طهران رفتند. در حادثه سوء قصد به ناصرالدین شاه نبیل از جام بلا بی بهره نماند و در ساوه محبوس گردید زندانبان بر گردن و پایش زنجیر نهاد تا آنکه به پایمردی نفوسی آزاده از حبس ساوه آزاد شد. هنگامی که در زندان بود پیر مودی را به شریعت ایمان وارد نمود. وی پس از استخلاص از زندان، پس از چندی عازم بغداد گردید. در ذی حجه سال ۱۲۷۰ بدان بلد رسید در آن هنگام حضرت بهاء الله به سبب سوء رفتار بعضی از اهل نفاق ترک بغداد فرموده و در سلیمانیه بسر می بردند. در آن اوقات از یحیی ازل به اغوی سید محمد اصفهانی بر خلاف امر خدای لم یزل اقوال نابجا و اطوار ناروا به ظهور می رسید. نبیل هم چون شنید که بلند پروازی ازل بدانجا کشیده که دعوی من یظهره اللهی نموده است او که خود را از ازل اعلم و افضل می دانست خود را به این ادعا احق و برای این مقام اسبق شمرده دعوی مظهریت کرد ولی قوت بیان و قدرت تبیان حضرت بهاء الله او و کسان دیگری را که سر به این ادعا برداشته بودند ملزم به سکوت فرمود و نبیل از این ادعا توبت و انابت جسته تا آخر حیات خاضع و خاشع در درگاه حضرت بهاء الله بود. نبیل در این باره چنین گفته است :

به بغداد در بدو هفتاد و پنج	فرو رفت پای مرادم به گنج
مشرف به تشریف‌هایی شدم	ز ظلمت گذشته بهایی شدم
فکندم زبر خرقه کس و فس (۱)	شدم بر در دوست جاروب کسش
یکی از گدایان کویش شدم	گرفتار و پابند مویش شدم

نبیل چندین بار به زیارت حضرت بهاء الله در بغداد نائل آمد و هر بار ماوراشاعه امرالله در بلاد ایران گردید آخرین بار که حضرت بهاء الله در بغداد تشریف داشتند در باغ رضوان از استماع ندای اَلست (۲) مخمور و مست گشت. یومی چند پس از عزیمت حضرت بهاء الله به اسلامبول چون اخباری ناخوش در مورد سلامتی حضرت بهاء الله و همراهان شنید به جانب اسلامبول رفت و در بین راه به موکب مبارک پیوست در آن هنگام در

(۱) منظور ادعای مظهریت او است (۲) منظور اظهار امرعلنی حضرت بهاء الله است

ایران نیز نفوس موء منه از استماع اخبار مدهشه و شدت ابتلائات وارده مضطرب و افسرده بودند. نبیل در اسلامبول دستور یافت که به ایران مسافرت کند و دوستان را از بشارت سلامتی وجود مبارک حضرت بهاء الله و همراهان آگاه گرداند. نبیل با حرارت بیسان آن هیاکل منجمده را به جوش و خروش آورد. و موقعی که به زرنند رسید پدرش و فسات یافته و چنانکه بدو گفتند در سكرات موت در حق نبیل دعا کرده و ایمان خود را به امر بدیع اعلان داشته بود. نبیل از آنجا به سیر در بلاد پرداخت و افراد بسیاری را موء من به امر بدیع ساخت و در نیشابور حاج عبدالمجید نیشابوری را که در حادثه قلعه شیخ طهرسی شرکت کرده و جان به در برده بود دیدار کرد و فرزند او را که خصومتی شدید به امر جدید داشت و پدر را همیشه آزرده می ساخت<sup>(۱)</sup> با بیانی دلنشین موقن به امر حضرت رب العالمین نمود. جناب نبیل در مشهد بود که لوح مبارک سوره آلدّم که از سماء مشیت جمال قدم به نام او نزول یافته بود به دستش رسید و در مجمعی از احباب آن را تلاوت نمود و چون اعراض ازل از مظهر امر ربّ لم یزل در آن مجمع مسلم و مسلّم گشت نوشتجات او از جمله کتاب مستقیظ وی را به آتش انداختند. نبیل به سیر در بلاد و تبلیغ امرالله ادامه می داد وقتی به نائین رسید در آنجا با میرزا جعفر مبلغ دیدار نمود و او نبیل را بشارت داد که از جانب حضرت بهاء الله به لقب نبیل اعظم مفتخر آمده است. در همان اوقات از سماء مشیت مالک اسماء صفحات لوح مبارک حج نازل و نبیل اعظم حسب الامر به انجام آداب و مناسک آن مأمور گشت. نبیل پس از آن طریق شیراز را گرفت و مراسم و اعمال حج بیت مبارک نقطه اولی عزّ اسمّه را موافق آنچه در لوح مبارک نازل شده بود انجام داد. و اعمالش به اکتلیل قبول مکمل گشت. از آنجا به دارالسلام (بغداد) رفت و فرائض حج بیت الله را انجام داده و در ارض سیر (ادرنه) به لقای جمال ابهی فائز گشت سپس به دستور مبارک متوجه مصر گردید. قونسل ایران در قاهره که عنادی تمام به امر مالک انام داشت از ورودش آگاهی یافته به اذیتش قیام نمود و مدتی در اسکندریه گرفتار زندان شد. پس از استخلاص از زندان چون در آن هنگام مقرّ حضرت بهاء الله سجن عکا بسود نبیل با پای مجروح و قلب مقروح طریق عکا گرفت و چون دانست که دجال اصفهانی بر باب عکا دیده بانی دارد تغییر لباس داده به زی اهل بخارا درآمد و با شوق بسی اندازه به قرب دروازه رسید. در همان لحظه دجال آواز داد که این شخص بخارا را ندیده و محض زیارت مولای خود رخت به این سامان کشیده است. لذا عوانان او را راندند و نبیل به سعایت آن خبیث سرگردان ماند و عاقبت به حیفا رفته در کوه کرمل

(۱) مقصود جناب بدیع است.



در غاری مأوی و منزل گرفت و به تلاوت ادعیه و مناجات مداومت نمود و همی در انتظار فتح باب لقاء و تشریف به حضور مالک اسما<sup>ه</sup> بود تا روزی که انتظارش پایان یافت و از فیض لقاء متنعم گشت و تا صعود جمال ابیہی در آنجا باقی ماند. بعد از افول نیر آفاق طاقت فراق در وی نما شد سال صعود را با سنه شاد<sup>(۱)</sup> تطبیق داده و برای رهایی از ابتلائات و فتن سنه مذکوره که در آثار مبارکه مسطور است به فکر فدای جان که همیشه آرزوی دل و روانش بود افتاد و کلمه "غریق" را که به حساب ابجد ۱۳۱۰ می شود سال نثار نقد جان در سبیل حضرت رحمن شمرده و در گوشه ای خلوت به کنار دریا رفته و خود را به دریا افکند. و جان فدا ساخت و به این طریق دوران حیات پرحادثه نبیل جلیل پایان یافت.

#### ه : نحوه تاریخ نگاری جناب نبیل اعظم

چنانچه ملاحظه گردید نبیل بعد از فوز به ایمان پیوسته در مدن و دیار سیرمی نمود و در این سیر و سیاحت با اکثر معارف و مشاهیر قدماء بابیه و مؤمنین اولیه که حاضر در حوادث خطیره بوده اند ملاقات می نمود و تفصیل همه قضایا و حوادث دوره اولیه بابیه را با همه جزئیاتش از آنها می شنید و از آنجایی که دارای حافظه قوی بود همه را در لوح سینه و صندوق حافظه خود مضبوط می داشت. وی علاقه بسیار زیادی به مسائل تاریخی داشت لذا با شوقی وافر به گردآوری اسناد و مدارک تاریخی پرداخت و نزد هر کس که اطلاعی از قضایا و حوادث ایام اولیه ظهور بابیه سراغ داشت، می رفت و به اخذ و ضبط آن اقدام می نمود و با طبع شعری که داشت سنین وقایع مهمه تاریخی را محض سهولت ضبط آن به قید نظم می کشید. نظر به همین ذوق ادبی و شوق او به ضبط حوادث تاریخی بود که آقا محمد حنا سب از قدمای احباب و اصحاب بدشت که در عکا معاشرت داشته با نبیل زرنندی داشت او را بر تدوین تاریخی جامع و کامل که دور بدیع را لایق و قابل باشد تشویق کرد و آقا جان خادم هم که بر اطلاعات وسیعه نبیل بر تاریخ دوره بابیه و بعد آن اطلاع حاصل کرده بود با آقا محمد حنا سب هم جهت گردیده نبیل را پیوسته برای نوشتن تاریخ این امر جلیل ترغیب می کرد اما نبیل از مبادرت بدین کار بدون اذن جمال مبارک طریق اعتذار می جست خادم که دید نبیل جز به امر حضرت بهاء الله به اینکار مبادرت نمی ورزد موضوع را خدمت جمال ابیہی معروض داشت و بعد از صدور اذن از مصدر امر جریان را به وسیله همان آقا محمد حنا سب به نبیل ابلاغ نمود. نبیل در سال ۱۳۰۵ هجری قمری شروع به

(۱) در اینجا اشاره به سال صعود جمال قدم است که در سنه ۱۳۰۹ هجری واقع شد.

شاد در حساب جمل برابر ۳۰۹ می شود.



نوشتن تاریخ خود نمود و در سال ۱۳۰۸ آن را به انتهای رسانید و مدت دو سال و سه ماه و بیست و شش روز مشغول تألیف و تحریر آن بود. نبیل بعد از شروع به تحریر کتاب تاریخ در مدت دو روز هفت صفحه می نویسد و به وسیله آقا جان خادم به حضور حضرت بهاء الله تقدیم می دارد. وی بعد از آنکه مطلع گردید آن هفت صفحه‌ای که به عنوان مقدمه کتابش نوشته در حضور جمال قدم قرائت و تائید و توفیقش در انجام اینکار از مظهر ملیک مختار مسئلت گردیده لسان به ذکر و شای حق گشود و با عزمی راسخ به ادامه کار پرداخت.

نبیل در کتاب خویش به نفوسی که شرح وقایع را از زبان آنها شنیده اشاره نموده همچنین در بعضی موارد دیار و مدنی را که برای کسب اطلاعات تاریخیه به آنجا مسافرت نموده ذکر کرده است. در صفحات مختلف تاریخ نبیل به عباراتی از ایمن قبیل برمی خوریم: از شیخ ابوتراب شنیدم ... این عبارت خیلی معروف است. من از ده نفر بیشتر شنیدم ... حاجی سید جواد کربلایی حکایت فرمودند ... میرزا موسی کلیم فرمودند. ملا عبدالکریم برای من این داستان را حکایت کرد ... سید حسین یزدی گفته است ... جناب عظیم برای من حکایت کرد ... شیخ حسن زنوزی می گفت ... نبیل برخی از وقایع را از لسان حضرت بهاء الله استماع نموده و آن را زیب تاریخ خود ساخته است.

مشاهیر نفوسی که در کسب اطلاعات تاریخیه جناب نبیل را مساعدت نمودند عبارتند از: جناب ملا عبدالکریم قزوینی معروف به میرزا احمد که شرف کتابت و حی حضرت اعلی را به عهده داشت از جمله شرح لیله بعثت حضرت نقطه اولی و تشریح ملاحسین بشرویه‌ای را به حضور مبارک نبیل از لسان ملا عبدالکریم که وی بالمشافهه از ملاحسین شنیده لفظ به لفظ نقل می کند. سید اسماعیل زواره‌ای که در اصفهان در منزل امام جمعه مکرر به زیارت طلعت اعلی نائل آمده. سید حسن زنوزی از جمله تشریح جناب سید کاظم رشتی را به حضور مبارک حضرت اعلی در کربلا ایشان که خود نیز تشریح داشته برای جناب نبیل حکایت نموده است. ملا صادق مقدس خراسانی، نبیل شرح بسیاری از وقایع را از ایشان شنیده است و همچنین برخی از اصحاب دیگر که نام ایشان در تاریخ نبیل ذکر شده است. نبیل در عکا با جناب میرزا موسی کلیم برادر حضرت بهاء الله حشر و نشر طولانی داشت و او که مونس جمال ابهی و شاهد و ناظر حوادث و قضایا و شریک و سهیم در اغلب رزایا و بلایا بوده نبیل را از شرح این اتفاقات و جریانات کاملاً مستحضر داشته است. نبیل گرچه در برخی موارد مأخذ و منابعی را که مشتمل بر حوادث تاریخی بوده در اختیار داشته معذک بدان اکتفا ننموده و دست از تفحص و

تدقیق برنداشته کتاب تاریخ میرزا ابوطالب شه میرزادی که در قلعه طبرسی حضورداشته در شرح وقایع قلعه نبیل را مساعدت نموده است با این وجود جهت تحقیق و تعمیق وسیعتر و ملاقات نفوس جلیله‌ای که خود در حدوث وقایع ذی مدخل بوده‌اند رنج سفرهای بعیده‌ای را متحمل شده است. این مسافرتها در واقع مبین عشق و علاقه مفرط جناب نبیل به انجام وظیفه‌ای است که برعهده گرفته بودند.

نبیل مراقبت تاّمه داشته که در نقل قضا یا آنچه مقرون حقیقت و منزه از هر گونه شبهت است مرقوم دارد و آنچه می‌نوشته در محضر جمال ابهی قرائت می‌شده است.

بیان منصفانه مؤلف حتی آنجا که به دور از هرگونه درشتی از دشمنان امر بیاد می‌کند خود مؤید این مطلب است که نگارنده علیرغم عشق و انجذاب بی حدش نسبت به امر مبارک از هر گونه غرضی به دور بوده است فی‌المثل آنجا که در پایان واقعه قلعه، شیخ طبرسی از جریان دستگیری جناب قدّوس و اسارت ایشان سخن می‌گوید و در باره رفتار سردار لشکر دولتی با جناب قدّوس سخن می‌دارد و مراتب احترام او را نسبت به ایشان بیان می‌کند عمل نیک او را یادآوری نموده و فراموش می‌نماید که از چه کسی یاد می‌کند.

البته یگ نکته را باید مد نظر داشت و آن اینکه تاریخ نبیل حوادث و وقایع سنوات معدودی را شرح می‌دهد لذا مورخ بعضا وقایعی را بیان می‌کند که پس از آن در زمان آینده تکوین یافته و شرح واقعه خواننده را اقعان ننموده، لازم است برای تکمیل به سایر کتب تاریخی مراجعه نماید.

از جمله واقعه انتقال رسا طهر حضرت رب‌اعلی که بنا به اقتضای حکمت در آن زمان چگونگی واقعه از نظر مورخ نامعلوم بوده و نیز برای مورخ این امکان حاصل نگردیده تا تمام حوادث را به یک میزان مورد تفحص قرار دهد برخی از اتفاقات به تفصیل و بعضی به اجمال نقل شده و در این باب نبیل اعظم رسم امانت‌داری را از دست نداده و جاهای خالی را با قصه‌سرایی پر نکرده و انجام این مهم را به آیندگان سپرده‌است. ( تلخیص از جزوه هیجدهم معارف بهایی با پاره‌ای اضافات )



و : ترجمه مقدمه حضرت ولی امرالله بر کتاب مطالع الانوار

همانگونه که ذکر گردید نظر به اعتبار تاریخ نبیل، هیکل مبارک حضرت ولی عزیز امرالله درنگارش کتاب *The Dawn - Breakers* از مطالب این کتاب استفاده بسیار برده اند. اما برای درک حقایق الهی و عظمت وقایع مندرج در آن کتاب و بالأخص مأموریت بسیار مهیمن و در عین حال دشوار حضرت اعلی، باید از وضعیت فرهنگی، اجتماعی ایران اطلاع دقیق کسب کرد، لذا هیکل مبارک مقدمه ای بسیار جالب و جاذب بر مطالع الانوار نگاشته اند که خوشبختانه میسر گردید ترجمه آن در این راهنما درج گردد. امیداست با عطف توجه و دقت در مندرجات آن، به زمینه کافی برای مطالعه کتاب مطالع الانوار دست یابید.

# THE DAWN-BREAKERS

NABÍL'S NARRATIVE OF THE EARLY  
DAYS OF THE BAHÁ'Í REVELATION

*"I stand, life in hand, ready; that perchance, through God's loving-kindness and grace, this revealed and manifest Letter may lay down his life as a sacrifice in the path of the Primal Point, the Most Exalted Word."*—BAHÁ'U'LLÁH.

TRANSLATED FROM THE ORIGINAL PERSIAN

AND EDITED BY

SHOGHI EFFENDI

رونوشت صفحه اول کتاب *The Dawn - Breakers* (مطالع الانوار)

پیش گفتار

نهضت بهائی امروزه دیگر شهره عالم است و زمان آن فرا رسیده است که تاریخ بی-بدیل نبیل و آغاز دیانت بهائی در ایران مظلوم توجه خوانندگان بسیاری را بخود جلب کند، تاریخ وقایعی که او با دقت و صداقت به تدوین آن پرداخت، اثری فوق العاده است که در آن مضامین شورانگیز وجود دارد و شکوه و عظمت موضوع اصلی آن این اثر را نه فقط واجد ارزش تاریخی فوق العاده ساخته بلکه به آن نیروی معنوی مؤثری تفویض می نماید این تاریخی است با شکوه و این شکوه و جلال همانند تأثیراتی که به سر زدن خورشید در ظلمات شب می ماند اهمیت بیشتری پیدا می کند. داستانی است مملو از مقاومت و شهامت، که صحنه های جانگداز و وقایع حزن انگیز آن بسیار است. عوامل فساد، تعصب و ظلم بر علیه این نهضت متحد می شوند تا آن را منهدم سازند و مجلد حاضر جایی پایان می گیرد که بنظر می رسد ظاهراً غلیان نفرت به هدف خود نائل آمده و هر فرد اعم از زن و کودکی را که جرات می کردند به تعلقات خود به تعالیم حضرت نقطه اولی اعتراف کنند تبعید نموده و یا به آغوش مسرگ فرستاده است.

نبیل که شخصاً در بعضی از صحنه های که راوی آنهاست شرکت داشته است به تنهایی کار تدوین حقیقت زندگانی مردان و زنانی را که جنین بیرحمانه مورد زجر و آزار قرار گرفته اند و تاریخ نهضتی را که اینهمه هدف افترا و تهمت قرار گرفته است برعهده می گیرد.

این تاریخ با نثری روان نگاشته شده و وقتی عواطف نبیل بشدت برانگیخته می شود سبک او پرشور و نافذ می شود. نبیل دعاوی و تعالیم حضرت بهاء الله و مبشر ایشان حضرت نقطه اولی را در هیچ قالب مشخصی عرضه نمی نماید بلکه هدف او صرفاً شرح وقایع اولیه دیانت بهائی و ابدی ساختن خاطره شهادتهای باسلان صدر امر است. او به روایت سلسله وقایع می پردازد و با امانت ماخذ هر یک از بخشهای اطلاعات دریا فتی خود را ذکر می نماید. در نتیجه اثر او اگر چه چندان هنرمندانه و فلسفی نیست ولی به عنوان روایت واقع بینانه آنچه او می دانسته و یا می توانسته از شاهدان قابل اعتماد در باره تاریخ اولیه امر الهی استفاده نماید بر ارزش آن می افزاید. وجوه ممیزه این تاریخ، شخصیت حماسی مقدس حضرت اعلی، قاشدی با سکون و وقار و در عین حال پرشور و شوق و دارای ثبات قدم و نفوذ کلام و پیروان مخلص و جانفشان ایشان که با شجاعتی بی نظیر و با وجد و نشئه روحانی با تضحیقات مواجه می شوند، شدت حسادت ملایانی که به نفع خود درصدد برافروختن نار بغضا مردم بیرحم بوده اند همه

با بیانی که مفهوم همگان است برشته تحریر درآمده است ولی بدون احاطه به شرایط و اوضاع مذهبی و دولتی در ایران و رسوم و حالت روحی مردم و کسانی که بر آنسان حکومت می راندند، درک جزئیات این تاریخ و یا پی بردن به عظمت وظیفه‌ای که حضرت بهاء‌الله و مبشر آن حضرت برعهده گرفته بودند آسان نیست. نبیل وجود چنین آگاهی را در خواننده مسلم می داند او خود بندرت به خارج از قلمرو امپراطوریهای شاه و سلطان سفر کرده بوده و به هیچ وجه به ذهنش خطور نمی کرد که بین تمدنی که مهد پرورش خود او بوده است و تمدنهای دیگر به مقایسه مبادرت ورزد. مخاطب او به هیچ وجه خواننده غربی نبود و علیرغم آنکه می دانست تاریخی که به تحریر آن پرداخته است اهمیتی برتر از ملاحظات ملی و اسلامی دارد و دیری نخواهد گذشت که صیت آن به شرق و غرب عالم خواهد رسید اما باید در نظر گرفت که او نویسنده شرقی بود و به زبان فارسی و سبک شرقی برای کسانی که به آن زبان تکلم می کردند تاریخ می نوشت معذک اثر بیهمتائی که با صداقت و امانت کامل به خلق آن پرداخت بخودی خود کاری عظیم و توان فرسا بود. بهر حال در زبان انگلیسی مأخذ هر باره ایران قرن ۱۹ وجود دارد که می تواند اطلاعات فراوانی در باره این موضوع به خواننده غربی بدهد از جمله آثار زبان فارسی که قبلاً ترجمه شده است و یا یادداشتهای و کتابهای جهانگردان اروپائی چون لرد کرزن، سر جان ملکم و کثیری دیگر، و خواننده می تواند تصویری زنده اما نامطلوب از شرایط نفرت انگیزی که حضرت باب در هنگام تاسیس دیانت خویش در اواسط قرن ۱۹ با آن مواجه بودند بدست بیاورد. تمام صاحب نظران در این نظر که ایران کشوری عقب مانده و ضعیف و بعلت عادات فاسد و تعصبات وحشیانه دستخوش تفرقه و تشتت بود متفق القولند. بی کفایتی و دنائت که ثمره تباهی اخلاق بود آن سرزمین را در برگرفته بود. همگان از عالی و دانی فاقد توانائی اعمال اصلاحات و یا حتی مبادرت به انجام آن بودند. تفرعن قومی سبب خودبینی و خودخواهی مغرط شده بود ظلم رکود بر همه چیز چنگ انداخته و خمود فکری هر گونه پیشرفتی را غیرممکن می ساخت. در نزد محقق تاریخ فساد ملتی که زمانی چنین قدرتمند و کامروا بوده است بی نهایت تاسف انگیز می نماید. حضرت عبدالبهاء که با وجود ستمهایی که بر حضرت بهاء‌الله، حضرت نقطه‌اولی و خود ایشان رفته بود باز هم کشور خود را دوست داشتند تدتی این ملت را " مصیبت یک ملت " می نامیدند و در کتاب رساله مدنیه که در طی آن حضرتشان سعی نمودند که افئده هم میهنان خود را در جهت تقبل اصلاحات ریشه‌ای به اهتزاز درآورند بر سرنوشت جاری ملتی که زمانی فتوحاتش شرق و غرب عالم را در نوردیده و راهبر تمدن انسانی بوده‌اند به شدت حسرت می خوردند و چنین







فرزندان شاه در سراسر کشور در رأس پر در آمدترین مشاغل قرار می گرفتند و نسلهای بعد حتی مشاغل کم اهمیت بی شمار را عهده دار می شدند حتی تا بدانجا که کشور در زیر بار حکومت این طفیلی های درباری که مقام خود را مرهون خویشاوندی با شاه بودند و نه شایستگی دیگر، کمر خم می کرد. وجود آنان به ترویج این ضرب المثل فارسی آنجا که می گوید "بهر جا بنگری یا شتری بینی یا شپش و یا شاهزاده" منجر شد. حتی زمانیکه پادشاه اراده می کرد در باره قضیه ای که برای داوری به او ارجاع می شد تصمیمی عادلانه و عادلانه بگیرد کار را بسیار دشوار می یافت زیرا به اطلاعاتی که به او داده می شد نمی توانست مطمئن باشد. اطلاعات ضروری به وی نمی رسید و حتی حقایقی که در اختیارش قرار می گرفت بر اثر نفوذ شاهدان ذی نفع و یا وزراء رشوه خوار تحریف می گردید. نظام فاسد چنان در ایران ریشه دوانده بود که بصورت یک نهاد رسمی درآمدی بود و لرد کرزن بدین ترتیب آن را شرح می دهد:

اکنون به نکته ای می رسم که از وجوه بارز و مهم دستگاه اداری ایران است. نه تنها در گردش امور دولت بلکه زندگی روزمره مردم در آن کشور در اکثر موارد بر محور چیزی جز مبادله تحفه و پیشکشی اداره نمی شود با در نظر گرفتن جنبه های اجتماعی، این رسم را می توان نشانه عواطف سخاوتمندانه مردمانی خوش قلب فرض کرد. اما این رسم جنبه ای کاملاً غیرعاطفی دارد زیرا مثلاً وقتی شخصی از دریافت هدیه ای مسرور گردد به زودی متوجه می شود که نه تنها در برابر دریافت هدیه باید با تقدیم هدیه ای مشابه معامله به مثل نماید بلکه موظف است انعامی به سزا به حامل هدیه نیز تقدیم دارد و این انعام برای چنین اشخاصی به احتمال زیاد یگانه وسیله امرار معاش محسوب می شود. رسم اهدا هدیه به لحاظ آداب سیاسی با وجود آنکه در سنتهای مستحکم قدیمی مشرق زمین امری مطلوب شمرده شده است، در نقاط دیگر با عناوین نه چندان خوش آیند توصیف می گردد. این مبادله تحفه سنتی است که امور دولتی ایران در طی قرون متمادی بر اساس آن اداره شده است و ادامه آن مانعی جدی بر سر راه هر گونه اصلاح واقعی بحساب می آید. از شاه گرفته تا مدارج پائین هیچکس را نمی توان یافت که دستش برای گرفتن هدایا دراز نباشد بندرت پستی را می توان یافت که بدون دریافت هدایا تفویض شده باشد و کمتر ثروت هنگفتی بدون مبادله تحفانه باشد می شود.

افراد تقریباً بدون استثنا در سلسله مراتب اداری که قبلاً ذکر شد مقام خود را از طریق تقدیم پولی یا به شاه یا به یکی از وزراء و یا به حکمرانی که بوسیله او بکار منصوب می گردد بدست می آورند. اگر برای یک مقام چندین داوطلب باشد به احتمال

زیاد کسی قبول می شود که بالاترین پیشنهاد را بدهد.

مداخل که نوع سنت ملی پسندیده ایرانیان است و مطالبه آن به هزاران شکل و صورت انجام می گیرد و زیرکی افراد در آخذ آن، با اشکال مختلفه مطالبه آن، برابری می کند، غایت دل بستگی و دلخوشی ایرانیان محسوب می شود. این اصطلاح جالب که به گفته آقای واتسون در زبان انگلیسی معادل دقیقی ندارد می تواند بر حسب مورد به عنوان حق العمل، حق حساب، انعام، پاداش، جیبیری و دزدی و سوء استفاده تعبیر شود. معنی تقریبی این واژه عبارت است از اضافه پرداخت در وجه مأمور خرید گسه معمولاً بصورت پولی محاسبه می شود که در هر معامله می توان به جیب زد. معامله ای که در آن طرفین ذی مدخل، دهنده و گیرنده خواه رئیس و مرئوس باشند، یا حتی متعاملین هم مرتبه، صورت نخواهد گرفت مگر اینکه طرف ثالثی بعنوان حامی طرح یا خدمت معرفی گردد و درصد معینی نقداً برای کاری که انجام گرفته مطالبه و دریافت نماید. البته می توان گفت که طبیعت انسانی عموماً در تمام دنیا یکسان است و نظام مشابهی نیز با عناوین مختلف در کشور ما و سایر کشورها وجود دارد و اگر منصفانه بنگریم این خصیصه فقط خاص ایرانیان نیست، ولی هیچگاه دیده و شنیده نشده است که در هیچ کشوری در جهان این رسم چنین علنی و بیشرمانه رایج باشد. این رسم به هیچ وجه به بخش اقتصادی داخلی و معاملات تجاری محدود نمی شود بلکه در کلیه شئون زندگی رخنه کرده و در اکثر اقدامات مردم نافذ است. سخاوت طبع و خدمت بدون توقع پاداش عملاً در ایران از مقوله فضیلت های اجتماعی حذف شده است و حرص و آز و مال اندوزی بعنوان یک قاعده کلی در زندگی، جایگزین آن گشته است، بدین ترتیب رواج تصادفی نهب و غارت اموال از سلطان گرفته تا رعیت بر مملکت حاکم شده و هر طبقه ای از اجتماع به تاراج طبقه مادون خود پرداخته بطوریکه قربانی نهائی دهقان بینواست. بنا بر این در چنین اوضاع و احوالی به هیچ وجه شگفت انگیز نیست که هر مقامی وسیله جمع آوری ثروت باشد و موارد بیشمار از مردمی مشاهده شود که زندگی را از صفر آغاز کرده و اینک در خانه های مجلل با خدم و حشم فراوان و به روشی شاهانه روزگار بسر می برند. شعار "تا فرصت هست بار خود را ببند" سرلوحه زندگانی اشخاصی است که در جامعه صاحب شغل و عنوانی می شوند. افکار عمومی نیز از چنین اعمالی اکراه ندارد و در ارزشیابی کسیکه از فرصت موجود استفاده نکرده و نتوانسته است جیب های خود را پر کند عمل او به بیشعوری و بی کفایتی تعبیر می شود. هیچ کس در فکر رنجیدگانی نیست که با مداخل مستمر از دسترنج و از عرق جبین آنان، ثروتی فراهم آمده است که بدون شکوه و شکایت خود آنان صرف بنای خانه های مجلل

بیلاقی و سفرهای تفریحی و تفنّنی به اروپا و درآمدهای هنگفت شده است .  
با نظری به آنچه که ذکر شد فقط قسمتی از مشکلات رسالت حضرت اعلی آشکار می شود و  
با نگاهی به آنچه در ذیل می آید با مخاطراتی که آن حضرت با آن مواجه بودند آشنا  
می شویم و برای درک حوادثی مشحون از شقاوت و قساوت شیرانه که در حق آن حضرت  
روا داشته اند آماده می گردیم . لرد کرزن می نویسد :

" پیش از ختم بحث در باره قوانین ایران و نحوه تنفیذ آن بی مناسبت نیست کلامی  
چند در باره مجازات زندان بگوئیم . از نظر خواننده اروپائی که به مطالعه اوراق  
پر از جنایت و خونریزی تاریخ ایران در طی قرون گذشته و تا حدی کمتر در قرن حاضر  
می پردازد ، شیعترا از انواع مجازات وحشیانه و شکنجه های نفرت انگیز که خود شاهدی  
بر سنگدلی مجازاتگران و ابتکار آنان در تمهید انواع شکنجه می باشد وجود ندارد .  
خلعت ایرانی همیشه از لحاظ تمهید وسایل شکنجه و در عین حال بی تفاوتی نسبت به  
اعمال انواع شکنجه منحصر بفرده بوده است و در زمینه احکام شرعی از هر دوی این  
خصوصیات بطور عملی استفاده برده است . فی الواقع باید گفت که حتی هم اکنون در  
داخل مرزهای حکومت کنونی جانیان محکوم ، مملوب می شوند ، به دم توپ بسته می شوند  
زنده به گور و یا بدنشان شرحه شرحه می گردد ، چون اسب نعل می شوند و یا هر پائی  
به یکی از دو درخت سر بهم آورده بسته می شود و سپس درختها را رها کرده تا بحال  
اول بازگشته و محکوم نگون بخت را دو نیمه کند و یا زنده زنده پوست می کنند و آنها  
را شمع آجین نمایند .

... تحت یک نظام حکومتی دوگانه که شرح آن هم اکنون از نظر شما گذشت یعنی دولتی  
که در آن هر کارگزاری در حالات گوناگون رازی و یا مُرتشی می باشد و روش قضاوت که  
در آن نه قانونی وجود دارد و نه دادگاهی ، سهولت می توان دریافت که به هیچ وجه  
به چنین دولتی نمی توان اعتماد کرد . هیچ نوع احساس وظیفه شناسی ، شرف و افتخار و  
اعتماد و یا همکاری متقابل مگر در طریق فساد وجود ندارد . استیضاح از بی آبرویی ،  
فضائل انسانی و بالاتر از همه روح ملی و میهن پرستی از این مملکت رخت بر بسته  
است .

از آغاز امر حضرت اعلی می بایست آن حضرت عکس العمل هم میهنانش را به تعالیم  
خود و سرنوشتی را که از طرف ملایان در انتظارشان بود پیش بینی کرده باشند ولی  
آن حضرت اجازه نمی دادند که إلقاء شبهات مغرضین بر اعلان صریح دعاوی حضرتش و یا  
معرفی آشکار امرش تأثیر گذارد . بدعت هائی که ایشان مروج آن بودند گر چه صرفاً  
جنبه دینی داشت ولی کاملاً انقلابی بود و آشکار ساختن هویتشان بُهت آور و عظیم بود .

آن حضرت خویشان را قائم موعود، پیامبر عظیم‌الشان و یا مسیحیای منتظر معرفی نمودند که عالم اسلام مشتاقانه در انتظار ظهورش بود. هم چنین ادعا کردند که حضرتشان باب یعنی واسطه فیوضات از طرف شخصی هستند که هنوز در پسر پرده عزت است و عنقریب در بین نوع بشر ظهور خواهند کرد.

بدین ترتیب حضرت اعلی‌هماگونه که در احادیث اسلامی پیش‌بینی شده بود با کسانی که دارای افکار متحجر و انعطاف‌ناپذیر در باره مفاهیم آن نبوت‌احادیث بودند مواجه گردیدند. دو فرقه بزرگ اسلامی در ایران یعنی شیعه و سنی هر دو اهمیتی حیاتی برای ودیعه الهی (جانشینی) دین خود قائل بودند ولی از نظر معنا و مفهوم این ودیعه با یکدیگر اختلاف عقیده داشتند. شیعیان که اصول عقاید بانی از آن نشأت گرفته، معتقد بودند پس از رحلت پیامبر اکرم حضرت محمد (ص) دوازده امام جانشینان حضرتش بودند که هر یک از ایشان بنا بر معتقدات شیعه، مخصص به مواهب و قوای مودوعه الهی می‌باشند و عموم مؤمنین می‌بایست بدون چون و چرا از آنان تبعیت می‌کردند. انتصاب هر یک از آنان نه از طریق آراء مؤمنین بلکه با تعیین امام قبل صورت می‌گرفت. دوازدهمین و آخرین امام مَلَهَمُ بِالْهَامَاتِ الهیه بنام محمد به قول شیعیان بالقباب "امام مهدی حجة الله، بقية الله، قائم آل محمد" نامیده می‌شود. ایشان وظائف خویش را بعنوان امام در سال ۲۶۰ هجری عهده‌دار شدند ولی ناگهان از نظر غائب گردیدند و با پیروان خود فقط از طریق نواب منتخب بنام "بساب" در ارتباط بودند. چهار نفر از این ابواب یکی پس از دیگری و هر یک بر حسب انتخاب سلف خود و با تأیید امام منصوب گردیدند ولی باب چهارم موسوم به ابوالحسن علی وقتی پیش از مرگش از طرف مؤمنین راجع به اسم جانشینش از او سؤال شد از دادن جواب سر باز زد و گفت که خداوند نقشه دیگری دارد. بنا بر این پس از مرگ وی کلیه روابط بین امام و مریدان متوقف گردید و امام در میان جمعی از پیروانش هنوز در مکانی دور از انتظار زندگی می‌کند و در انتظار بسر می‌برد و روابط خود را با پیروانش از سر نخواهد گرفت مگر تا زمان تأسیس دوره هزاره موعود فرا رسد. اهل سنت برای جانشینان پیامبر چنین رتبه رفیعی قائل نیستند و بیشتر بر جنبه عملی وظائف آنان نظر دارند تا جنبه روحانی. از دید اهل سنت شخص ظریفه بیشتر مقام مدافع اسلام را دارا است و انتصاب وی منوط به بیعت و توافق عمومی می‌باشد. با وجود تفاوتی که در این مراتب وجود دارد هر دو فرقه به دو ظهور معتقد می‌باشند. شیعیان در انتظار آمدن قائم که در آخر الزمان ظهور خواهد کرد و رجعت حسینی می‌باشند. اهل سنت در انتظار ظهور حضرت مهدی و رجعت عیسی مسیح هستند. وقتی حضرت



نقطه اولی در ابتدای رسالت شان برطبق سُنن شیعہ عمل فرمودند و رسالت خود را تحت دو عنوان یعنی اول مقام قائمیت و دوم مقام بابیت مطرح نمودند بعضی از مسلمانان در باره عنوان اخیر دچار سوء تفاهم شدند، تصور کردند که منظور حضرت اعلی آنست که حضرتشان باب پنجم پیر از ابوالحسن علی می باشند در صورتیکه منظور حقیقی حضرتشان چنانکه صریحاً اعلان فرموده اند بسیار متفاوت بود.

ایشان قائم آل محمد بوده اند که پیامبری عظیم اَلشان محسوب و در عین حال مَبشّر ظهوری اعظم از خود که متعاقباً ظاهر می شد بودند مانند یوحنا مُعمّدان که مَبشّر حضرت مسیح بودند، آن حضرت مَبشّر ظهوری اعظم از خود بودند و باید امر ایشان قنوس نزولی بیپیماید تا ظهور بعد قوس صعودی خود را طی نماید و هم چنانکه یحیی تعمید دهنده مَبشّر حضرت مسیح بود، حضرت اعلی نیز مَبشّر حضرت بهاء اللّٰه بودند. احادیث موثّق و بیشماری وجود دارد مشعر بر این که قائم موعود به هنگام ظهور، احکام جدید خواهد آورد و بنا بر این احکام اسلام را نسخ خواهد نمود اما این نظر مقبول طبع پیشوایان مذهبی حاکم در آن زمان نبود. این علما با اطمینان انتظار داشتند که ظهور موعود شریعتی جدید و کاملتر جا نشین شریعت قدیم نخواهد ساخت بلکه نظامی را که پیشوایان مذکور عاملین آن بودند تأیید و تحکیم خواهد نمود؛ آن حضرت بر شان و مقام آنان بی اندازه خواهد افزود، قدرتش را در بین امم گسترش خواهد داد و مردم را در مقابل آنان به عبودیت محض وادار خواهد نمود. اما هنگامی که حضرت اعلی کتاب مستطاب بیان را نازل فرمودند و احکام جدیدی تشریح نمودند که چه قولاً و چه عملاً عامل اصلاحات عمیق اخلاقی و روحانی شد، روحانیون آنرا رایحه خطر مهلک را استشمام نمودند آنان مشاهده کردند که قدرت مطلقه شان متزلزل گردیده، جاه طلبیهایشان در معرض تهدید قرار گرفته و روش زندگانی و ریاستشان تحقیر شده است از این رو با خشم و تنفیری آمیخته با تعصب به مخالفت و ضدیت با آن حضرت قیام کردند. به شاه و مردم اعلان نمودند که این بدعت کدّار نرسیده دشمن علم الهی و تنزیف کنندگان اسلام و خائن به رسول اللّٰه، نه تنها برای شرع مقدس خطری محسوب است بلکه جهت نظم اجتماع و نفس حکومت نیز مُضر است. علت انکار و آزار حضرت نقطه اولی در اصل همان علت انکار و آزار حضرت مسیح بود اگر حضرت مسیح کتابی جدید نیاورده بود، اگر اصول روحانی خاصی را که حضرت موسی تعلیم داده بود نسخ نمی کرد بلکه احکام و قوانین آن حضرت را ادامه می داد، ممکن بود بعنوان یک مُصلِح اخلاقی از گزند انتقام کاتبان و فریسیان در امان بمانند، اما ادعای اینکه از احکام حضرت موسی حتی فروعات دینی ثانویه مانند طلاق، رعایت یوم سَبْت (شنبه) را می توان تغییر داد آنهم

بوسیله راعظمی از اهل ناصره و فاقد تحصیلات رسمی دینی، این ادعا در حکم تهدید مصالح و منافع کاتیبان و فریسیان محسوب می شد و چون آنان خود را نمایندگان حضرت موسی و خدا می خواندند عملاً حضرت مسیح را بمنزله کفر نسبت به خداوند متعال محسوب داشتند. به مجرد آنکه به ادعای حضرت مسیح پی بردند ایذا و آزار آن حضرت آغاز گردید و چون حضرت حاضر نشدند از ادعای خویش دست بردارند ایشان را به بزرگ محکوم نمودند. به دلایل کاملاً مشابه، حضرت اعلی از بدایت امر به عنوان هادم بنیان دین، آماج مخالفت روحانیون واقع گشتند. با وجود این حتی در آن کشور مظلم و اسیر حمیت جاهلان، ملایان (مانند کاتیبان و فریسیان ۱۸ قرن پیش) برای از میان بردن آن حضرت که ایشان را دشمن دین خود تصور می کردند به آسانی نتوانستند بهانه موجهی بیابند.

یگانه مدرک موجود در باره دیدار یک فرد اروپائی با حضرت نقطه اولی به دوره مسجونیت آن حضرت در تبریز مربوط است. در آن هنگام مقامات حکومت ایران از طبیب انگلیسی بنام دکتر "کورمیک" که مقیم تبریز بود دعوت کردند تا نظر خود را در باره سلامت عقلی آن حضرت اعلام دارد. نامه این طبیب خطاب به همکارش از اعضای میسیون امریکائی مقیم ایران در کتاب پروفیسور ادوارد جی براون تحت عنوان "مطالبی در مطالعه دیانت بابی" آمده است که در آن می نویسد: "شما از من خواسته اید که شرحی در باره ملاقات و گفتگوی خویش با موسس فرقه مشهور به بابی بنویسم. در این ملاقات هیچ مطالب مهمی مطرح نشد زیرا باب آگاه بود که مرا همراه دو طبیب ایرانی فرستاده اند که ببینم آیا وی دارای عقل سالم است و یا مبتلا به جنون می باشد تا در این باره تصمیم اتخاذ شود که مستحق اعدام است یا نه. باب با اطلاع از این امر در جواب به پرسشهایی که از وی بعمل آمد امتناع می ورزید. در برابر کلیه سوالات با نگاهی مهربان به ما می نگریست، در حالی که با لحنی ملایم و موزون مطالبی زیر لب زمزمه می کرد که به گمانم اُوراد مذهبی بود. دو سید دیگر از یاران نزدیک باب نیز حاضر بودند که بعداً همراه وی به قتل رسیدند. علاوه بر آنان دو مأمور دولتی نیز حضور داشتند. باب تنها از روی لطف هنگامی به جواب دادن به پرسشهای من ابراز رغبت نمود که اظهار داشتم من مسلمان نیستم و میل دارم مطالبی در باره دین او بدانم زیرا شاید مایل باشم که دین بابی را قبول کنم. پس از آنکه من این سخنان را گفتم باب به دقت در من نگریست و جواب داد تردیدی ندارد که روزی همه اروپائیان به دین او در خواهند آمد. گزارش ما در آن وقت به شاه بنحوی بود که می توانست

\* این مطلب در اصل نامه دکتر کورمیک با شتابه ذکر شده و از لحاظ تاریخی سندیت ندارد.



نقطهٔ اولی در ابتدای رسالت شان برطبق سُنن شیعه عمل فرمودند و رسالت خود را تحت دو عنوان یعنی اول مقام قائمیت و دوم مقام بابیت مطرح نمودند بعضی از مسلمانان در باره عنوان اخیر سوء تفاهم شدند، تصور کردند که منظور حضرت اعلیٰ آنست که حضرتشان باب پنجم پیر از ابوالحسن علی می باشند در صورتیکه منظور حقیقی حضرتشان چنانکه صریحاً اعلان فرموده اند بسیار متفاوت بود.

ایشان قائم آل محمد بوده اند که پیامبری عظیم ایشان محسوب و در عین حال میبشّر ظهوری اعظم از خود که متعاقباً ظاهر می شد بودند مانند یوحنا و معمدان که میبشّر حضرت مسیح بودند، آن حضرت میبشّر ظهوری اعظم از خود بودند و باید امر ایشان قنوس نزولی بپیما ید تا ظهور بعد قوس صعودی خود را طی نماید و هم چنانکه یحیی تعمید دهنده میبشّر حضرت مسیح بود، حضرت اعلیٰ نیز میبشّر حضرت بهاء الله بودند. احادیث موثّق و بیشماری وجود دارد مشعر بر این که قائم موعود به هنگام ظهور، احکام جدید خواهد آورد و بنا بر این احکام اسلام را نسخ خواهد نمود اما این نظر مقبول طبع پیشوایان مذهبی حاکم در آن زمان نبود. این علما با اطمینان انتظار داشتند که ظهور موعود شریعتی جدید و کاملتر جا نشین شریعت قدیم نخواهد ساخت بلکه نظامی را که پیشوایان مذکور عاملین آن بودند تأیید و تحکیم خواهد نمود، آن حضرت بر شان و مقام آنان بی اندازه خواهد افزود، قدرتشان را در بین امم گسترش خواهد داد و مردم را در مقابل آنان به عبودیت محض و ادا خواهد نمود. اما هنگامی که حضرت اعلیٰ کتاب مستطاب بیان را نازل فرمودند و احکام جدیدی تشریح نمودند که چه قولاً و چه عملاً عامل اصلاحات عمیق اخلاقی و روحانی شد، روحانیون آنرا رایحهٔ خطری مهلک را استشمام نمودند آنان مشاهده کردند که قدرت مطلقه شان متزلزل گردیده، جاه طلبیهایشان در معرض تهدید قرار گرفته و روش زندگانی و ریاستشان تحقیر شده است از این رو با خشم و تنفیری آمیخته با تعصب به مخالفت و ضدیت با آن حضرت قیام کردند. به شاه و مردم اعلان نمودند که این بدعت گذار نرسیده دشمن علم الهی و تضعیف کنندهٔ اسلام و خائن به رسول الله، نه تنها برای شرع مقدس خطری محسوب است بلکه جهت نظم اجتماع و نفس حکومت نیز مُرّ است. علت انکار و آزار حضرت نقطهٔ اولی در اصل همان علت انکار و آزار حضرت مسیح بود اگر حضرت مسیح کتابی جدید نیاورده بود، اگر اصول روحانی خاصی را که حضرت موسی تعلیم داده بود نسخ نمی کرد بلکه احکام و قوانین آن حضرت را ادامه می داد، ممکن بود بعنوان یک مُصلِح اخلاقی از گزند انتقام کاتبان و فریسیان در امان بمانند، اما ادعای اینکه از احکام حضرت موسی حتی فروعات دینی ثانویه مانند طلاق، رعایت یوم سبت (شنبه) را می توان تغییر داد آنهم

بوسیله اراغلی از اهل ناصره و فاقد تحصیلات رسمی دینی، این ادعا در حکم تهدید مصالح و منافع کاتبان و فریسیان محسوب می شد و چون آنان خود را نمایندگان حضرت موسی و خدا می خواندند عمل حضرت مسیح را بمنزله کفر نسبت به خداوند متعال محسوب داشتند. به مجرد آنکه به ادعای حضرت مسیح پی بردند ایذا و آزار آن حضرت آغاز گردید و چون حضرت حاضر نشدند از ادعای خویش دست بردارند ایشان را به بزرگ محکوم نمودند. به دلایل کاملاً مشابه، حضرت اعلی از بدایت امر به عنوان هادم بنیان دین، آماج مخالفت روحانیون واقع گشتند. با وجود این حتی در آن کشور مظلم و اسیر حمیت جاهلان، ملایان (مانند کاتبان و فریسیان ۱۸ قرن پیش) برای از میان بردن آن حضرت که ایشان را دشمن دین خود تصور می کردند به آسانی نتوانستند بهانه موجهی بیابند.

یگانه مدرک موجود در باره دیدار یک فرد اروپائی با حضرت نقطه اولی به دوره مسجونیت آن حضرت در تبریز مربوط است. در آن هنگام مقامات حکومت ایران از طبیب انگلیسی بنام دکتر "کورمیک" که مقیم تبریز بود دعوت کردند تا نظر خود را در باره سلامت عقل آن حضرت اعلام دارد. نامه این طبیب خطاب به همکارش از اعضای میسیون امریکائی مقیم ایران در کتاب پروفیسور ادوارد جی براون تحت عنوان "مطالبی در مطالعه دیانت بایی" آمده است که در آن می نویسد: "شما از من خواسته اید کسبه شرحی در باره ملاقات و گفتگوی خویش با موسس فرقه مشهور به بایی بنویسم. در این ملاقات هیچ مطالب مهمی مطرح نشد زیرا با آگاه بود که مرا همراه دو طبیب ایرانی فرستاده اند که ببینم آیا وی دارای عقل سالم است و یا مبتلا به جنون می باشد تا در این باره تصمیم اتخاذ شود که مستحق اعدام است یا نه. باب با اطلاع از این امر در جواب به پرسشهایی که از وی بعمل آمد امتناع می ورزید. در برابر کلیه سوالات با نگاهی مهربان به ما می نگریست، در حالی که با لحنی ملایم و موزون مطالبی زیر لب زمزمه می کرد که به گمانم اُوراد مذهبی بود. دو سید دیگر از یاران نزدیک باب نیز حاضر بودند که بعداً همراه وی به قتل رسیدند.\* علاوه بر آنان دو مأمور دولتی نیز حضور داشتند، باب تنها از روی لطف هنگامی به جواب دادن به پرسشهای من ابراز رغبت نمود که اظهار داشتم من مسلمان نیستم و میل دارم مطالبی در باره دین او بدانم زیرا شاید مایل باشم که دین بایی را قبول کنم. پس از آنکه من این سخنان را گفتم باب به دقت در من نگریست و جواب داد تردیدی ندارد که روزی هماروپائیان به دین او در خواهند آمد. گزارش ما در آن وقت به شاه بنحوی بود که می توانست

\* این مطلب در اصل نامه دکتر کورمیک با شتابه ذکر شده و از لحاظ تاریخی سندیت ندارد.

جان ایشان را از مرگ نجات دهد. ولی بعد از مدتی به فرمان میرزا تقی خان امیرنظام باب را مقتول ساختند با گزارش ما ایشان را فقط به فلک بستند که در طی آن عمل، فرآشی به عمد یا غیر عمد با چوبی که برای زدن به پای وی معین شده بود به صورتش زد به طوری که در چهره اش زخمی عمیق ایجاد شد و صورتش متورم گردید. وقتی که سوال نمودند که آیا موافق است یک جراح ایرانی جهت مداوا بیاید، ابراز تمایل نمود مرا بفرستند و بدین طریق چند روز او را مداوا کردم اما در مکالماتی که در این جریان روی داد هرگز نتوانستم مذاکره‌ای محرمانه با ایشان داشته باشم زیرا به دلیل زندانی بودنشان همواره عده‌ای مأمورین دولتی حاضر بودند. باب فردی بسیار آرام و متین و ظریف‌الاندام بود و قامتی بالنسبه کوتاه داشت، بشراهه‌ش از اکثر ایرانیان روشنتر بود. صوتی ملایم و خوش‌نوا داشت که بسیار در من اثر نمود. به رسم سادات لباس می پوشید. دو مصاحب ایشان نیز به همین لباس ملبّس بودند. در حقیقت طرز نگاه و سلوک ایشان تا اعماق وجود بیننده اثر می گذاشت. از زبان خودشان مطلبی در باره اصول اعتقادات ایشان نشنیدم، اگر چه این عقیده وجود داشت که دینت بابی شباهتهایی با مسیحیت دارد. زمانی که چند نجار از آرامنه که برای تعمیراتی به زندان ایشان فرستاده شدند وی را دیده بودند که انجیل می خواند، باب هیچ کوششی برای پنهان کردن این امر به خرج نمی داد، بلکه برعکس در باره آن با ایشان سخن می گفت. با اطمینان تمام باید گفت که از تعصب اسلامی نسبت به مسیحیان اثری در دین او وجود نداشت و از محدودیت‌هایی که در اسلام نسبت به زنا و وجود دارد در دیانت او از آن اثری نیست. چنین بود تا تئوری که حضرت اعلی بر یک فرد انگلیسی تحصیل کرده برجای نهادند تا آنجا که تأثیر شخصیت و تعالیم وی از آن زمان به بعد در جهان غرب انتشار یافته است، هیچ مدرک دیگری در این باره وجود ندارد که نشان دهد فردی از اروپائیان او را مشاهده کرده است و یا به چشم خود دیده باشد.

خصوصیات حضرت اعلی از جهت نجابت و جمال و رفتار بغایت استثنائی و نادر بسود. شخصیت ایشان آنچنان توأم با ملاحظت و در عین حال پرهیمنه بود و جاذبه ذاتی آن حضرت با کیاست و تدبیر فوق العاده قرین بود که پس از اظهار امر به سرعت در سراسر کشور ایران شهرتی عظیم یافت. کمتر کسی وجود داشت که به دیدارشان مثل آید و مجذوبش نگردد. غالباً زندانبانان به امرشان ایمان می آوردند و بدخواهان نشان سنا بگشته و به محبّاتی ستایشگر مبدل می گشتند. خاموش ساختن ندای چنین وجودی بدون مصون ماندن از نفرت عمومی حتی در کشوری مانند ایران اواسط قرن نوزدهم کاری آسان نبود اما در باره پیروان حضرت اعلی وضع فرق می کرد. ملایان در مقابله با این امر تاخیری

جائز نمی شمردند. از این رو دست‌آویز لازم برای توطئه‌چینی به چنگ آوردند. تعصب و عناد مسلمانان از شاه گرفته تا متابعان او را می‌شد به آسانی بر ضد هرگونه تحوّل مذهبی برانگیخت. بابیان را می‌شد به خیانت به شاه متهم ساخت و انگیزه‌های بدخواهانه، سیاسی به اقدامات آنان نسبت داد. علاوه بر این پیروان حضرت باب بسیار بودند جمعی از ایشان مرقّه و برخی ثروتمند و کمتر کسی در بین آنها یافت می‌شد مایملکی از خود نداشته باشد که همسایگان خود را برای تملک آنها برنأ نگیزد. مآلها با توسّل به وحشت مقامات حکومتی و احساسات رذیلانه، قومی توأم با تعصب و آزمندی، یکرشته اقدامات کینه‌توزانه و غارتگرانه به راه انداختند و این رویه، مذموم را با چنان سُبُعیّت بی رحمانه‌ای پیگیری کردند تا اینکه سرانجام تصور نمودند آمالشان به تمام و کمال تحقق یافته است. بسیاری از وقایع این سرگذشت غم‌انگیز در تاریخ نبیل آمده است و در بین آنها وقایع مازندران، نیریز و زنجان به سبب ماهیت حوادث قهرمانانه‌ای که بابیان به آن شهرت دارند از همه شاخص‌تر است. در این سه واقعه جماعتی از بابیان بناچار هماهنگ و همداستان، خانه‌های خویش را تشرک گفته هر جمعی به مأمنی پناه بردند و با ایجاد حصارهای دفاعی بر گرداگرد خویش، مسلطانه در برابر تعقیب و آزار بیشتر به مقاومت برخاستند. در نزد هر ناظر بی‌طرفی مسلم و بدیهی بود که افتراهای ملایان در باره انگیزه‌های سیاسی بابیان خلاف حقیقت بود. بابیان همواره ثابت نمودند که آماده‌اند هرگاه تضمین لازم داده شود که دیگر در قبال معتقدات دینی خود در معرض اذیت و آزار قرار نخواهند گرفت، حاضرند به سرکار و کسب خویش بازگردند. نبیل بر علاقه بابیان به احتراز از تعرّض تأکید نموده است. آنان آماده و مهیا بودند با مهارت و عزمی راسخ برای حفظ جان‌شان از خود دفاع کنند ولی هیچگاه ابتدا دست به حمله نمی‌برند حتی در بحبوحه نبردهای بی‌رحمانه هرگز حاضر نبودند غنیمتی با خود ببرند یا ضربتی بی‌جهت بر کسی وارد سازند. از حضرت عبدالبهاء در مقاله شخص‌سیاح<sup>(۱)</sup> مطالب ذیل در باره جنبه اخلاقی قیام بابیان چنین نقل شده است:

"باری وزیر<sup>(۲)</sup> با استقلال تمام بدون استشاره و استیذان، امر به تأدیب و تعذیب بابیان با طرف فرستاد. حکام و والیان بهانه، مداخل جستند و مأموران وسیله منافع و علمای معروف بر رأس منابر تشویق هجوم عامه می نمودند. قوه تشریح و تنفیذ دست در آغوش هم داده این طایفه را قلع و قمع خواستند و این طایفه از اساس و

(۱) صفحه ۱۵ مقاله شخص‌سیاح (لجنه ملی نشریات امری ۱۰۲ بدیع)

(۲) میرزا تقی خان امیرکبیر



اسرار و تعالیم باب‌هنوز چنانچه باید و شاید اطلاع نیافته و تکالیف خود را ندانسته تصور و افکارشان بقرار سابق و سلوک و رفتارشان بر حسب قدیم مطابق طریق وصول به باب‌نیز مسدود و آتش‌فتنه از هر جهت شعله‌ور و مشهود. به فتوای آ‌شهر علماء حکومت بلکه عامه ناس در جمیع اطراف به قوه قاهره بنای تالان و تاراج گذاشتند و سیاست و شکنجه نمودند و قتل و غارت کردند که این آتش را افسرده و این نفوس را پژمرده نمایند. در شهرهایی که معدود قلیل بودند جمیع دست‌بسته طعمه شمشیر گشتند و در شهرهایی که جمعیتی داشتند چون سواد از تکلیف غیرمیسر و جمیع ابواب مسدود، بحسب عقاید سابق به دفاع برخواستند... سالها بعد حضرت بهاء‌الله به هنگام اعلان رسالت خویش با بیان این مطلب که **ان تَقْتُلُوا ، خَيْرٌ لَّكُمْ مِنْ اَنْ تَقْتُلُوا** درباره حکم دیانت خویش در چنین موردی جای هیچ گونه شک و تردید باقی نگذاشت.

هر نوع مقاومت با بیان در گوشه و کنار مملکت بی ثمر بود. آنان مغلوب کثرت عده دشمنان مهاجم گشتند. شخص حضرت باب‌را از زندان خارج ساخته و شهید نمودند. از کبار اصحاب کسانی که در ایمان به آن حضرت راسخ ماندند هیچ نفسی جز حضرت بهاء‌الله جان سالم بدر نبردند و ایشان نیز با افراد عائله و معدودی از پیروان مخلصان بدون زاد و توشه به دیار غربت نفی و مسجون شدند.

اما آن آتش‌سوزان هر چند که افسرده گردید ولی بکلی فروننشست، بلکه در قلوب تبعید شدگانی که در راه مسافرت از اقلیمی به اقلیم دیگر آن را در سینه‌های خود محفوظ داشتند همچنان شعله‌ور باقی ماند. حتی در مهد این امر چنان در اعمق اجتماع نفوذ کرده بود که با قهر و غلبه ظاهری خاموش‌نمی‌شد و به همان صورت در قلوب مردم شعله‌ور بود و فقط به نفع‌های از روح حقیقی نیازمند بود تا به آن بدمد و به صورتی عالم افروز شعله‌ور گردد.

بنا بر بشارت حضرت اعلی، دومین و اعظم ظهور الهی اعلان گردید. نه سال بعد از طلوع امر بابی یعنی در سال ۱۸۵۳ میلادی حضرت بهاء‌الله در یکی از قشای مبارکشان (۱) به هویت و رسالت خویش تلویحاً اشاره نموده و ده سال بعد به هنگام اقامت در شهر بغداد خویشان را به اصحاب خود بعنوان مظهر موعود معرفی فرمودند. اکنون نهضت عظیمی که حضرت باب طریق آن را هموار ساخته بود بتدریج وسعت و هیمنه و قدرت خویش را به منصفه ظهور می‌رساند. با آنکه حضرت بهاء‌الله به نفس تمام عمر در تبعید و زندان زیست و در سجن، جهان خاکی را ترک گفت و کمتر کسی از مردم اروپا ایشان را می‌شناخت اما الواح آن حضرت که متضمن ابلاغ ظهور جدید می‌باشد بسرای فرمانروایان بزرگ هر دو نیمکره جهان از شاه ایران تا حبر اعظم و رئیس جمهور

(۱) منظور قصیده رشح عماء نازله در سجن طهران از اولین آثار جمال مبارک است.

ایالات متحده آمریکا نازل و ارسال شد. پس از صعود حضرت بهاء الله، فرزند ارشد ایشان حضرت عبدالبهاء، بشارت ظهور جدید را در کشور مصر و جهان غرب منتشر ساخت. حضرت عبدالبهاء از انگلستان، فرانسه، سوئیس، آلمان و آمریکا دیدار کردند و در همه جا اعلان نمودند که یک بار دیگر ابواب ملکوت گشوده شده و امری جدید برای برکت و سعادت نوع بشر ظاهر گشته است. ایشان در نوامبر سال ۱۹۲۱ جهان خاکسپاری را وداع گفتند و امروز آتشی که روزی بنظر می رسید برای همیشه خاموش شده است بار دیگر در هر نقطه از ایران شعله ور است و در قاره آمریکا استقرار یافته و به همه کشورهای جهان سرایت کرده است. در باره آثار مقدس حضرت بهاء الله و تبیین و تشریح منصوص آنها بوسیله حضرت عبدالبهاء. مجموعه عظیمی از آثار به صورت تبیین و در قالب مشاهدات اشخاص بتدریج فراهم آمده است. اصول روحانی بشر دوستانه که در دهها سال پیش از این به قلم حضرت بهاء الله در شرق مظلّم تدوین گشت و بوسیله خود ایشان به صورت طرحی هماهنگ و منسجم مدوّن گردید، یکی پس از دیگری بوسیله جهانی که از سرچشمه اصلی آنها غافل می باشد به عنوان شاخصهای مدنیتی مترقی پذیرفته می شود و این احساس که نوع بشر از گذشته های خود گسسته و معتقد شده است که تعالیم ادوار قدیم را نمی توان با مقتضیات امروزی وفق داد قلوب همه اشخاص متفکر، جز کسانی را که در سرگذشت حضرت بهاء الله راه حل کلیه حوادث خطیره و مصائب زمان ما را مشاهده می نمایند، با شک و تردید و غم و اندوه انباشته است. از آغاز طلوع این نهضت تقریباً سه نسل می گذرد هر یک از پیروان اولیه که از گزند شمشیر و چوبه دار در امان مانده بودند از آن به بعد یکی پس از دیگری به مرگ طبیعی درگذشته اند. ابواب کسب اطلاعات جدید در باره دو قائد عظیم الشان و اصحاب شجاع ایشان الی آابد مسدود شده است.

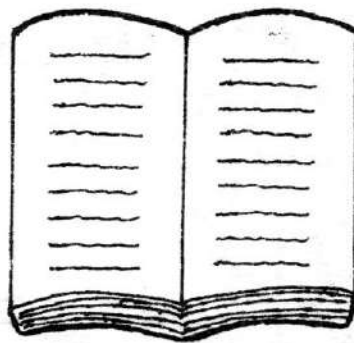
تاریخ نبیل به عنوان مجموعه ای دقیق از وقایع تاریخی که برای ثبت حقایق تدوین گردیده و در طول حیات حضرت بهاء الله اکمال یافته است اکنون حائز ارزش بی مانند است. زمانی که حضرت باب دعوتشان را اعلان نمودند نبیل سیزده ساله بود و در تاریخ ۱۸ ماه صفر ۱۲۴۷ هجری در زرنند از قراء ایران دیده به جهان گشوده بود. وی در طی زندگی خویش با بزرگان امر از نزدیک ارتباط داشت با آنکه نبیل در آن زمان در سن نوجوانی بود اما در همان سن و سال آماده می شد تا به قلعه شیخ طبرسی رفته به جمع یاران ملاحصین بپیوندد. اما در همان ایام خبر قتل عام خائنانه و فریبکارانه بابیان نقشه وی را ناکام گذاشت. نبیل در تاریخ خویش می نویسد که در طهران با حاجی میرزا سید علی، خال حضرت اعلی که در همان ایام بتازگی از زیارت آن حضرت در



قلعه جهریق مراجعت کرده بود دیدار نموده است و سالهای سال صاحب و قرین میرزا احمد، کاتب حضرت باب بوده نبیل پیش از تبعید حضرت بهاء الله به بغداد به دیدار آن حضرت در کرمانشاه و طهران نائل آمد و پس از آن در بغداد و ادرنه و نیز در مدینه مؤخره عکا ملازم ایشان بود. چند بار برای مأموریت ترویج و تشریح امرالله و تشویق مؤمنین متفرق و رنج دیده روانه مسافرت به ایران شد و هنگام صعود حضرت بهاء الله در سال ۱۸۹۲ میلادی در عکا بسر می برد. کیفیت خاتمه حیات نبیل بسیار دردآور و سوزناک بود زیرا واقعه صعود محبوب بزرگوارش چنان در روح او تأثیر نهاد که از غایت اندوه خود را در دریا غرق نمود و جسد بی جان را امواج در نزدیکی عکا به ساحل افکند.

تحریر تاریخ نبیل در سال ۱۸۸۸ میلادی آغاز شد که در آن زمان وی از مساعدت شخص میرزا موسی برادر حضرت بهاء الله بهره مند بود. حدود یک سال و نیم طول کشید تا این تاریخ تکمیل شود و قسمتهایی از دست نوشته نبیل بوسیله حضرت بهاء الله و قسمتهای دیگر به وسیله حضرت عبدالبها مورد مطالعه و تصویب قرار گرفت.

تاریخ کامل نبیل مشتمل است بر سرگذشت نهضت تا صعود حضرت بهاء الله (۱۸۹۲ میلادی). نمه اول این تاریخ که با سرگونی حضرت بهاء الله از ایران به پایان می رسد درجند حاضر آمده است و اهمیت آن بدیهی و آشکار می باشد. مضمین آن بیش از آنکه به لحاظ عبارات محدود مهیجش در باره اقدامات فارسان امر جدید و حتی تجسم قهرمانیهای بی شمار و ایمان تزلزل ناپذیر پیروان این نهضت مورد مطالعه قرار می گیرد از برای عظمت و اهمیت به یاد ماندنی آن وقایعی مطالعه می گردد که نویسنده آنها را به روشی منحصر به فرد ثبت نموده است.



### ۱ - مطالع الانوار " تلخیص تاریخ نبیل زرنندی "

هوا نگونه که در قسمت مقدمه توضیح داده شد کتاب مطالع الانوار بر اساس مندرجات تاریخ نبیل زرنندی و به قلم هیکل مبارک حضرت ولی عزیز امرالله تحت عنوان Dawn Breakers نگاشته شد. بعدها جناب عبدالجلیل بیگ سعد از ایادی تزییز امرالله و از فضای بهائی مصر این کتاب را با همه حواشی آن از انگلیسی به عربی ترجمه نمودند که این ترجمه در سال ۹۶ بدیع در مصر به طبع رسید. فاضل جلیل جناب عبدالحمید اشراق خاوری به عنوان تلخیص تاریخ نبیل آن را از متن عربی به فارسی ترجمه نمودند. مراد از تلخیص آنست که در این ترجمه فارسی از ذکر حواشی که همان منتخباتی از تألیفات مورخین می باشد صرف نظر شده است، ترجمه مذکور پس از طبع مورد عنایات لانهایه حضرت ولی امرالله واقع شده و به شرف قبول آن مولای بیهمتا مزین گردیده است.

### ۲ - مقدمه جزوه راهنما شامل

- الف - اهمیت مطالعه تاریخ امر
- ب - فواید تاریخ
- ج - مطالعه تاریخ نبیل زرنندی
- د - شرح حال جناب نبیل زرنندی
- ه - نحوه نگاری جناب نبیل اعظم
- و - ترجمه مقدمه حضرت ولی امرالله بر کتاب مطالع الانوار

### ۳ - ضمائم راهنما

الف؛ ضمائم مربوط به مقدمه جزوه راهنما شامل

- ۱ - معانی لغات و اصطلاحات
  - ۲ - اعلام
  - ۳ - سوالات خودآزمایی
- ب: ضمائم مربوط به کتاب مطالع الانوار
- ۱ - معانی لغات و اصطلاحات
  - ۲ - معانی آیات و احادیث عربی
  - ۳ - اعلام

۵ - نقشه مسیر حرکت حضرت اعلی از زمان اظهار امر مبارک تا شهادت  
۶ و ۷ - شجره نامه حضرت اعلی و برخی نقشه های دیگر

### اهداف

در این قسمت شما با اهداف مطالعه درس آشنا می شوید که به دو قسم کلی و آموزشی منقسم می گردد.

هدف کلی عبارت از توانایی است که شما پس از مطالعه کتاب کسب می نمائید. عبارات دیگر هدف کلی نشان دهند میزان سطح یا دگیری شما از مطالعه کتاب است. البته سطوح یا دگیری متعدد است و بر حسب انتظار طراح و برنامه ریز یک درس تعیین می گردد و شامل مواردی مانند آشنائی، درک و فهم، کاربرد، تجزیه و ترکیب و ... می باشد که در این درس، هدف کلی در سطح آشنائی با مطالب مورد مطالعه تعیین شده است.

اهداف آموزشی مشخص می کند چه کوششها و فعالیتها می باید صورت گیرد تا به هدف کلی درس دست یابید. بطور مثال یک معلم فارسی در پایان درس خود انتظار دارد که محصل وی پس از مطالعه متون درسی، آنها را درک کند و برای رسیدن به این هدف کلی ضروری است متون را بخوبی بخواند، معانی لغات و اصطلاحات را بیان کند، املا می کند و او را باری نماید تا بیشتر و بهتر بیاموزد، بنا بر این روش صحیح مطالعه درس را به وی گوشزد می کند، نکات و مطالب اصلی و مهم درس را تعیین می کند، در موارد لازم ابهامات و اشکالات وی را رفع می نماید و برنامه زمان بندی هفتگی و صحیح را برایش تنظیم می کند و در خاتمه برای سنجش میزان موفقیت او در رسیدن به اهداف آموزشی درس او را امتحان می کند. بدیهی است امتحان هر درس باید دقیقاً همان را بسنجد که آموزش داده است. عبارت دیگر امتحان باید توانائیهای مورد نظر در اهداف آموزشی یا رفتاری را بسنجد.

با توجه به مطالب فوق به این نکته می رسیم که قسمتهای مختلف یک جزوه را هنگامی که می کند نقش یک معلم را برای محصل خود ایفاء کند. هدف کلی و اهداف آموزشی درس را مشخص می کند، روش مطالعه مناسب درس را توصیه می کند. ضمناً و مسائل کمک آموزشی در اختیار محصل قرار می دهد و برای رسیدن به نتیجه بهتر، کتاب درسی را برای او زمان بندی می کند و نحوه ارزشیابی و امتحان را دقیقاً مشخص می کند.

ذکر این نکته نیز ضروری است که ارزشیابی و امتحان توانائی علمی شما را در

رسیدن به اهداف درس می‌سنجد و این خود به تنهایی کافی نیست. برای روشن تر شدن مطلب توجه شما را به این نکته جلب می‌کنیم که اصولاً یادگیری نوعی توانایی است که در اثر تجربه و فعالیت در ما ظاهر می‌شود و بوسیله رفتار ظاهری یا رفتار درونی قابل ملاحظه و یا محاسبه است. رفتار ظاهری مانند نوشتن یک مطلب، شرح و بیان یک واقعه و ... است که برای دیگران هم به آسانی قابل مشاهده است و رفتار درونی مانند علاقه‌مند شدن، متعهد شدن، تعمق نمودن و ... است. پس وقتی انسان چیزی را یاد گرفت باید رفتار ظاهری و رفتار درونی او در جهت مطلوب تغییر کند. بنا بر این آنچه به عنوان هدف کلی و آموزشی در این جزوه مطرح است و بر اساس آن امتحان برگزار می‌شود توجه به جنبه آموزشی آن است ولی مهم تغییرات درونی و تأثیرات روحانی و لذت روحی است که از مطالعه این کتاب حاصل می‌شود. که بهیچ عنوان قابل ارزشیابی نمی‌باشد. تنها فرد می‌تواند از خود سوال کند که تا چه حد توانسته است در سبیل مطالع الانوار عصر رسولی مشی و خرام نماید و حیات روحانیش تا چه اندازه در اثر آگاهی از ایثار و فداکاری، اطاعت و انقیاد، بسالت و شجاعت و توکل و تسلیم این نفوس زکیه تقلیب یافته است؟

در خاتمه مطلب، قسمتی از دستخط رضوان سال ۱۵۰۰ بدیع معهد اعلی را زیارت می‌کنیم و از آستان جمال اقدس ابهی تأیید و توفیق می‌طلبیم که این ضعفها را موفق به کسب معارف امریه، و تخلق به اخلاق و شیم روحانیه و خدمت به آستان مقدسش کند.

"... اما معلومات امری به خودی خود کافی نیست، ضروری چنان است که معلومات امری به نحوی ارائه شود که محبت و فداکاری به بار آورد و ثبوت برعهد و پیمان را تقویت نماید و افراد یاران را به شرکت در خدمات امری و مبادرت به اقدامات متین جهت پیشبرد منافع آن برانگیزد"

### هدف کلی

آشنائی با مطالب تاریخی مندرج در کتاب مطالع الانوار ( تلخیص تاریخ نبیل زرنبدی )

### اهداف آموزشی :

همانگونه که ذکر شد در این قسمت خواسته‌های آموزشی درس از شما مندرج می‌گردد.

لذا باید پس از انجام فعالیتهای ضروری درس و با توجه به روش مطالعه توصیه شده و استفاده از ضامم کمک آموزشی بتوانید آنچه را در ضمن اهداف آموزشی از شما خواستهایم، انجام دهید. در جهت تسهیل رسیدن به این اهداف، سوالات خودآزمایی طرح و در جزوه راهنما درج گردیده که توانایی شما در پاسخگویی به این مجموعه سوالات این منظور یعنی رسیدن به تواناییهای مورد نظر در اهداف آموزشی را برآورده می نماید. در این خصوص سعی بر این بوده که سوالات خودآزمایی بر اساس اهداف آموزشی طرح گردد تا نظر شما به اهم موضوعاتی که باید مورد توجه قرار گیرد جلب گردد.

### اصلاحیه اهداف آموزشی تاریخ نبیل کتابخوانی

#### اهداف مقصود

- ۱- مطالب مذکور در تقریر نوار ۵۷ (اهمیت مطالعه تاریخ) را بداند.
- ۲- فواید تاریخ را بنویسد.
- ۳- بیانات حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء را که به صورت فصل الخطاب آمده، توضیح دهد.
- ۴- ویژگیهای تاریخ نویسی در امر مبارک را فهرست کند.
- ۵- اوضاع اجتماعی، سیاسی و مذهبی ایران را در زمان ظهور بیان کند.
- ۶- عقاید اهل سنت و شیعه در خصوص ظهور جدید و برخورد آنان با مظهر امر دیانت باری را بیان کند.

#### اهداف کتاب

- ۷- اسامی و القاب و شرح زندگانی و بیانات نفوس مهمی را که در تکوین حوادث تاریخی مؤثر بوده اند بیان کند.
- ۸- زمان و مکان و شرح وقایع تاریخی را بیان کند.
- ۹- اهداف و نتایج و علل وقوع هر رویداد تاریخی را توضیح دهد.
- ۱۰- نام آثار نازله، شان نزول و مخاطب آن و مطالب مندرج در آن را بیان کند.
- ۱۱- اسامی، القاب، شرح زندگانی، بیانات و عاقبت حال معرضین و دشمنان امر را شرح دهد.
- ۱۲- اتوالی وقایع تاریخی مهم را به ترتیب وقوع بیان کند.
- ۱۳- ارتباط آیات و احادیث را با مواضع مطروحه توضیح دهد.

### روش مطالعه و انجام فعالیتهای ضروری

در مطالعه تاریخ امر، هر روشی را که مجری دارید باید متضمن وصول به اهداف درس باشد و طرح یک روش خاص مطالعه برای این درس، طریقی را که شما برمی گزینید نمی نماید و در هر صورت ذکر این نکته حائز اهمیت است که تفکر و تعمق در



نحوه رفتار نفوس موتهای که حوادث تاریخی را بوجود آورده اند نباید از نظر دور بماند.

ذیلاً روش مطالعه پیشنهادی تقدیم می گردد.

#### ۱ - مقدار زمان لازم

در برنامه کتابخوانی از شما انتظار می رود هر روز لااقل یک ساعت به مطالعه کتاب درس برنامه اختصاص دهید. امید است جز در موارد استثنایی، برنامه مطالعه مستمر و تدریجی خود را منظماً دنبال کنید. آنچه ضامن توفیق شما در مطالعه و نیل به اهداف آموزشی و روحانی درس است، در درجه اول استمرار و نظم مطالعه است.

#### ۲ - روخوانی متن کتاب

بر اساس برنامه مطالعه هفتگی، نخست متن مربوط به همان هفته را حداقل یک بار بخوانید تا با موضوعات و مطلب و لغات و اصطلاحات و اعلام آن قسمت آشنا شوید.

۳ - مراجعه به ضمايم کمک آموزشی (معانی لغات و اصطلاحات - اعلام - معانی آیات و احادیث و عبارات عربیه)

پس از مطالعه اجمالی متن درس در هر هفته با توجه به مشکلات و اشکالاتی که در زمینه معانی لغات و اصطلاحات، عبارات عربیه و معنا و مفهوم آیات و احادیث، و اعلام مندرج در کتاب برایتان پیش آمده به ضمایم کمک آموزشی مراجعه کنید. ضمناً اعراب گذاری آیات، احادیث و عبارات عربیه و لغات به شما این امکان را می دهد که متن کتاب را با قرائت صحیح مطالعه کنید. همچنین معانی لغات و اصطلاحات مشکله و شرح اعلام کتاب که به ترتیب حروف الفبا تنظیم شده شما را در درک معانی عبارات و تفکر و تشخیص ابعاد مختلفه یک واقعه مساعدت می نماید.

#### ۴ - خودآزمایی

پس از مطالعه برنامه یک هفته و رفع مشکلات آن، به سوالات مربوط به آن هفته مراجعه نموده بررسی کنید تا چه حد قادر به پاسخگویی آنها هستید. انتظار می رود که شما در این زمینه به مهارت کامل دست یابید به عبارت آخری بتوانید به کلیه پرسشها پاسخ دهید و طبعاً با یکبار مطالعه امکان دستیابی به این مقصود میسر نیست. لذا ضمن مطالعه مجدد بهتر آنست که پاسخ کلیه پرسشها و یا لااقل پاسخ پرسشهایی را که در مرحله اول نتوانستید به آنها جواب دهید مشخص کرده یادداشت نمایید و اینکار را تا پاسخگویی به کلیه سوالات ادامه دهید. سعی شده که پرسشها

به ترتیب فصول و صفحات کتاب تنظیم گردد تا همزمان با مطالعه مجدد متن نیسب بتوانید از آنها استفاده کنید. معذکدر بعضی موارد از جمله در پرسشهای مربوط به هد. ف. ۱۳ آموزشی الزاماً این قاعده رعایت نشده است.

ضمناً لازم به یادآوری است که برخی سوالات با توجه به مضمون و مفهوم عبارات و آیات عربی طرح شده که لازم است برای یافتن پاسخ صحیح آنها از ضمیمه داده شده (ضمائم ب ۱ و ۲) استفاده کنید. بدیهی است برای مطالب قسمت مقدمه نیز کلیه مراحل فوق پیشنهاد می شود و لازم است به ضما م قسمت الف (۱ و ۲ و ۳) مراجعه نمایید.

#### ۵ - مرور مطالب

برای مرور آنچه قبل از هر امتحان خوانده اید، زمانی خاص را مشخص کرده ایم تا فرصت، داشته باشید آموخته ها و خواننده های خود را مرور و جمع بندی نمایید. امیدواریم از این فرصت برای مطالعه مجدد و تکمیل یادداشتهای خود استفاده کنید نه آنکه این زمان را به مطالعه فشرده برنامه های هفته های گذشته اختصاص دهید.

یادداشت کردن یا مشخص کردن پاسخ سوالات خود آزمایی زمینه ساز خوبی برای هفته مرور درس خواهد بود و بدین ترتیب امکان استفاده مطلوب از زمان مرور مطالب را برای شما بوجود می آید.

امید است روش مطالعه توصیه شده را بکار برده و اثرات شمرابخش آن را شاهد باشید. پس از یکی دو هفته رعایت روش مطالعه پیشنهادی، آن را با وقت و مقتضیات خود هماهنگ کنید تا ان شاء الله در خاتمه کار فقط به مرور مطالب و یادآوری نکات بپردازید و از امتحان و ارزشیابی کار خود خرسند گردید.

#### ارزشیابی

این درس در دو مقطع میان دوره (پایان هفته نهم) و پایان دوره (پایان هفته هیجدهم) ارزشیابی می شود. امتحان میان دوره آن فصولی از کتاب را شامل می گردد که طبق برنامه زمان بندی تا هفته نهم مطالعه کرده اید و امتحان پایان دوره نیز مشتمل بر فصولی است که از هفته دهم تا هیجدهم مطالعه نموده اید. به این ترتیب به جز معدودی از سوالات که به هد ف آموزشی ۱۳ مربوط است در بقیه موارد ارتباطی بین سوالات میان دوره و پایان دوره وجود ندارد. البته در این مورد لازم به تذکر است که سوالات مربوط به هدف شماره ۱۳ تنها در پایان ترم مورد ارزشیابی قرار می گیرند. سوالات امتحانی از پرسشهایی که در جزوه راهنما آمده

است با رعایت توزیع مناسب بین اهداف آموزشی درس و فصول کتاب انتخاب خواهد شد. شکل سوالات عیناً و یا شبیه سوالات خودآزمایی است ولی در هر صورت موضوع سوالات از بین مطالب مطرح شده در این سوالات خواهد بود. به امتحان میان دوره ۵۰ نمره و به امتحان پایان دوره نیز ۵۰ نمره اختصاص خواهد یافت.

ضمناً ذکر این نکته ضروری است که به جز ضمیمه سوالات خودآزمایی ( قسمت مقدمه و قسمت کتاب ) از سایر ضمائم امتحان بعمل نخواهد آمد و این ضمائم به جهت تسهیل مطالعه در جزوه درج گردیده است.

#### منابع مطالعه تکمیلی

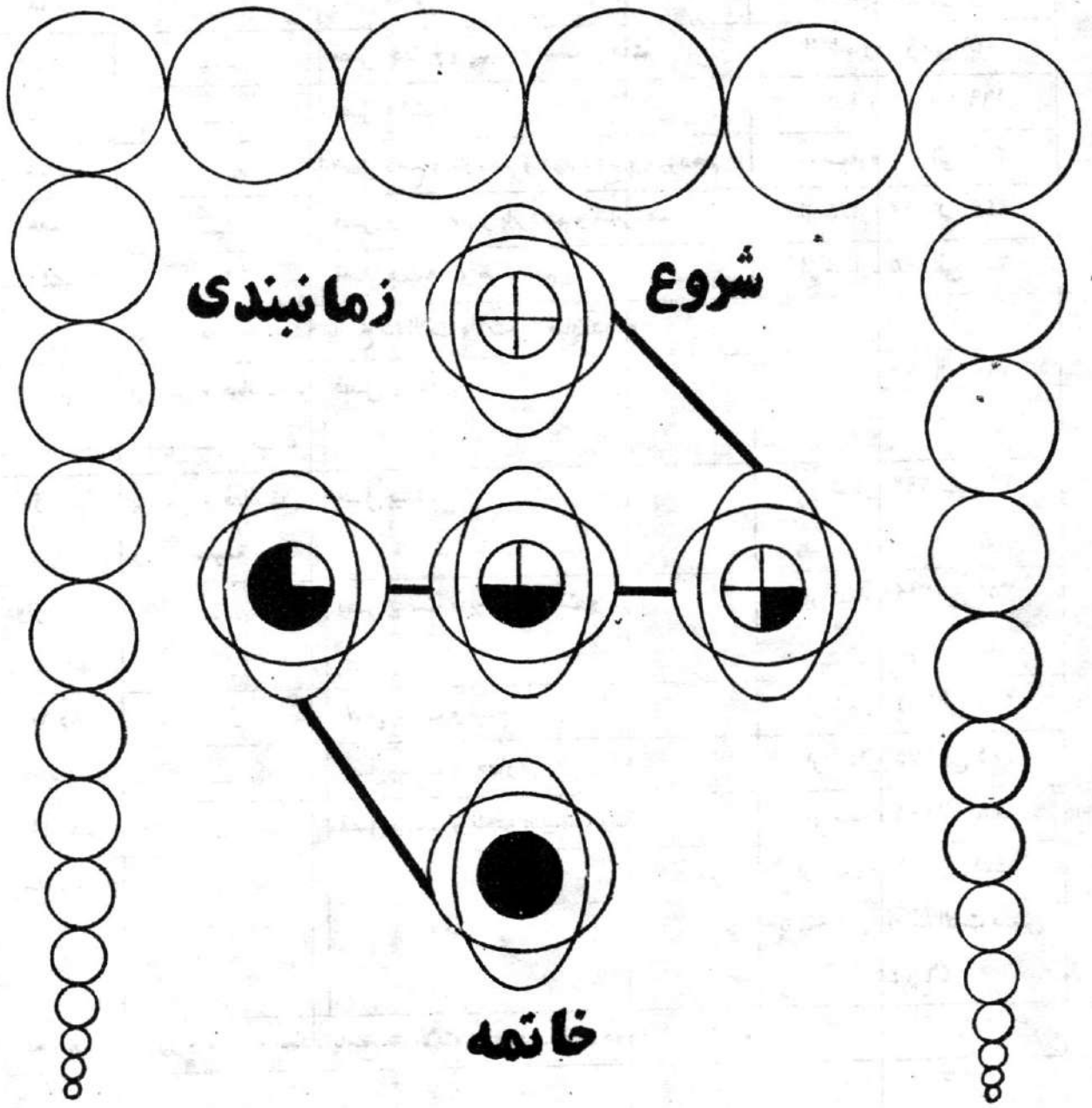
بسیاری از آثار نازله از قلم طلعات مقدسه امر بهایی، مبین حوادث تاریخی هستند و در این میان کتب تاریخیه بسیاری نیز در شرح و بسط حوادث و وقایع عهد اعلی به رشته تحریر درآمده که در این زمینه می توانند اطلاعات وسیعی را در اختیار خوانندگان عزیز قرار دهند که از آن جمله می توان مقاله شخصی سیاح به قلم حضرت عبدالبهاء، کتاب قرن بدیع جلد یک ( گاد پارسبای ) اثر کلک گهربار حضرت ولی محیوب امرالله، نیریز مشکبیز، حضرت نقطه اولی و ملکه کرمل هر سه از تألیفات جناب محمد علی فیضی ( منابع امری )

ایران و قضیه ایران نوشته لرد کرزن - تاریخ نیکلا نوشته مسیو نیکلا منشی سفارت فرانسه و یکسال در میان ایرانیان نوشته ادوارد براون ( منابع غیر امری ) را نام برد.

### برنامه مطالعه هفتگی تاریخ نبیل

فراگیر عزیز آنچه در ذیل ملاحظه می کنید جدول جدید برنامه مطالعه هفتگی درس تاریخ نبیل است که بر اساس ۱۶ هفته مطالعه و دو هفته مرور و امتحان تنظیم شده است. امیدواریم که مطالعات شما مستمر بوده و تا حد امکان بر طبق این برنامه انجام پذیرد.

هفته	مطالعه جزوه راهنما	مطالعه کتاب تاریخ نبیل	پاسخگویی به سؤالات
اول	مقدمه راهنما از ص ۱ تا ص ۱۰	شرح حال جناب نبیل و مقدمات کتاب - فصل اول	از شماره ۱ الی ۳۵
دوم	مقدمه راهنما از ص ۱۱ تا ص ۲۵	فصل دوم	از شماره ۳۶ الی ۶۵
سوم	—	فصل سوم	از شماره ۶۶ الی ۹۰
چهارم	—	فصل چهارم و پنجم و ششم و هفتم	از شماره ۹۱ الی ۱۲۸
پنجم	—	فصل هشتم و نهم	از شماره ۱۲۹ الی ۱۶۹
ششم	—	فصل دهم و یازدهم و دوازدهم و سیزدهم	از شماره ۱۷۰ الی ۲۱۱
هفتم	—	فصل چهاردهم و پانزدهم و شانزدهم	از شماره ۲۱۲ الی ۲۴۴
هشتم	—	فصل هفدهم و هیجدهم	از شماره ۲۴۵ الی ۲۵۹
نهم	مرور و مطالعه مجدد سؤالات و امتحان میان دوره		
دهم	بررسی و فعالیت بر روی ضمیمه ب ۵	فصل نوزدهم	از شماره ۲۶۰ الی ۲۹۱
یازدهم	بررسی و فعالیت بر روی ضمیمه ب ۵	فصل بیستم	از شماره ۲۹۲ الی ۳۱۳
دوازدهم و سیزدهم	—	فصل بیست و یکم و بیست و دوم	از شماره ۳۱۴ الی ۳۵۱
چهاردهم	—	فصل بیست و سوم	از شماره ۳۵۲ الی ۳۷۴
پانزدهم	—	فصل بیست و چهارم	از شماره ۳۷۵ الی ۴۰۵
شانزدهم	—	فصل بیست و پنجم و بیست و ششم	از شماره ۴۰۶ الی ۴۳۸
هفدهم	—		از شماره ۴۳۹ الی ۴۵۷ و پاسخگویی به سؤالات صص ۴۵ و ۴۶
هجدهم	مرور و مطالعه مجدد پاسخ سؤالات و امتحان پایان دوره		





آماج : نشانه - هدف

أَبْوَاب : درها - دربها ( مفرد : باب )

أَحَقَّ : سزاوارتر

إِذْن : اجازه - فرمان

أَزْمَنَه : روزگاریها - اوقات - عمرها - فصول

سَال ( مفرد : زمان )

أَسْبَقُ : پیشتر - جلوتر

إِسْتِثَارَه : مشورت خواستن - با کسی شور

نمودن و رأی و نظریه خواستن

إِسْتِشَام : بو کشیدن - بو کشیدن

إِسْتِحَاش : وحشت داشتن - آزرده و دل تنگ

شدن - انس نگرفتن

إِسْتِیْذَان : اجازه خواستن - دستور خواستن

إِسْتِنَاد : سند قرار دادن

إِسْتِخْلَاص : رهائی جستن - خلاص کردن

إِسْتِمَاع : گوش دادن - شنیدن

إِسْأَعَه : آشکار کردن خبری - فاش کردن

أَشْهَر : مشهورترین

أَشْوَار : انواع - اشکال - حالات ( مفرد : طَوْر )

إِطْنَابِ كَلَام : دراز کردن سخن - زیاده روی

در اوصاف و توضیحات

إِعْتِذَار : عذر خواستن

أَعْرَاض : مقاصد - اندیشه های بسند و

دشمنی ها ( مفرد : عَرَض )

إِغْوَاء : فریفتن

أَفْضَل : بالاتر در علم - فاضل تر -

برتر ( بن )

أَفْوَل : غروب کردن خورشید - افول نیسّر

آفاق : مقصود صعود جمال مبارک است .

أَفْتَدَه : قلبها - عقول - وجدانها

( مفرد : فَوَاد )

أَقْطَار : ممالک - اطراف

أَقْوَال : سخنها - گفتارها - عقاید و

نظریات

إِكْلِيل : تاج - افسر

أَلَسْتُ : روز اول و زمانیکه ابتدا ندارد -

روزی که خداوند به خلائق فرمود أَلَسْتُ

بِرَبِّكُمْ ( آیا من خدای شما نیستم )

إِلْقَاء : مطلبی را بفکر و ذهن کسی

افکندن - رساندن سخن - ابلاغ کردن

أَلِيق : لایق تر - شایسته تر

إِمْتِنَاع : بازداشتن - منع کردن

أَنَام : مردم - خَلْق

إِنَابَت : توبه کردن و برگشتن بسوی خدا

إِنْ تَقْتُلُوا خَيْرَ لَكُمْ مِنْ أَنْ تَقْتُلُوا : اگر

کشته شوید بهتر است برای شماست

اینکه بکشید

أَوْرَاد : دعاها - ذکرها ( مفرد : وِرْد )

إِيْذَا : آزار رسانیدن - اذیت کردن

بَاهِرَه : روشن - ظاهر - آشکار - غالب

بِإِسْلَان : شجاعان - شیران ( مفرد : بِإِسْل )

بِإِلْمَافَهَه : با گفتگوی حضوری

بِدَعَت : رسم و سنت تازه و جدید که بر

خلاف عقیده دینی باشد - عقیده نو و تازه

بِشَرَه : قسمت سطحی و خارجی پوست

بِطَالَت : بیکار و معطل ماندن - کوشش نکردن



تَفَنُّنٌ : تنوع - به بازی و کارهای گوناگون سرگرم شدن

دادن

تَفْوِیضٌ : واگذار کردن - آزادی و اختیار

تَفْصِیلٌ : بیان کردن - شرح و بسط دادن

تَقْرِیرٌ : محقق ساختن - تثبیت نمودن

تَکْوِینٌ : ایجاد کردن - هستی

تَلْوِیحٌ : اشاره کردن - معنائی را با اشاره

فهماندن

تَمْهیدٌ : تهیه کردن مقدمات - صاف کردن راه

تَحْقِیقٌ : کاوش و جستجو کردن - تحقیق کردن

جَبِینٌ : پیشانی

حَمَاسِیٌ : دلوری - دلبری

حَمِیَّتٌ جَاهِلَانَهٌ : غیرت ابلهانه - تعصب

جاهلانه

حَمِیدَهٌ : ستوده - پسندیده

حَسِیثٌ : نجس - پلید - بدنیت و بدسرشت

خُرْقَهٌ : لباس پاره - لباس درویشان

خَدَمٌ و حَسَمٌ : خدمتکاران

خُصَائِلٌ : صفات و اخلاق خصوصا صفات حسنه

و نیک

خُطُورٌ : بذهن رسیدن - به قلب گذاشتن

خُمُودٌ : خاموش شدن و فروکش کردن شعله

آتش - ساکت و ساکن شدن

دَانِیٌ : پست و فرومایه و حقیر

دَنَائَتٌ : پست و حقیر شدن - خوار و ذلیل

گشتن

دوره هزاره موعود: مقصود طول مدت

دوره ۱۰ سلام می باشد (۲۶۰ - ۱۲۶۰ ه. ق) که حد

فاصل وفات امام حسن عسکری تا اظهار

امر حضرت اعلی می باشد - دوره هزاره

بَغْفَاءٌ : بغض شدید - بیزاری و کراهت زیاد

بِی هَمَالٍ : بی مانند - بی همتا

تَامَهٌ : کامل و تمام

تَأَدِیبٌ : ادب کردن - تربیت نمودن -

برای کار بد انجام شده بازخواست و

تنبیه کردن

تَالَانٌ و تَارَاجٌ : غارت - چپاول

تِیْبَانٌ : واضح و روشن ساختن - توضیح و

تفسیر

تُحْفَهٌ : هدیه - شیء نفیس و گران قیمت

تَدْقِیقٌ : دقت کردن

تَدَنِّیٌ : پائین آمدن - تنزل کردن

تَدَاوَرٌ : ذکر کردن - بیاد آوردن -

با دآوری

تَرَضِیبٌ : تشویق نمودن با انجام کاری

تَهْوِیٌ : سرایت کردن

تَضْرِیحٌ : شرح دادن مطلب

تَضْرِیحٌ احکام غیر منصوصه: مقصود وضع و

قرار دادن احکامی است که در آثار

مبارکه نازل نشده است و بنا بر تفسیرات

زمان، بیت العدل اعظم آن را وضع

خواهد نمود.

تَشْتٌ : پراکنده شدن - پریشان شدن

تَضْمِیقاتٌ : جمع تَضْمِیقٌ بمعنای: در تنگنا

قرار دادن - سختی و محرومیت

تَعْذِیبٌ : عذاب دادن - شکنجه نمودن

تَعَرُّضٌ : هدف چیزی واقع شدن - اعتراض

کردن و برخاستن نمودن

تَفَرُّعٌ : جبار و ظالم شدن - تکبر و

خودخواهی

در باب بیستم مکاشفات یوحنا نیز ذکر  
آن رفته است .

ذَلْمِيه : خوار - پست

ذِي مَدْخَل : دخالت و تأثیر داشتن

رَأْسِي : رشوه دهنده

رَدِيْلَانِه : پست و فرومایه بودن - پلید

رَزَايَا : بلاهای بزرگ - مصیبت های شدید

زَاد : توشه - طعام یا خوراک که در سفر

با خود بردارند

زَيّ : شکل و هیئت - شکل لباس

زَيْب : زیور - زینت

سَاطِع : تابان - درخشان

سَالِفَه : گذشته - ماضی

سَبْعِيَّت : درندگی

سِرَاج : چراغ - خورشید

سَطُوْت : غلبه - ابهت - خشم و غضب

سِيَاكْت : در اینجا تشبیه و مجازات

سِفَايَكْتَه : سخن چینی کردن

سِفْر : کتاب - هر فصل از فصول پنجگانه

تورات

سَكْرَاتِ مَوْت : سختی و شدت مرگ

سَلَف : گذشته - در گذشته - آباء و اجداد

و اقوام در گذشته شخص

سَمَاءِ مَشِيَّت : در آثار الهیه در مقامی

بمعنای ملکوت و در موارد بسیار به

لحاظ عُلُوّ آسمان، بصورت تشبیه در

ترکیب با کلمات دیگر آمده است مثل

سَمَاءِ مَشِيَّت ، سَمَاءِ اَلْاَمْر

سَمُوّ : بلند گردیدن - بلندی و عُلُوّ مقام

سَيَطْرَه : غلبه کردن - مسلط شدن - تسلط

شاخص : برجسته و ممتاز - مرتفع

شَجِيح : شجاع - دلیر

شَرْحَه شَرْحَه : پاره پاره - قطعه قطعه

شَقَاوَت : ظالم بودن - گمراه بودن

شَنِيْع : زشت - قبیح

صِيْت : آوازه - شهرت خوب

ضِيَاء : روشنائی - نور

طُفَيْلِي : در عربی بمعنای انگل است از

گیاهی یا حیوانی و همچنین بمعنای

کسی است که بدون دعوت به میهمانیها

و عروسیها می رود .

عَزَل و نَصَب : عَزَل بمعنای از کاری برداشتن

- منع کردن و نَصَب بمعنای بر کاری

گماردن است .

عُلُوّ : بلند قدر و عالی مقام شدن - عظمت

- بلندی - تکبر

عَوَانَان : فراسان - پاسبانان

عَلْيَان : جوشش - جوش و خروش

عُنَيْمَت : مالی که از جنگ بدست آید -

سود و فایده

عَوَامِض : مسائل مبهم و پیچیده

فَارِس : سوار کار - شیر - مطلق و دانا

فَتْحِ بَاب : گشودن در - بازگشایی

فِتْنَن : جمع فتنه : آزمایش - امتحان

فِعْلِيَّت : به عمل درآمدن

فَوْز : بمقصد رسیدن - نائل شدن - رستگاری

قَائِد : پیشوا - سردار - فرمانده لشکر

قَرَابَت : خویشاوندی

قَدَمَاء : جمع قدیم - پیشینیان

قَسَاوَت : سختی - سنگدلی



مُضْبُوط : ضبط شده - حفظ گردیده  
 مُظْلَم : تاریک و ظلمانی  
 مُظْهَر مَلِيكٍ مُخْتَارٍ : مقصود حضرت بها اللّٰه  
 می باشد. ( مَلِيكٍ مُخْتَارٍ : خداوند  
 متعال )  
 مُعَارِف : اشخاص معروف - اهل علم و فضل  
 مُعَانِد : مخالف - دشمنی کننده - منحرف  
 از حَقّ  
 مُغْرَضِيْن : در فارسی بمعنای بدخواهان و  
 کسانیکه غرض و هدف سوء دارند  
 مُعِيْت : بهمراهی - با هم بودن  
 مُعْرُوج : مجروح - زخم دار  
 مُكَلَّل : تاجدار - اِكْلِيلِ بَرَسْر  
 مُكْنُون : پوشیده - پنهان داشته شده -  
 محفوظ در قلب و روان  
 مُلَاژِم : کسیکه همیشه با دیگری باشد -  
 همراه - خادمی که پیوسته در حضور باشد  
 مُلْبَس : لباس پوشیده - درهم شده و  
 مفشوش  
 مُلِكُ الْمُلُوكِ : سلطان سلاطین  
 مُمْتَزِه : تمیز دهنده - جداکننده (حق از  
 باطل) - برتری دهنده  
 مُمْدُوْحِه : مدح شده - ستوده شده - خوب  
 و پسندیده  
 مُنَابِك : مفرد آن مُنَسَك بمعنی جای عبادت  
 جای قربانی کردن - راه و روش عبادتی  
 و دیانتی  
 مُنْصُوص : کلام مُسْتَدَد - کلام صریح و بدون  
 احتیاج به تفسیر - مطلبی که با نصّ  
 بیان شده باشد

مُنْمَه : جای ظاهر شدن چیزی  
 مِنْ يَظْهَرُ اللّٰه : کسی که او را خداوند  
 ظاهر می کند ( منظور حضرت بها اللّٰه  
 موعود بیان می باشند )  
 مُوَاهِب : عطا یا - بخشش ها  
 مُوْتَق : مورد اعتماد  
 مُوْدُوْعِه : بودیعه نهاده شده - آرام و  
 ساکن و مستقر  
 مُوَقِن : یقین دارنده - بتحقیق داننده  
 مُبَسِيُون : هیئت - هیئت سبّغین - هیئت  
 نمایندگی  
 مُجَابِت : احالت - شرافت - بزرگواری  
 مُنَسَق : نظم و ترتیب - آنچه که دارای  
 نظم و ترتیب و یا دارای نظامی خاص باشد  
 مُنْبَوَات : اخبار از غیب - پیشگویی ها  
 مُنْشَات : بوجود آمدن - برخاستن - حادث  
 مُنْشَه : عالم - جهان - هر مرحله یا  
 مرتبه از مراحل و مراتب کمال منسل  
 نشته حیوانی - نشته نباتی و ...  
 مُنْفَاق : دروغ - دوروشی  
 مُنْفَخَه : یکبار دمیدن - نفس  
 مُنَوَاب : نایب ها - وکیل ها  
 مُنْهَب : غارت کردن - غارت - غنیمت  
 مُوَاْفِر : فراوان - وسیع و کثیر  
 مُوَالِيَان : حاکمان - صاحبان امر و اختیار  
 مُوْتِيْرَه : طریقه و روش  
 مُوْدِيْعَه : امانتی - سپرده برای حفظ در  
 اینجا جانشینی معنی می دهد  
 مُوَهَّاج : درخشنده و تابان  
 مُوَهْمِنَه : قدرت - سطوت - اُبّهت و وقار

قَلْعٌ وَقَمْعٌ : از ریشه کردن - جدا کردن  
 از اصل  
 قُوَّةٌ تَشْرِيعٌ وَتَنْفِيذٌ : در اینجا مقصود  
 از قُوَّةٌ تَشْرِيعٌ، علما و از قُوَّةٌ  
 تَنْفِيذٌ، حکومت می باشد  
 قُوَّةٌ قَاهِرَةٌ : قُوَّةٌ غَالِبَةٌ - قُوَّةٌ مَقْهُورٌ  
 کننده  
 كِبَارٌ : بزرگان - رؤسا و معلمین  
 كِتَابٌ : مفرد آن، کاتب بمعنی نویسنده -  
 کسیکه کارش نویسندگی است .  
 كَشٌّ وَفَشٌّ : فَشٌّ بمعنی جامه' خشن و همچنین  
 مرد احمق که افتخار به باطل می کند  
 كَلْكٌ : قلم - نی  
 كِيَاةٌ : تمیز خوب از بد و درک صلاح از  
 غیر صلاح - فراست و هوشیاری  
 لِقَاءٌ : دیدار - ملاقات  
 لَمَّ يَزَلٌ : بی زوال - پاینده - همیشه -  
 از بین نرفته در زمان گذشته  
 مَادُونٌ : پائین - زیر دست  
 مَاضِيٌ : گذشته - زمان گذشته  
 مَائِلِكٌ : دارائی - آنچه که ملک انسان  
 می باشد  
 مَأْوِيٌ : پناهگاه  
 مَاهِيَةٌ : حقیقت و طبیعت و ذات و سرشت  
 هر چیز  
 مَتَحَجَّرٌ : سخت و مانند سنگ  
 مَتَنَعَمٌ : بهره مند از نعمت و معیشت فراوان  
 مَتَعَا مِلْسِنٌ : بایکدیگر معامله کنندگان  
 مَحْصَنَةٌ : محکم و منیع - دارای خِصْنٌ و حِمَارٌ  
 مَحْضَرٌ : پیشگاه - درگاه - حضور

مَخَاطِرَاتٌ : خطرها  
 مَخْصَصٌ : ممتاز و برتر - اختصاص یافته  
 مَخْصُورٌ : مست - از خود بیخود  
 مَدَاخِلٌ : محللای درآمد - منافع و عواید  
 مَدُنٌ : شهرها  
 مَدْهِيَةٌ : حیرت انگیز - دَهْشَتٌ آور - مدهوش  
 کننده  
 مَذْمُومٌ : بد و زشت - نکوهیده  
 مَرْتَبَتِيٌّ : رشوه گیرنده  
 مَرَكُوزٌ ذَهْنٌ : در داخل ذهن جای گرفته و  
 مستقر شده - در ذهن ثابت و برقرار  
 شده  
 مَرْتَبُوسٌ : زیر دست رئیس - اطاعت کننده از  
 رئیس یا حاکم  
 مَسَاعِدَةٌ : کمک کردن - یاری کردن  
 مَسْجَلٌ : ثبت شده - شهرت یافته - تسجیل  
 گشته  
 مَسْتَحْضَرٌ : تهیه و آماده شده - مَطَّلَعٌ  
 مستقبل  
 مَسْتَقْبِلٌ : زمان آینده - آتیه  
 مَسْطُورٌ : نوشته شده  
 مَشْحُونٌ : پر - مَمْلُوءٌ - انباشته شده  
 مَشْعِرٌ : آگاه کننده - شعار دهنده  
 مَسْأَلَةٌ : دوستی کننده - یار و همدم -  
 هم صحبت  
 مِصْدَاقٌ : هر آنچه که صدق کلام یا مطلبی  
 را تأیید کند - گواه درستی  
 مَطْلُوبٌ : به دار آویخته - به طلب  
 کشیده شده  
 مَقَامِيْنٌ : محتواها - معانی - مفاهیم

**آقا جان خادم :** خادم الله کاتب وحی حضرت بهاء الله که آخر کار به ناقضین پیوست و قبل از صعود جمال مبارک نیز چند مرتبه او را طرد فرمودند.

**ادوارد براون :** خاورشناس انگلیسی - وی استاد دانشگاه کمبریج بود و به زبانهای فارسی، عربی و ترکی آشنائی کامل داشت و به ایران سفر کرده بود. مؤلف آثار معروف تاریخ ادبیات ایران در ۴ جلد و یکسال در میان ایرانیان که به فارسی ترجمه شده است. در اواخر حیات جمال مبارک در قصر بهجی ۴ بار به حضور هیکل مبارک مشرف گردید و میرزا یحیی ازل را نیز در قبرین ملاقات نمود و سپس کتب بسیار در مورد امر بایی و ادبیات ایرانی نشر داد و نکته گیری در امر بهائی کرد ولی در اواخر حیات در اروپا با حضرت عبدالبهاء ملاقات کرده اظهار ندامت نمود.

**ارغی پیر :** ادرنه، سر به حساب جمل برابر با ادرنه و مساوی عدد ۲۶۰ است. شهر ادرنه مرکز ولایتی به همین نام است که از ولایات عثمانیه (ترکیه جدید) در رومیلی از بخش ترکیه اروپاست و از اهم ولایات عثمانیه بشمار می رود.

**اَوَّل (یحیی) :** فرزند جناب میرزا عباس بزرگ نوری و نایب داری حضرت بهاء الله و مشهور به ازل و صبح ازل می باشد. (ازل بحساب اجد برابر با یحیی است). در ۱۲۴۶ هجری قمری متولد شد و در بلوغ علیرغم عنایات مستمره حضرت بهاء الله، علیه مظهر الهی و شریعت الهی قیام نمود و بتحریر یک سید محمّد اصفهانی خود را وصی حضرت اعلی خواند و علاوه بر فتنه انگیزی و ایجاب نفاق و تحریف آیات مکرر اقدام به قتل حضرت بهاء الله نمود تا از ادرنه به قبرین تبعید شد و در آنجا هم به افساد ادامه داد تا در ۱۳۳۰ هجری برابر ۱۹۱۲ میلادی در آنجا فوت کرد و با وجودی که از سالها قبل از حبس عثمانی آزاد شده بود، موقع مرگ به هیچ آداب خاصی تشییع نشد. از قلم حق به القاب "مطلع اعراض"، "حیة رقطاء"، "شیطان" و ... نامیده شده است.

**بُخارا :** شهری است مشهور از ماوراءالنهر و مشتق از بخار است بمعنی بسیار علم که چون در آن شهر علماء و فضلا بسیار بوده اند بنا بر آن بدین نام موسوم شده است.

**بیمان :** کتاب بیان فارسی نازله از سما و وحی حضرت ربّ اعلی در ماکو که دارای ۹ واحد است و هر واحد ۱۹ باب دارد غیر از واحد نهم که ده باب دارد. این

کتاب مبارک حاوی تعالیم و احکام شریعت جدید و معانی اصطلاحات رموزه کتب قبل مانند بهشت، جهنم و ... و همچنین حاوی بشارات صریحه به ظهور حضرت بهاء الله می باشد.

کتاب بیان عربی یا کتاب الجزاء نازل در ماکو و کوچکتر از کتاب بیان فارسی است.

تذکره الوفا : کتاب مبارکی است که حضرت عبدالبهاء در شرح احوال عده ای از مؤمنین و متقدمین امر الهی مرقوم فرموده اند.

حاج عبدالمجید تیشامپوری (ایا بدیع) : پدر جناب بدیع که خود از اعظم بابیه و از اصحاب جناب باب الباب و از بقیه السیف (با زمانگان) طبری بودند و بعد به زیارت حضرت بهاء الله در عکا فائز و آخر الامر در مشهد در نهایت مظلومیت و شهادت بشف شهادت کبری فائز و آرزوی خود رسیدند.

حبر اعظم : باب - رئیس روحانی جامعه مسیحی کاتولیک - در اینجا منظور باب اعظم پی نهم است که لوح خاصی از طرف جمال مبارک برای او نازل و جهت وی ارسال نمودند. مشارالیه دو بست و پنجاه و نهمین باب عالم مسیحی بود که در سال بعد از اعلان امر حضرت اعلی بر تخت خلافت مسیح تکیه زد و با لآخره مغلوب قدرت و بکتور امانوئل پادشاه ایتالیا گردید و با کمال ذلت و خواری و حقارت درگذشت.

دجال اصفهانی (سید محمد اصفهانی) : در نبوات مسیحی و اسلامی خصوصاً در شیعه اثنی عشری دجال شخصی است برفریب و مکار که از خراسان یا کوفه یا اصفهان در زمان ظهور موعود ظاهر می شود و بر فیری سوار است و آذوقه بسیار دارد و جمعی به او می گروند. ولی آخر الامر کشته می شود. در این ظهور اعظم دجال لقب سید محمد اصفهانی است که در مدرسه صدر اصفهان درس می خواند و بابی شد و بعد متزلزل گردید و چون بسیار حسود و مبغض و بدطینت بود از همان ابتداء بر عظمت حضرت بهاء الله رشک برد و به اغوای یحیی ازل پرداخت و در بغداد و ادرنه و عکا فتنه ای نمود که ایجاد نمود و خیانت و خیانت و تحریک و دسیسه ای نمود که انجام نداد و وی در عکا مقتول شد.

دکتر کورمیک : اصلاً از اهالی انگلستان و سالها طبیب مخصوص شاهزاده عباس میرزای ولیعهد بود ... وی رساله ای در باب بیماری آبله نوشت که منتشر گردید.

دلائل سبعه : نازل از حضرت اعلی در ماکو است که در این اثر مبارک، حضرت باب رسالت خود را با براهین عقلی و نقلی اثبات می فرمایند و هفت دلیل در



اثبات حقاقت خویش بیان فرموده که همه بر اساس حجیت آیات الهی است .  
رساله مدنیّه : نام رساله شریفه ایست که در باره آئین مُلک داری و شرایط جامعه  
 فاضله و روابط حکومت و ملت و بسیاری مسائل مهمّه دیگر از قلم مبارک حضرت  
 عبدالنبها، عزّ صدر یافته است .

رومان : کشور مجاور مرزهای قدیم ایران که امروزه بنام ایتالیا معروف است و  
 پایتخت آن شهر رُم است که تأسیس آن را در ۷۵۳ ق . م نوشته اند .  
مرجان مُلکم : شخصی انگلیسی که در اواسط پادشاهی فتحعلی شاه قاجار از جانب  
 دولت انگلیس در دربار ایران سفارت داشته و تاریخ ایران را به زبان  
 انگلیسی نوشته بود و در بمبئی آن کتاب را به زبان فارسی ترجمه کرد و چاپ  
 نمود و معروف به تاریخ ملکم شد .

سلیمانیه : منطقه و شهری است گردنشین در شمال عراق عرب و نزدیک مرز ایران که  
 سابقه تاریخی و بسیار قدیمی دارد . حضرت بهاء الله یکسال بعد از ورود به  
 بغداد بدون اطلاع احدی برای مدت دو سال به کوههای این منطقه ( سرکلو ) هجرت  
 فرمودند و عزیمت گزیدند .

سورة الْحَجّ : مندرج در جلد چهارم آثار قلم اعلیٰ، نازل در ادرنه و خطاب به  
 جناب نبیل زرنندی در شرح اعمال و آداب حج شیراز و مقام رفیع بیت مبارک  
 است . لوح دیگری با همین نام در آداب زیارت بیت مبارک بغداد نیز در ادرنه  
 نازل شده است که آن را هم جناب نبیل زرنندی مورد اجرا قرار دادند .

سورة الدّم : مندرج در جلد چهارم آثار قلم اعلیٰ، نازل در ادرنه به لسان عربی و  
 خطاب به جناب نبیل زرنندی و حاوی بعضی از تعالیم و اوامر الهی است .

شاه ایران : مقصود ناصرالدین شاه است که لوح سلطان ایران توسط جناب بدیع برای  
 وی ارسال شد . وی مظالم بسیار بر جمال مبارک و بهائیان وارد کرد و عاقبت  
 در حضرت عبدالعظیم بدست میرزا رضای کرمانی به ضرب طپانچه مقتول گردید .

فریسیان : فرقه بزرگ مذهبی یهود که بعد از قیام شخصی بنام یهودا مکابی بوجود  
 آمد . فریسیان بر خلاف فرقه بزرگ صدوقیان به رسائل منضمّه به ثورات و بسنه  
 احادیث و سنن یهود و بقای روح و مجازات بعد از مرگ معتقد بودند .

کاتبان : بعد از آزادی یهودیان از دوره اسارت ۷۰ ساله بابلی توسط کوروش کبیر،  
 نحسبیا از انبیای بنی اسرائیل بر ایشان حکومت یافت و از آن پس اموریهود  
 به انجمن کبیر سپرده شد که قریب هفتاد تن از بزرگان و دانشمندان قوم  
 بودند . این دوره یعنی از نحسبیا تا حمله اسکندر را " دوره کاتبان "

می گویند. در همین دوره کاتب بزرگ (عزرای سوپر) تورات را در سال ۴۵۷ قبل از میلاد به کمک مد تا مد و بیست نفر از پیران قوم تنظیم نمود.

**لرد گوزن**: سیاستمدار نامدار و مستشرق شهر انگلیسی که مکرر نایب السلطنه هندوستان، وزیر امور خارجه انگلستان، مهرداد سلطنتی، عضو مجلس اعیان، رئیس شوراهای سیاسی در اروپا و رئیس دانشگاه اکسفورد گردید. و غیر از اروپا و آمریکا به بعضی ممالک آسیا از جمله ایران سفرهای محققانه نمود و کتبی هم تألیف کرد که از اهم آنها "ایران و مسأله ایران" می باشد که مکرر بطور ناقص به فارسی ترجمه شده است.

**مجلس اعیان**: مجلس اشراف، مجلس سنا را به اعتبار اینکه اعضای آن را اشراف و اعیان و معمران و شیوخ تشکیل می دهند مجلس اشراف و مجلس اعیان و مجلس عالی و مجلس شیوخ نامیده اند.

**مُستَقِط**: نام کتابی از میرزا یحیی ازل است در جواب جناب اسدالله دبیان، چه که ایشان رساله ای در بطلان ادعای یحیی ازل با شواهدی از آثار حضرت بساب نوشته بودند که موجب خشم یحیی و تحریر کتاب مُستَقِط گردید. یحیی در این کتاب جناب دبیان و دوستان سید ابراهیم و تکفیر نموده و آنها را بترتیب ابوالداه و ابوالشورور نامیده و بابیان را بقتل آنان پیرانگیخته است.

**مطالع الانوار**: ترجمه تاریخ شبیل زرنندی به زبان انگلیسی که حضرت ولی امرالله در سال ۱۹۳۳ میلادی تحت عنوان مطالع الانوار (The Dawn - Breakers) به جامعه امر اهدا فرمودند. حضرت ولی امرالله در نامه ای به مارثاروت چنین مرقوم فرموده اند: "... این تاریخ مؤثق است و بیشتر در باره حضرت بساب است. قسمتهائی از این کتاب را در محضر حضرت بهاءالله خوانده اند و برخی صفحات را حضرت عبدالتهها مطالعه و تصحیح فرموده اند..."

این کتاب روزنه ای گردید که احبای غرب از خلال آن به عظمت گذشته امر آگاه شدند و فهمیدند این امری است که همه جان بر کف در سبیل او سالکند.

**مقاله شخصی سیاح**: تاریخی است از حوادث دوران حضرت بساب که بجهت طالبان حقیقت توسط حضرت عبدالتهها مرقوم گشته است. این کتاب شرح مختصر و عالی از غرضی از حوادث شگفت انگیز دوران حضرت نقطه اولی است که بصورت مشاهده شخصی سیاح برشته تحریر کشیده شده است. اگر چه این اثر جلیل بصورت ظاهر در کمال سادگی و سهولت و مختصر و موجز است اما در حقیقت از جهتی تاریخ بهائی است و از جهت دیگر معرفی امر به متحرران حقیقت.

ملا عبدالکریم قزوینی ( میرزا احمد کاتب ) : از کتاب وحی حضرت ربّ اعلی بودند

که بعد از واقعه رومی شاه در طهران شهید شدند.  
ملا عبدالکریم قزوینی غالباً محض احتیاط مکتوم بود و بین بابیان بنام احمد خوانده می شد و حضرت بهاء الله در لوح به نصیر فرموده اند:

"... مَعَ آنکه از اول این امر از جمیع مستور بوده و احدی مطلع نه، جز دو نفس و اَحَدٌ مِنْهُمَا الَّذِي سَمِيَ بِأَحْمَدَ اسْتَشْهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ رَجَعَ إِلَى مَقَرِّ الْقُصُوفِ." ( اسراراً لآثار )

میرزا تقی خان وزیر اعظم ( امیرکبیر ) : میرزا تقی خان فرزند مهدی قربان آشپز جناب ابوالقاسم قائم مقام است که در همان خانه سواد آموخت و در تبریز لشکر - نویس شد و در اول دوره ناصرالدین شاه نضت وزیر گردید. شهادت حضرت باب و بسیاری از بابیان به فرمان او انجام گرفت ولی خودش یکسال و نیم بعد از شهید ساختن حضرت اعلی مغضوب سلطان شد و بعد از عزل از صدارت و تبعید به کاشان به امر ناصرالدین شاه در حمام فین وی را بقتل رساندند.  
میرزا سید علی خاں اعظم : دانی حضرت اعلی و اولین شخصی که بعد از حروف حقّ به حضرت اعلی ایمان آوردند و چهار ماه قبل از شهادت حضرت اعلی سرآمد شهدای سعه طهران گردیدند.

ناصره : شهر کوچک و بسیار قدیمی است که امروزه در شمال کشور اسرائیل واقع شده و حدود ۲۵ هزار نفر جمعیت دارد. اهمیتش از آن جهت است که حضرت مسیح از اهالی آن شهر بودند.

یوحنا ی مَعْدَان : حضرت یحیی تعمید دهنده مبشر عظیم الشان حضرت مسیح بود که از سن ۳۰ سالگی در کنار رود اردن مردم را غسل تعمید و توبه و بشارت به ظهور حضرت مسیح می دادند. خود نبی مستقل و صاحب احکام و امت بودند که در بعضی الواح و در قرآن بدان اشاره گردیده است. حضرت یحیی عاقبت بسبب مظلومیت کبری بفرمان هرود ( امپراطور روم ) شهید شدند.

مراجع : نوزده هزار لغت - جزوات معارف عمومی - فرهنگ عمید

لغت نامه دهخدا - اسراراً لآثار - تاریخ دیانت مسیح -

کتاب حضرت نقطه اولی

Handwritten header text at the top of the page, possibly a title or date.

Main body of handwritten text, consisting of several paragraphs of cursive script.

Lower section of handwritten text, possibly a conclusion or a separate paragraph.



آحاد: در اصطلاح علم حساب طبقه اول اعداد (از ۱ تا ۹)	آسلوب: راه و روش
آلام: دردها - رنجها جمع آلم	اصالت: اصیل بودن
آمال: آرزوها	اصنام: بتها (مفرد: صنم)
آبدان: بدنها	اضرار: گزند رساندن - زیان رساندن
ابلاغ: رسانیدن	اطعام: طعام دادن
اتباع: پیروان	أطهار: پاکان (مفرد: طاهر)
اتساع: وسعت پیدا کردن	اعتکاف: گوشه نشین شدن
أشناه: میانه ها - وسطها	اعتلاء: بلندپایه و عالی گردیدن
أجل: مدت - وقت مقرر	أعداء: دشمنان (مفرد: عدو)
أجل: جلیل تر - بزرگتر	أعراض: اجتناب - رو برگردانیدن
أجله: بزرگان	أعلم: داناتر - عالم تر
أجیر: استخدام شده و مزدگیر - مزدور	أعلى: بالاتر (بن) - بلندتر (بن)
أحصاء: شمردن	أعور: کور
أحیان: زمانها - اوقات (مفرد: حین)	أغتشاش: شورش و آشفتگی
أذعان: اقرار و اعتراف کردن	أغراض: اندیشه های بد و دشمنیها (مفرد: غرض)
أراذل: اشخاص پست و فرومایه	أغنام: گوسفندان (مفرد: غنم) در اصطلاح و ادب اشخاص مظلوم را به اغنام و خداوند را به شبان و ظالمان را به گرگان تشبیه می کنند
أركان: ستونها - پایه ها (مفرد: رکن)	أفترآت: تهمتها (مفرد: افتراء)
أریاج: باده ها (مفرد: ریح)	أفضال: نیکوئی و بخشش کردن
أزاله: زائل کردن - از بین بردن	أفهام: فهمانیدن - یاد دادن - حالی کردن
أستخاره: فال نیک زدن	أقامة دلیل: دلیل آوردن
أستغلاص: خلاص کردن - رهایی جستن	أقتداء: پیروی کردن - سرمشق گرفتن
أستغفار: طلب بخشش کردن	أقتران: پیوند
أستغفر الله: طلب عفو و غفران می کنم	أقتضا: مستلزم بودن - غایبسته و سزاوار
از خدا	أقدام: قدمها - پاها (مفرد: قدم)
أستفاضه: فیض خواستن	أقرباء: خویشاوندان
أستماع: شنیدن	أقصی: دورتر - خیلی دور
أستصاح: نسخه برداشتن از کتاب	
أستهزاء: مسخره کردن	

اقوال : گفته‌ها

اکابر : بزرگتر ( مفرد : اکبر )

اکناف : اطراف

التفات : توجه کردن - رد کردن

التیام : بهبود یافتن زخم - ملح کردن  
و با هم شدن

الحاح : اصرار

القاء : مطلبی را به فکر و ذهن کسی

افکنند

الیم : بسیار دردناک

أم : مادر

امتعه : کالاها

امتناع : خودداری کردن

امصار : شهرها ( مفرد : مصر )

انبات : روشنیدن

انتساب : نسبت دادن - پیوستگی

انشاء : نوشتن - از خود چیزی گفتن

انشاد : شعر خواندن

انفاس : نفسها ( مفرد : نفس )

اهتزاز : حرکت کردن از شدت سرور

اهریمن : شیطان

اهمال : سستی

اهمال : رسیدن

ایقان : یقین کردن

بأس : شجاعت - خوف - گناه - سوء ولایت

- خُرج

باده‌گساری : شراب‌خواری

بدعت : عقیده نو و تازه - رسم و سنت

جدید که خلاف عقیده دینی باشد

بِرائت : پری بودن از گناه

کرات : نوشته‌ای که پولی را به دیگری

واگذار می کند

کراهین : دلایل ( مفرد : برهان )

کُرودت : سردی - سرد شدن

کسط : شرح دادن - گسترده

کشره : قسمت سطحی و خارجی پوست

کطو : آهستگی

کبعثت : مبعوث شدن پیغمبر از طرف حق

کبقیه السیف : کسانی که در جهاد یا جنگ

کشته نشده و زنده بمانند

کبقیه اللّه : از املاحات قرآن مجید، حضرت

باب وجود مقدس من یظهره اللّه را به این

نام تعبیر نمودند در مقامی نیز حضرت

اعلی می باشد

کبلاغت : فصیح بودن - خوش بیان بودن

کبد : شهر

ککلیات : رنجها - مصیبات ( مفرد : بلیه )

ککجات افزا : شادی زا

ککبیضاعت : بی سرمایه

ککبعت : عهد و پیمان بستن

ککآسی : پیروی کردن

ککآسی : درنگ

ککآم : کامل و تمام

ککآوان : غرامت - زیان

ککآبری : بی‌بزاری - براثت چستن

ککآبین : بیان کردن

ککآهل : خود را به نادانی زدن

ککآجلی : نموده‌ار شدن - جلوه‌گر شدن

ککآحدی : هم آورد و همانند ساختن

ککآحری : جشنجو کردن

تَحْرِیص : حریص گردانیدن - به معنی شدیداً	تَقْرِیر : محقق ساختن - تثبیت نمودن
راغب و مابیل کردن و علاقمند ساختن به امری	تَقْرِیظ : در مدح کتاب یا شعر یا نوشته کسی چیزی نوشتن
تَحْلِیل : گشودن - حل کردن	تَلَافِی مافات : جبران گذشته
تَحِیَّت : خوش آمد گوئی - سلام گفتن	تَلَاقِی : ملاقات کردن
تَدْبِیر : در کاری اندیشه کردن	تَلَمِیذ : شاگردان ( مفرد : تلمیذ )
تَرَدَّد : دو دل شدن - آمد و شد کردن	تَمَجِید : ستایش
تَرْمِیم : اصلاح کردن نقص یا خرابی	تَنَاوَل : خوردن و آشامیدن
تَرْنَم : زمزمه به آواز خوش	تَنَنِّه : آگاهی و هوشیاری
تَشْجِیع : شجاعت دادن و تشویق به شجاعت	تَنْقِید : انتقاد کردن
تَصْنَع : ظاهر سازی کردن	تَوَقِیع : دستخط و یا نوشته و کتاب امضاء شده
تَضَرُّع : زاری کردن - خواری و فروتنی کردن	تَهَاوُن : سهل انگاری و سستی
تَطَاوَل : غارت - دست درازی ( نمودن )	تَهْذِیب : پاک و مبری ساختن اخلاق و اقوال و اعمال از عیب
تَطْلَم : شکایت کردن - دادخواهی نمودن	تَهْلِیل : تسبیح گفتن - خدا را نیایش کردن
تَعَدَّی : ستم کردن - از حد درگذشتن	تَهْوُّر : بی مبالائی و بی پروائی کردن ( در کلام یا عمل )
تَعَرُّض : در معرض قرار گرفتن در فارسی :	تَهْجَان : ازدها - مار بزرگ
به معنای اعتراض کردن و پرخاش نمودن و دست درازی کردن و ایراد گرفتن گفته می شود .	ثِقَاة : اشخاص امین و استوار مورد اعتماد ( مفرد : ثِقَّة )
تَعَزَّیْت : تسلی و تسلیت گفتن	ثِقَل : بار سنگین
تَغْنِی : خواندن	ثَمِین : گرانبها
تَغْتِیش : با زرسی کردن - جستجو کردن	جَابِرَانَه : ستمکارانه - ظالمانه
تَفْتِین : فتنه افکندن	جَبْت : شخص بی خیر - بُت
تَفْحُص : کاوش و جستجو کردن	جَبَل : کوه
تَفْوُّق : برتری جستن - برتری یافتن	جَبَه : جامه گشاد و بلند که روی جامه های دیگری می پوشند - زره
تَفَقُّد : به رافت به حال دیگری یا دیگران توجه و نظر نمودن	جَرَار : انبوه و کثیر
تَقْدِیر : قضاء و فرمان الهی - نصیب و سرنوشت	جَرَس : زنگ کاروان
	جَزِیل : بزرگ

خُلف : وفا نکردن به وعده	جَنَّت : بهشت ( مفرد جَنَات - جنان )
خُمُول : گمنام شدن - بی منزلتی - بی نام و نشان گشتن	جُنود : لشکرها ( مفرد : جند )
خَوَارِق : پاره کننده و ازهم درنده - مخالف عادت و طبیعت ( مفرد : خارق )	جُوع : گرسنگی
خُوف : ترسیدن	جُولان : گشتن و متحرک بودن - مقیم نشدن
خُیَبَت : ناامیدی	جُولانگاه : محل تاخت و تاز و خودنمایی کردن
خَیَل : گروه اسبان - سواران	حَايِل : حاجب و مانع بین دو چیز
دَارُ الْحُكُومَةِ : مقر حکومت	حُجَب : پرده ها ( مفرد : حِجَاب )
دَرَكَات : درجات پست - نازل - پائین	حُجَبَات : پرده ها ( مفرد : حِجَاب )
دَسَائِس : مکرها ( مفرد : دسیسه )	حَدَّت : تندی - تیزی
دِهْشَت : ترس - اضطراب	حِرَاسَت : نگهبانی - محافظت
ذِکَاوَت : هوش بسیار - سرعت فهم و درک	حُربیه : جنگیه
ذَمَّ : نکوهش	حَرَم : اهل و عیال و خانواده - جای امن
رَادِع : مانع	حُرْمَت : احترام - عزت
رَأِیْت : برجم	حُشْمَت : بزرگی و شوکت - جاه و جلال
رَبَّانِی : منسوب به رب - الهی	حَقْد : کینه - دشمنی
رَحِیقُ مَخْتوم : شراب سر به مهر	حَلَاوَت : شیرینی
رِعَايَا : عامه مردم - قوم ( مفرد : رِعِیَّت )	حَقَابِل : بند شمشیر که بیاویزند و نیزه هر چه بر خود بیاویزند
رُعْب : بیم - ترس	حَمِیدَه : ستوده - پسندیده
رَقِیقُ الْقَلْب : نازک دل - رشوف	حَوْل : بهرامون و اطراف - قوت و قدرت
رَمْس : مدفن - خاک گور - مجازاً جسدی که در گور است	خَائِف : ترسان
رَبِّب : تردید - شک	خَال : دانی
رَبِيعَان : اول و بهترین هر چیز	خَبِير : آگاه - مطلع
رَخَّار : پرموج و متلاطم - پرچوش و خروش	خُدَام : خادمین - چاکران ( مفرد : خادم )
رَکِیَه : متقی و پرهیزکار	خُدَعَه : مکر - حيله
سَادَات : بزرگان - سروران	خُسرَان : ضرر
سَاقِطین : سقوط کنندگان	خُلَعَت : جامه یا شال مزین که بعنوان جاذبه یا هدیه در تشویق به کسی عطا می کردند
سَامِعین : شنوندگان	



سامیه: بلند مرتبه

سَبّ: شتم - به سختی دشنام دادن

سَبَق: درس

سَبْر: برده و پوشش

سُتوران: چهارپایان

سِجَن: زندان - زندانی کردن

سِرّ ضمیر: راز درون

سَریر: عرش - تخت سلطنت

سَفاهت: نادانی

سَمندر: مرغ آتشخوار - نوع کوچکی از

سوسمار که به خورشید خیره می نگرد

و می گویند در آتش نمی سوزد

سَبَّیْه: زشت و ناپسند

سِبْأَت: بزرگی یافتن - سروری

سَتَم: دشنام دادن - ناسزا گفتن

شَرع: شریعت آوردن - وضع کردن

شَکَه: پاره کردن - نیمه، هر چیز

شُکوک: شکها

شُعایل: طبعها - خوبیها (در فارسی

شکل و صورت)

شُعیبه: زشت - قبیح

شَایم: روزهدار

صَبَاوت: کودکی

صَدْر: سینه - ابتدا و مقدم هر چیز

صِرَافَت: میل شخصی

صَریر: صدای قلم موقع تحریر

صَوْب: سمت

صَیْت: آوازه

صَریح: قبر - مرقد

ضِیاع: آب و زمین زراعتی

ضیافت: مهمان شدن

ضَیق: تنگی

طائِفین خَوَل: کسانی که در اطراف چیزی

طواف می کنند (در اصطلاح امر بهایی به

موت منینی اطلاق می شود که در جوان حضرت

بهاء الله به سر می برند)

طالِع: روشن و درخشان

طَلّاب: تلامذ - جویندگان (مفرد: طالب)

طَلعت: چهره - جلوه

طَلیفه: پیشرو سپاه - آثار اولیه

ظَلّ: سایه

عِتَاب: سرزنش کردن - ملامت کردن

عَرِیضه: نامه ای که در شکایت و یا طلب یا

مرض حاجت به مقام بالاتر بنویسند

عُزَلت: کناره گیری و تنهایی گزیدن

عُزیمت: اراده کردن - نیت کردن

عُصاره: فشرده و شیر کشیده شده

عِصمت: پاکی و بی گناهی

عَقَار: ملک و خانه - برگزیده، اشیا

عَقیم: بی حاصل و بی فایده

عِناد: دشمنی

عَوَائِد: فواید و منافع - عطاها (مفرد: عاوده)

عَوَاصف: بادهای تند - طوفانها (مفرد: عاصمه)

عَاقِلَه: مصیبت و سختی - واقعه سخت

عَبْطه: آرزوی حال دیگری نمودن بدون اینک

بخواهند حال او تغییر نماید

عُفْران: بخشودن - عفو کردن

عُیور: غیرتمند - با غیرت

فائِق: مسلط

فَاتِح: گشاینده - فتح کننده

فَاتِحَه : آغاز کار

فَاجِر : بدکار - فاسق

فَاجِر : بسیار خوب و مرغوب

فَاسِق : گناهکار

فَاعِل : دانشمند

فُتُوْر : قصور - سستی

فُتُوْه : قربانی

فَرَاثِض : واجبات دینی ( مفرد : فَرِيضَه )

فِرَاسَت : زیرکی و هوشیاری

فِرَاق : دوری

فِرْبَه : چاق

فِرْقِي : گروهها ( مفرد : فِرْقَه )

فِرْمَانِغَرْمَا : رئیس الروما

فِصَاحَت : روان بودن سخن

فَصِيح : دارای فصاحت

فَوْز : به مقصود رسیدن - رستگاری

فَيْض : ( در فارسی فیض مصطلح است )

هرعطا و احسان

قَارِئِيْن : قرائت کنندگان - خوانندگان

قَاصِر : مقصور کننده - کوتاه و نارسا

قَبْضَه : مشت - پنجه

قُدْسِي : منسوب به قدس - پاک و منزه

بودن

قَرِيْب : نزدیک

قَسَاوَت : سنگدلی - سختی

قِصَاص : کیفر - مقابله به مثل در جزا

قَصَب : پارچه - مروارید

قَلْبِ فِطْرَت : برگردانیدن سرشت

قَوْنَسُوْل : سفیر

قَهَّار : بسیار غالب - برغلبه

قَبِيْل و قَال : بحث و گفتگو

كَادِب : دروغگو

كِبَار : بزرگان

كُبْرِي : بزرگتر

كَيْتْمَان : پنهان کردن

كَجَاوَه : مَحْمِل که به جهت نشستن بر پشت شتر

ببندند

كِرَامَت : شرف - عزت نفس

كِرَاهَت : نفرت - انزجار داشتن

كَلَّا و حَاشَا : مبادا

كِلَابِ اَرْض : سگهای زمین - کنایه از اشخاص

پست و بدخوی زمین

كُنْيَه : اسمی که در نسبت به پدر یا فرزندی

به شخص می دهند

كُوْشَر : نام چشمه یا نهری در بهشت

كُوسَه : بی ریش

لَا شَرِيْكَ لَه : شریکی نیست برای او

لَايْتِنَا هِي : بی پایان - بی نهایت

لَحْن : آهنگ کلام

لَعُو : باطل و بیهوده گفتن

لِقَاء : دیدار کردن - ملاقات نمودن

لَهْو و لَعَب : بازی و خوشگذرانی کردن

مَآثِر : کارهای نیک

مَآل : نتیجه و عاقبت

مَادُوْن : پائین

مَآسُوْی اللّٰه : آنچه که غیر از خداست

مَاضِيَه : زمان گذشته - گذشته

مَآفَات : آنچه گذشت

مَآفِي الضَّمِيْر : آنچه در دل نهان است - فکر

مُبَرَّر : نمایان - برآورنده

مُحَارَبَه : با هم جنگیدن	مُبْرَهَن : آشکار
مُحَاوَرَه : بحث و گفتگو	مُبْعُوْث : برانگیخته شده
مُحْشُوْر : همدم	مُتَاعِب : رنجها
مُحَضَّر : جای حضور - پیشگاه	مُتَانَت : قوی بودن - محکمی
مُحْتَرَج : رنج	مُتَتَابِع : پی در پی
مُحَوَّل : منتقل شده	مُتَخَلِّص : خلاص شونده
مُخَاطَرَات : خطرها	مُتَرَدَّد : دچار شک و تردید
مُخْتَفِي : پنهان	مُتَرَوِّد : چشم به راه - منتظر
مُخَذُوْل : خوار و ذلیل	مُتْرُوْک : وا گذاشته - ترک شده
مُخَرَّب : خراب کننده	مُتْرَلَزَل : لرزان - مضطرب
مُخَيَّر : اختیار کننده	مُتَشَبِّه : جنگ زننده و به دست گیرنده
مُخَيَّلَه : فکر	مُتَشَوِّع : پراکنده و منتشر
مُدَبِّر : تدبیر کننده - عاقبت اندیش	مُتَشَرِّض : اعتراض کننده - ایراد گیرنده
مُدَح : ستودن - تمجید کردن	مُتَقَن : استوار و محکم
مُدَرِّس : معلم	مُتَكَي : مستظهر و اعتماد کننده
مُدَلَّل : ثابت شده با دلیل	مُتَمَرَّد : سرکش
مُدْهَش : وحشت آور	مُتَمَسِّک : جنگ زننده - پناه برنده
مُدَاق : چشیدن - ظرافت و خوش طبعی	مُتَمَلَّه : رنج و شکنجه دادن - قطع کردن
مُدْعِيْن : اقرار کننده	مُتَعْوِي : از اعضاء بدن محکوم یا اسیر
مُدْمُوْمَه : نکوهیده - بد و زشت	مثل گوش و بینی
مِرَات : آئینه	مُجَاب : پاسخ داده شده - در فارسی
مِرَاوَرَت : تلخی	قانع شده یا مغلوب گردیده در مناظره
مِرَاسَلَه : مکاتبه کردن - مکتوب و نامه	مُجَادَلَه لِسَانِي : جدال و نزاع زبانی
مِرْتَفِع : عالی - بلند	مُجَاوِر : همسایه - هم ممکن - اقامت
مِرْعُوْب : ترسیده - بیمناک	گزیننده در مسجد یا شهرهای مذهبی
مِرْعِي : مورد رعایت واقع شده	یا بیفای
مِرْكُوْب : هر چه بر آن سوار شوند از حیوانات	مَجْد : عزت و بزرگی
مانند اسب	مَجْعُوْلَه : جعل شده یا قرار داده شده
مِرْوَج : رواج دهنده - ترویج کننده	مُجَمَّل : کوتاه شده
مِرْوِيَه : روایت شده	مُحَاپَا : پروا و ترس

مُزبوره : نوشته شده  
 مُزید : زیاده - اضافه  
 مُساعد : کمک کننده  
 مُصالمت : صلح کردن  
 مُستجاب : اجابت شده  
 مُستحفظین : نگهبانان - پاسبانان  
 مُسترد : پس داده شده  
 مُستغاث : منظور سال ظهور موعود بیان  
 است یعنی ۱۹ سال بعد از ظهور حضرت  
 اعلی که همان سال اظهار امر جمال  
 رحمن در باغ رضوان می باشد  
 مُستفید : استفاده کننده و فایده برنده  
 مُستفیض : فیض برنده  
 مُستمره : ادامه یا بنده بطور ثابت -  
 ثابت و مداوم  
 مُستملکات : املاک یا زمینهای تحت تصرف  
 مُستند : سند و مدرک مورد استفاده  
 مُستنیر : نورانی شده  
 مُستوجب : واجب و لازم شمرده شده -  
 سزاوار - مستحق  
 مُستور : پوشیده - مخفی  
 مُستولی : غلبه کننده - جیره شونده  
 مُسطوره : نوشته شده  
 مُسلك : راه و روش  
 مُسلوب : گرفته شده  
 مُسمّاة : نامیده شده  
 مُسند : مقام و رتبه  
 مُشارالیهما : کسیکه به او اشاره شده  
 مُشارب : ذوق و میل و هوای نفس  
 ( مفرد : مُشرب )

مُشایعت : بدرقه کردن - دنبال کسی رفتن  
 مُشرف : شرف یافته - سرافراز گردیده  
 مُشعر : آگاه کننده - معلوم دارنده  
 مُشعوف : شیفته و دلباخته  
 مُشقات : سختی ها ( مفرد : مشقت )  
 مُشکین : منسوب به مُشک - ماده سیاه رنگ  
 بسیار خوشبو  
 مُشمول : شامل شده - دربر گرفته  
 مُشی : راه رفتن - قدم برداشتن  
 مُصادقت : از روی اخلاص یا کسی دوست شدن  
 مُصاعب : سختی ها ( مفرد : مصعب )  
 مُصافحه : با یکدیگر دست دادن به هنگام  
 ملاقات  
 مُضاعف : دو برابر شدن  
 مُطاع : اطاعت شده  
 مُطروودین : طرد شدگان  
 مُظفر : پیروز گردانیده شده - غالب و ظفریافته  
 معاذیر : برهانها - دلائلی که برای رفع  
 ملامت یا عذرخواهی آورده شود ( مفرد : معذره )  
 معاریف : اشخاص معروف  
 معارضه : مقابله به مثل کردن - در فارسی  
 به معنای مخالفت نمودن  
 معاندین : دشمنان  
 معانقه : کسی را در آغوش گرفتن و به سینه  
 فشردن  
 معاونت : یاری کردن - به یکدیگر کمک کردن  
 مُعتر : تعبیر کننده خواب  
 معتمدین : مورد اعتماد ( مفرد : معتمد )  
 معذلیک : با وجود این - با این همه  
 معروض : محل عرضه کالا



مُتَمِّمٌ : الهام شده	مَعْرَكَةٌ : رزمگاه - میدان جنگ
مَمَاتٌ : مرگ	مُعْزُولٌ : عزل شده - برکنار
مَمْدُوحَةٌ : ستایش شده	مُعْظَلَاتٌ : امر دشوار ( مفرد: معظه )
مُنَاسِكٌ حَجٌّ : اعمال و عبادات حج	مُعْتَبَةٌ : مهاجرت - با هم بودن
مُنَاصِبٌ : مقام ( مفرد: منصب )	مُغْلُولٌ : کسی که غلّ و زنجیر به گردنش انداخته شده
مُنَافِيٌّ : مخالف - معارض	مُفَادٌ : معنی و مفهوم کلام
مُنَاقِبٌ : بزرگی ( مفرد: منقبت )	مُفَارَقَةٌ : جدا شدن از یکدیگر
مُنَاقِشَةٌ : با هم ستیزه و گفتگو کردن	مُفْتَوِحٌ : گشوده شده
مُنْتَعِشٌ : سر حال و با نیرو و نشاط	مُفْحَمٌ : ساکت شده - بی جواب مانده
مُنْدَهَشٌ : پریشان	مُقَدَّمَةٌ : مدافعین : پیشرو دفاع کنندگان
مُنْسَلِكٌ : کسی که داخل مسلکی شده باشد	مُقَرَّبَانٌ : نزدیک گردانیده شدگان
مَنْصُورٌ : یاری شده - پیروز و مظفر	( مفرد: مقرب )
مُنْطَفِئٌ : خاموش شده - فرونشسته	مُقَرَّبٌ : نزدیک
مُنْطَوِيٌّ : درهم پیچیده - محو شده	مُقْعَدٌ : نشننگاه - جایگاه
مُنْقَسَمٌ : تقسیم شده	مُقْنِعٌ : قانع کننده
مُنْقَضِيٌّ : گذشته	مُقُولَةٌ : گفته
مُنْكَوبٌ : بدبخت و ذلیل	مُكَافَاتٌ : پاداش خیر - کیفر و جزای عمل
مِنْوَالٌ : اسلوب - طرز	بَد
مَنْبِيعٌ : استوار - بلند	مُكْتَسَبَةٌ : کسب شده - بدست آورده شده
مُوَازِينٌ : ترازوها ( مفرد: میزان )	مُكْتَوِبٌ : نوشته - نامه
مُؤَاقِفٌ : موقعیت - محل ایستادن ( مفرد: موقف )	مُكْتَوَمٌ : پوشیده
مُؤَدَّتٌ : دوستی - محبت	مُكَلَّلٌ : تاجدار - اکلیل بر سر
مُؤَدِّبَةٌ : اذیت کننده - حيله گر	مُكْنِتٌ : قدرت و قوت - توانائی
مُؤَفَّرٌ : بسیار - زیاد	مُؤَلَّزَمَةٌ : همراهی کردن
مُؤَقَّرٌ : محترم و با وقار	مُؤَلَّحَةٌ : زیبا بودن
مُؤَقِنٌ : یقین دارنده	مُؤَلَّمَةٌ : سرزنش - نکوهش
مُؤَقُوفٌ : وقف شده	مُؤَلَّصِقٌ : چسبانده شده - چسبیده
مُؤَكَّبٌ : عده ای سوار یا پیاده که در خدمت	مُؤَلْفُوفٌ : پیچیده شده
یا معیت شخصی حرکت می کنند	مُؤَلَّوِلٌ : افسرده
مُؤَاخَذَةٌ : بازخواست کردن - عتاب نمودن	

و کس قدرت	مُو کده: محکم شده - تاکید شده
نقدینه: نقد: پول حاضر - مال یا کالایی	مُو لَفَات: تالیف شده ها ( مفرد: مو لَفه )
که همان موقع داده شود	مِهَابَت: عظمت - بزرگی و شکوه
نَعَام: سخن چین	مِهَار: افسار
نَوَاب: در فارسی لقب شاهزادگان و در هندوستان	مُهَيِّط: محل نزول
لقب امراء بوده است	مُهْتَدَى: هدایت شده
نَوَامِيس: قوانین - شرایط	مُهْتَب: تهذیب شده
نَوَايَا: مقاصد - نیات	مِهَب: ترسناک
نَهَج: راه و روش	مِيقَات: زمان
و اَسَعه: واسع - گشایش دهنده	نَاجِيَه: نجات دهنده
و اَجِبَات: ضروریات - احکام شرعی که اجرائش	نَاصِيَه: پیشانی
لازم باشد	نَذَر: در پیش خود و در دل تعهد خدمت
و اَفِر: بسیار	یا احسان
و شَوْق: اطمینان کردن - اعتماد نمودن	نَخ: باطل کردن - از بین بردن
و حده: تنها	نِسْوَان: زنان ( مفرد: نِسَاء )
و خِيمه: بدعا قبت - ناگوار	نِعْم: نعمت ها
و رُشَه: ارث برندگان	نِعْمَاء: احسان - رزق
و رَطَه: هر امری که نجات از آن مشکل باشد	نَعِيم: نعمت بسیار - بهشت
و رَع: پرهیز کردن از خطا و گناه و مشتبهات	نِفَاس: چیزهای گرانبایه و مرغوب
نفس و هوی	( مفرد: نَفِيس )
و ضِع: بست و حقیر	نَفَاحَات: نسیمهای خوش - بوهای خوش
و قَاحَت: پستی	( مفرد: نَفْحَه )
و قَف: تخصیص دادن ملک یا مالی در راه -	نَفِی: سرگون کردن
خدمت کردن	نِقَار: خصومت و دشمنی - کینه
و لَوْلَه: بانگ و فریاد - شور و غوغا	نَقَب: سوراخ و شکاف - راه باریک
و هَن: ضعیف و ست گردیدن	زبرزمینی یا در کوه
هَائِل: هول انگیز	نُقَبَاء: رؤساء و بزرگان قوم (مفرد: نقیب)
هَيُوب: وزیدن	( نقیب )
هَتَكِ حُرْمَت: بی احترامی - بی حرمتی	نَقَاهَت: حالت ضعف حاصله از بیماری
هَمِگَنان: همگان - همه کسان	بعد از قطع علائم مرض تا جبران کامل

هَلْهَلَه : در فارسی صدا های شادمانی در

چش و غیره

هُموم : غمها و احزان ( مفرد : هَم )

هنگامه : جمعیت و معرکه و غوغا

هَيَات : حالت و صورت و کیفیت هر چیز

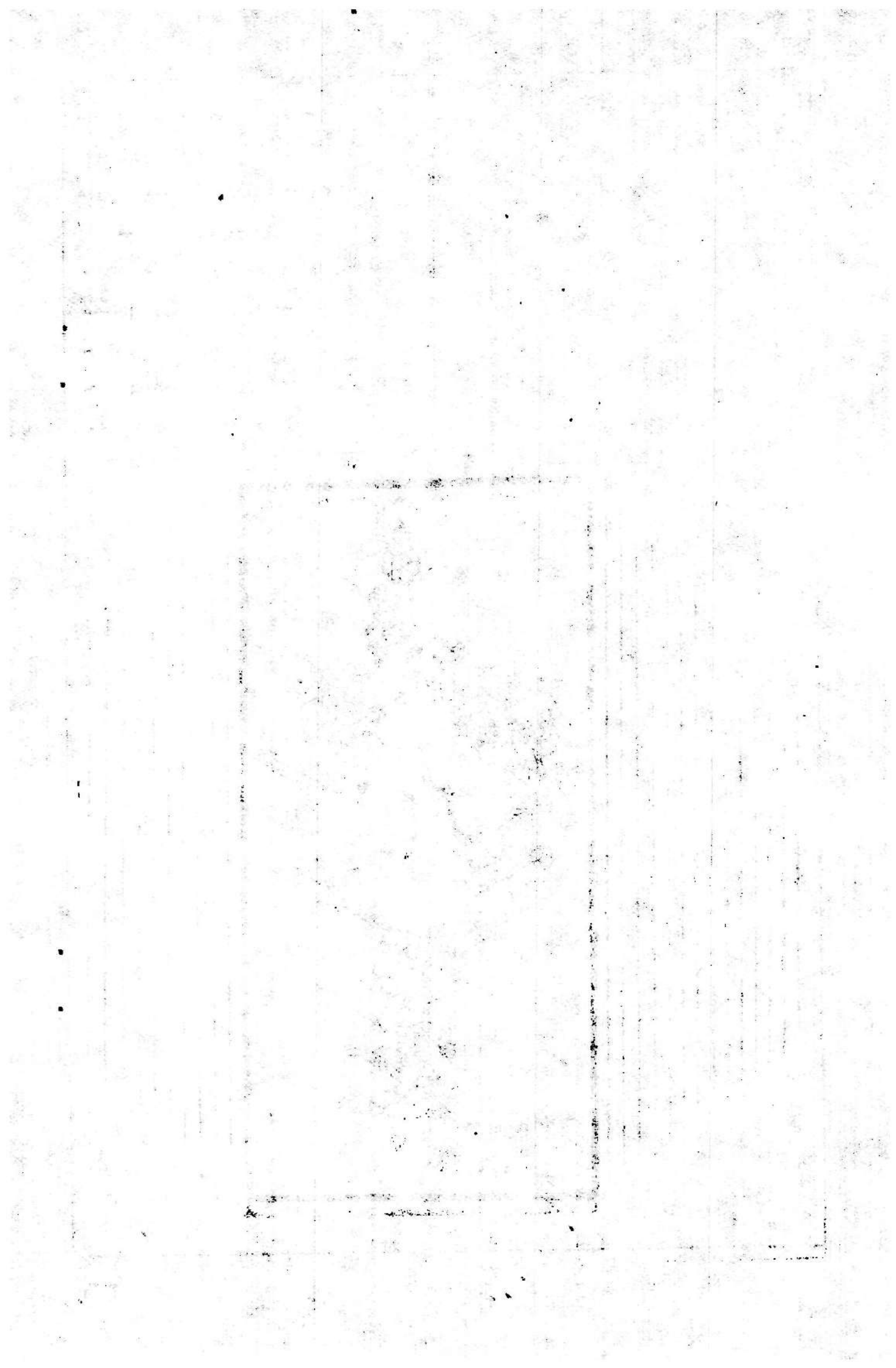
هَيْبَت : بزرگی - ترس و بیم

هَرَاق : اسلحه

هَغْمَاء : غارت

هَيَوْم : روز - عصر حاضر







توجه فرمائید: در آیات و احادیث و عبارات عربیه مواردی که زیر آن خط کشیده شده نشان دهنده عدم تطابق کلمه نوشته شده در تاریخ نبیل با مآخذ اصلیه می باشد. ضمناً شماره بندی آیات مبارکه در قرآن های مختلف تا دو سه شماره ممکن است فرق داشته باشد. شماره صفحات براساس تاریخ نبیل نشر ۱۲۳ بدیع است.

## شماره ص کتاب

- ۸ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَنْبِيَاءَ الَّذِينَ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْبُحُورِ وَالَّذِينَ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْبُحُورِ وَالَّذِينَ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْبُحُورِ وَالَّذِينَ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْبُحُورِ  
ای پسر هستی قلب تو منزل من است منزله کن آن را برای نزول اجلال من و روح تو منظر من است پاک کن آن را برای ظهور من . کلمات مبارکه مکنونه
- ۹ إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا  
آیه ۷۲ سوره احزاب  
به درستیکه ما عرضه کردیم امانت را بر آسمانها و زمین و کوهها پسر سر باز زدند که حمل کنند آن را و ترسیدند از آن و انسان آن را حمل کرد. بدرستیکه او بسیار ستمکار و نادان بود.  
[ظلوما جهولا به تفسیر حضرت عبدالبهاء: انسان، مظلوم و مجبول القدر است.]
- ۱۱ سَتَرُونَ رِبِّكُمْ كَمَا تَرَوْنَ الْقَمَرَ لَيْلَةَ أَرْبَعَةِ عَشَرَ وَ سَتُّوكُرُونَهُ  
بزودی خواهید دید پروردگارتان را همانگونه که می بینید ماه را در شب چهاردهم و انکار خواهید کرد او را .
- ۱۱ إِنَّ مِنْ أَشْرَاطِ السَّاعَةِ أَنْ تَلِدَ الْأُمَمُ رَبَّهَا  
به درستیکه از شرایط یوم ظهور آن است که امت با پروردگار خود دشمنی می کنند.
- ۱۳ أَنَا أَصَغَرُ مِنْ رَبِّي بِسِتَّتَيْنِ  
من از پروردگارم دو سال کوچکترم .
- ۱۴ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ قَدْ فَدَيْتُ بِكُلِّي لَكَ وَ رَضَيْتُ السَّبَّ فِي سَبِيلِكَ وَ مَا تَعَمَّيْتُ إِلَّا الْقَتْلَ فِي مَحَبَّتِكَ وَ كَفَى بِاللَّهِ مُعْتَصِمًا قَدِيمًا وَ كَفَى بِاللَّهِ شَاهِدًا وَ وَكِيلًا.  
ای بقیه الله (حضرت بهاء الله) به تحقیق خود را بتما می فدای تو کردم. و خشنود شدم به دشنام شنیدن در راه تو و آرزو نکردم مگر کشته شدن در راه محبتت را و در این راه، حفاظت خداوند قدیم کفایت می کند و نیز گواهی خداوند و واگذار

\* "طهرها" نیز صحیح می باشد زیرا "روح" از کلماتی است که هم مذکرو هم مؤنث می تواند باشد  
(x) تلخیص تاریخ نبیل زرنندی نشر ۱۲۳ بدیع

امور به او کافی است .

۱۵ یَفْعَلْ مَا يَشَاءُ وَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ .

انجام می دهد آنچه را که بخواهد . و حکم می کند به آنچه که اراده کند .

۱۸ سَتَعْلَمُونَ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ (۱) - وَ لَاتَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبَدِّلَكُمْ تَسْوَةً كُمْ

بزودی آگاه می شوید خبر آن را بعد از هنگامی - (اشاره به آیه ۸۸ سوره ص) -  
و مبرسید از چیزهایی که اگر آشکار شود مر شما را بد آید .

قسمتی از آیه ۱۰۱ سوره مائده

۲۴ إِنَّمَا نَطْعِمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ لِأْتُرِيدُوا مِنكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا .

بدرستی که اطعام می کنیم شما را بخاطر خداوند و نمی خواهیم از شما پاداش  
و سپاسی .

آیه ۹ سوره دهر

۲۷ وَ سَقِيهِمْ رَبَّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا

آیه ۲۱ سوره دهر

و بنوشانید آنها را پروردگارشان شرابی پاک .

۳۳ وَ مِنكَ وَ مِن مَّكَانِكَ وَ الزَّمَانِ  
إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَا كَفَا نِي  
وَ مِنِّي وَ مِنِّي  
وَلَوْ إِنِّي وَضَعْتُكَ فِي عَيْونِي

نگران تو هستم از قوم خود و خودم . و از تو و از مکان و زمان تو .  
حتی اگر تا روز قیامت تو را در چشمانم گذاشته محافظت کنم مرا کفایت نمی کند .

۳۵ إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحَ أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ

آیه ۸۳ سوره هود

بدرستیکه وعده عذاب آنان ، صبحگاه است . آیا صبح نزدیک نیست ؟ (و تا صبح وقت  
بسیار نیست)

۳۶ وَ كُلُّ يَدْعِي وَ ضَلَّ لَيْلِي  
إِذَا أَنْجَسَتْ دُمُوعٌ مِنْ مَائِي  
وَ لَيْلِي لَا تُقَرُّ لَهُمْ بِذَاكَ  
تَبَيَّنَ مِنْ بَكِّي مِمَّنْ تَبَاكِي

همگان ادعای وصال لیلی را دارند ولی لیلی به چنین و مالی اقرار و اعتراف نمی  
کنند  
هنگامی که اشکها از گوشه چشمها جاری شود آن وقت آشکار می شود که چه کسانی واقعاً  
گریسته اند و چه کسانی وانمود به گریستن کرده اند .

(۱) در تفاسیر مندرج در آثار مبارکه " بعد حین " عبارت از سال ۶۹ یا سنه تسع می باشد که مطابق اظهارات مرخفی جمالمبارک است . ضمناً آیه مزبور در قرآن کریم با کلمه لتعلمن شروع می شود .

۴۴ وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا . آیه ۶۹ سوره عنکبوت

و کسانی که کوشش کنند در راه ما ، هر آینه هدایت می کنیم آنها را به راه خودمان .

۴۵ وَ فِي سَنَةِ السَّتِينَ يَظْهَرُ أَمْرُهُ وَ يَخْلُو ذِكْرُهُ

و در سنه شصت " ۱۲۶۰ " امرش ظاهر می شود و ذکرش بلند می گردد .

۴۹ أَدْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ . آیه ۴۶ سوره حجر

( به بهشتیان خطاب شود ) شما با درود و سلام و ایمنی و احترام به آن داخل شوید .

۵۵ أُعِدَّتْ لِعِبَادِيَ الصَّالِحِينَ مَا لَأَرَأَتْ عَيْنٌ وَ لَا سَمِعَتْ أُذُنٌ وَ لَا خَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ (حدیث)

مهیّا شده است برای بندگان صالح آنچه را که ندیده است چشمی و نشنیده است گوشی و خطور ننموده است بر قلب انسانی .

۵۶ لَأَيَّمْنَا فِيهِ نَصَبٌ وَ لَا لُغُوبٌ :

[آیه کریمه قرآن به این عبارت در توصیف بهشت آمده است :

لَأَيَّمْنَا فِيهَا نَصَبٌ وَ لَا يَمْنُنَ فِيهَا كُفُوبٌ آیه ۲۲ سوره فاطر

در اینجا هیچ رنج و المی به ما نرسد و ابداً ضعف و خستگی نخواهیم یافت .]

۵۶ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَ لَا تَأْتِيهِمْ إِلَّا قِيلًا سَلَامًا . آیه ۲۴ و ۲۵ سوره واقعه

نمی شنوند در آنجا سخن بیهوده ای و نه گناهی به یکدیگر نسبت دهند . جز سلام و تحیت هرگز نگویند و نشنوند ( در توصیف بهشت )

۵۶ دَعْوِيَهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَ آخِرُ دَعْوِيَهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . آیه ۱۰ سوره یونس

خواندندشان در آنجا سبحانک اللهم و درودشان در آنجا سلام و آخرین سخنشان الحمد لله رب العالمین می باشد .

آیه مبارکه در توصیف بهشت آمده است .

۶۱ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ

ستایش مر خداوندی را که هدایت کرد ما را به این ( مقام ) و هدایت نمی شدیم

اگر خداوند ما را هدایت نمی کرد . آیه ۴۱ سوره اعراف

۶۱ ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ اَللّٰهُ .

با درود خداوند داخل شوید .

۶۳ مَنْ طَلَّبَنِيْ وَجَدَنِيْ وَ مَنْ تَقَدَّمَ اِلَيَّ شَبْرًا تَقَدَّمْتُ اِلَيْهِ بِاَعَا وَ مَنْ اَحْبَبَنِيْ اَحْبَبْتُهُ وَ مَنْ اَحْبَبْتُهُ قَتَلْتُهُ وَ مَنْ قَتَلْتُهُ فَعَلَيْ دِيْتُهُ

کسی که طلب کرد مرا ، یافت مرا و کسیکه یک وجب به سوی من پیش آمد ، ذرا عی به سوی او پیش رفتم و کسیکه مرا دوست داشت ، او را دوست داشتم . و کسی را که دوست داشتم ، کشتم او را و کسی را که من کشتم پس خونبهای او بر من است .

۶۶ اَللّٰهُمَّ اسْتَجِبْ دُعَايِيْ وَ حَقِّقْ لِيْ اَهْلِيْ وَ مَنَاسِيْ اِنَّكَ اَنْتَ الْمُقْتَدِرُ الْكَرِيْمُ .

ای پروردگار اجابت کن دعای مرا و محقق بگردان برایم آرزو و خواسته مرا بدرستی که تو مقتدر و کریم هستی .

۶۹ لَمَعَاتُ وَجْهِكَ اَشْرَقَتْ وَ شِعَاعُ طَلْعِكَ اَعْتَلَى زَ جِهَ رُو اَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ نَزْنِيْ بَزْنِ كِه بَلِيْ بَلِيْ

انوار وجه تو تابید و پرتو چهره تو درخشید از چه رو فریاد نمی کنی " آیا من خدای شما نیستم؟ " فریاد زن تاما نیز آن را لَبِيْكَ ( پاسخ مثبت است ) گوئیم .

۷۸ اَلْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلٰى اَفْوَاهِهِمْ وَ نَكَلِّمُنَا اَيْدِيَهُمْ وَ تَشْهَدُ اَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوْا يَكْسِبُوْنَ

امروز مهر می گذاریم بر دهان شان و سخن می گوید با ما دستهایشان و شهادت می دهد پاهایشان به آنچه که عمل می نمودند . آیه ۶۵ سوره یس

۷۹ وَ جَاءَ رَبُّكَ وَ الْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا

آیه ۲۳ سوره فجر

و آید پروردگارت و فرشته صفی بعد از صف دیگر .

۸۰ وَ اِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُوْنُوْا اَمْثَلَكُمْ . آیه ۴۰ سوره محمد

و اگر روی ( از حق ) بگردانید به جای شما قومی را می آورد غیر شما که نباشند مثل شما .

۸۰ اِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ . آیه ۱۱ سوره فاطر

به سوی او بالا می رود کلمه پاک و کرداری شایسته ، بالا می برد آن را .



۸۰ وَ تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ  
و می خواهیم که منت گذاریم بر آن طایفه ذلیل و ضعیف در آن سرزمین و آنها  
را پیشوایان و وارثان بگردانیم . آیه ۴ سوره قصص

۸۰ ... عِبَادٌ مُكْرَمُونَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ .  
بندگان مقرب خدا هستند که هرگز پیش از امر خدا کاری نخواهند کرد و هر چه  
کنند بفرمان او کنند . آیه ۲۶ و ۲۷ سوره انبیاء

۱۰۴ أَنْتَ شَمْسُ الْهُدَى وَ نَوْرُ الْحَقِّ      أَظْهَرَ الْحَقِّ يَا ظُهُورَ الْحَقِّ  
تو خورشید هدایت و نور حق هستی      ظاهر کن حق را ای ظهور حق

۱۱۲ لَيْلَةَ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ      آیه ۳ سوره قدر  
شب قدر بهتر از هزار ماه است .

۱۲۲ مَنْ أَحْسَنَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا وَ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ .  
کسیکه خوبی کرد پس برای نفس خودش است و کسی که بد کرد پس بر نفس خودش است  
و بدرستیکه خداوند هر آینه بی نیاز از جهانیان است .

أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا قَبْلَ نَبِيلِ بَابِ بَقِيَّةِ اللَّهِ  
شهادت می دهم بدرستی که علی قبل نبیل باب بقیة الله است [علی قبل نبیل  
یعنی علی قبل محمد یا علی محمد و منظور حضرت ربّ اعلی می باشد]

۱۳۳ رَبُّنَا إِنَّمَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا . رَبُّنَا قَدْ غَفِرَ لَنَا  
ذُنُوبَنَا وَ كَفَّرَ عَنْهُ سَيِّئَاتِنَا وَ تَوَقَّأْنَا مَعَ الْآبِرَارِ . آیه های ۱۹۰ و ۱۹۱ سوره آل عمران  
ای پروردگار ما بدرستیکه ما شنیدیم ندا کننده ای ندا می کند برای ایمان که  
ایمان بیاورید به پروردگارتان پس اسمان آوردیم . ای پروردگار ما پس بیامرز  
گناهان ما را و ببخشا از ما بدی های ما را و بمیران ما را یا نیکوکاران .

۱۳۸ إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصِيبُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ  
نَادِمِينَ . آیه ۶ سوره حجرات  
اگر برای شما فاسقی خبری آورد پس تحقیق کنید که مبادا آسیب رسانید گروهی  
را به نادانی و بعد بر آنچه که انجام دادید پشیمان شوید .

۱۴۱ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ بِالْحَقِّ

ستایش مر خداوندی راست که آسمان ها و زمین را به حق آفرید .

۱۴۹ **اللَّهُمَّ الْعَنِ الْجَبْتَ وَالطَّاغُوتَ** ( در توقیعی از حضرت اعلی )

ای پروردگار جبت و طاغوت را از خیر دور کن " رسوا کن "

جبت و طاغوت بمعنی بت و شیطان و سرکش است و در اینجا اشاره است به ملاجواد برغانی و ملا عبدالعلی شراتی .

۱۴۴ **رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ .**

ای پروردگار ما ، ما ستم کردیم بر خودمان و اگر نیامرزی ما را و به ما رحم نکنی هر آینه از زیانکاران باشیم . آیه ۲۲ سوره اعراف

۱۹۷ **هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ .** آیه ۱۰۵ سوره بقره - آیه ۶۵ سوره نمل

اگر راست می گوئید دلالتان را بیاورید .

۲۱۲ **قَلْبُ الْمَوءِ مِنْ عَرْشِ الرَّحْمَنِ .**

قلب موء من بارگاه پروردگار است .

۲۴۳ **إِنَّ لِلَّهِ كُنُوزًا تَحْتَ الْعَرْشِ مَغَائِبُهَا أَلْسِنَةُ الشُّعْرَاءِ**

بدرستیکه برای خداوند گنجهای زیر آسمان است که کلید آنها زبان شعرا می باشد .

۲۴۶ آقای قنبر سابق : مقصود حضرت علی علیه السلام هستند که فرمودند :

**أَهْ وَأَشَوْقًا لِرَوْءِيَةِ إِخْوَانِي الْكَذِبِي يَأْتُونَ مِن بَعْدِي**

آه چه قدر مشتاق دیدار دوستانم هستم که بعد از من می آیند .

۲۸۱ **لَا لِحِبِّ عَلِيٍّ بَلْ لِبُغْضِ مَعَاوِيَةَ**

نه به خاطر محبت حضرت علی " ع " بلکه به جهت عداوت با معاویه (ضرب المثلثات)

۲۸۲ **يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَن يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ .**

آیه ۳۲ سوره توبه

می خواهند که خاموش کنند نور خداوند را با دهنهایشان و خداوند نگذارد مگر آنکه تمام کند نورش را اگر چه کافران را خوش نیاید .

۲۹۸ **إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ .**

آیه ۵۴ و ۵۵ سوره قمر

به درستی که پرهیزکاران در باغات بهشت و کنار نهرهای آب هستند و در جایگاه صدق و راستی نزد پروردگار مقتدر متنعمند.

۳۱۳ وَإِنْ هَذَا وَعْدٌ غَيْرُ مَكْدُوبٍ

همانا که این وعده‌ای دروغ نیست

آیه قرآن کریم : ذَلِكَ وَعْدٌ غَيْرُ مَكْدُوبٍ آیه ۶۸ سوره هود

۳۱۶ أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يَبْرُكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ . آیه ۱ سوره عنکبوت

آیا پنداشتند مردم که رها می شوند تا بگویند ایمان آوردیم و دیگر امتحان نمی شوند؟

۳۲۱ أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ . آیه ۵۰ سوره عنکبوت

آیا کفایت نکرد آنها را که ما نازل کردیم بر تو کتاب را .

۳۲۲ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ

به نام خداوند بخشنده مهربان . ستایش مر خدائی را است که آسمان ها و زمین را آفرید .

[إعراب مصطلح بیان مبارک به صورت فوق است اینک کلام قسمت را حضرت رب اعلی بر خلاف قاعده قراشت فرموده اند اطلاعی نداریم.]

۳۲۲ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ .

پاک و منزّه است پروردگار تو پروردگار عزت از آنچه که (خلق) توصیف نمایند و سلام بر رسولان . و ستایش برای خداوندی است که پروردگار عالمیان است .

آیه های ۱۸۰ - ۱۸۱ - ۱۸۲ سوره صافات

۳۲۵ أَكْثَرُ أَعْدَائِهِ الْعُلَمَاءُ .

بیشتر دشمنان او علماء هستند .

۳۲۵ إِعْلَمْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُ بِاللَّهِ وَالْمَعْرِضُ عَنْ آيَاتِهِ .

بدان ای کافر به خداوند و روی گرداننده از آیات او .

۳۲۵ فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ وَلِيُبْلِيَ

الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ذَلِكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ مُوهِنٌ كَثِيبٌ  
الْكَافِرِينَ .

آیه های ۱۷ و ۱۸ سوره انفال

پس شما نکشید آنها را و لکن خداوند آنها را گشت . و تو تیر نینداختی  
 هنگامی که تیر افکندی و لکن خداوند تیر انداخت تا موه منان را به پیشامد  
 خوشی بیازماید . همانا که خداوند شنوای دانا است . این ( پیروزی از آنجا )  
 نصیب شما گشت که خداوند ست کننده مکر کافران است .

۳۴۲ قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

بگو هرگز به ما نمی رسد مگر آنچه که خدا برای ما مقرر فرمود اوست صاحب  
 اختیار ما . پس باید موه منان بر خداوند توکل کنند . آیه ۵۱ سوره توبه

۳۴۶ إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا ... آیه ۷ سوره اسراء

اگر خوبی کردید خوبی کردید نسبت به خودتان و اگر بد کردید پس بر خودتان  
 بد کرده اید .

۳۵۰ رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ آیه ۳۰ سوره موه منون

ای پروردگار فرود آور مرا جایگاه مبارکی و تو بهترین فرود آورندگان هستی .

۳۵۶ إِنْ جُنَدْنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ . آیه ۱۷۳ سوره صافات

بدرستیکه لشکر ما همواره بر آنها غالبند .

سُبْحٌ قُدُّوسٌ رَبُّنَا وَ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ .

پاک است ، مقدس است پروردگار ما و پروردگار فرشتگان و روح .

۳۶۰ بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ . آیه ۸۸ سوره هود

باقی گذاشته خداوند بهتر است از برای شما اگر از موه منان هستید .

بقیه الله اشاره به حضرت بهاء الله است . [بنا به تصریح حضرت ولی امر الله

در ابتدای لوح قرن احبای ایران]

۳۶۴ وَ كُنْتُمْ لَكُمْ بِشْرٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الشُّمَرَاتِ وَ

بَشْرِ الصَّابِرِينَ . آیه ۱۵۰ سوره بقره

و هرآینه می آزمائیم شما را به چیزی مثل ترس و گرسنگی و نقصان اموال و -

نفوس و آفات زراعت و بشارت بده صبرکنندگان را .

۴۰۷ وَأَسْأَلُكُمْ لِأَخْوَابِنِي الَّذِينَ يَأْتُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ طُوبَى لَهُمْ وَ طُوبَى لَنَا وَ طُوبَى لَهُمْ

أَفْضَلُ مِنْ طُوبَى نَا .



چقدر مشتاقم به (دیدار) دوستانم که در آخر زمان می آیند - خوشا به حال آنها  
و خوشا به حال ما وسعدت و خوشی آنها برتر از سعادت و خوشی ما است .

۴۱۴ أَكْرِمُوا الضَّيْفَ وَلَوْ كَانَ كَافِرًا

مهمان را گرامی بدارید حتی اگر کافر باشد .

۴۱۷ رَبَّنَا أَفْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ .

پروردگارا تو در نزاع بین ما و امت ، بحق ما را پیروز گردان که توبهترین  
پیروزی دهندگانی . آیه ۸۷ سوره اعراف

۴۲۵ إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّيَّاتِ السُّودِ أَقْبَلْتُمْ مِنْ خُرَّاسَانَ فَاسْرِعُوا إِلَيْهَا وَلَوْ حَبْوًا عَلَى  
الْثَّلْجِ

وقتی که دیدید علمهای سیاه را که پیش می آید از خراسان بشتابید به سوی آن  
علمها ولو آنکه با خزیدن بر روی برف باشد .

لَوْلَا مَا آسَتَوَى اللَّهُ عَلَى عَرْشِ رَحْمَانِيَّةٍ وَ مَا اسْتَقَرَّ عَلَى كُرْسِيِّ صَدَانِيَّةٍ  
اگر او نبود قرار نمی یافت خداوند بر عرش رحمانیتش و استقرار نمی یافت  
بر تخت صمدانیتش .

۴۴۹ فَتَمَمُوا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ طَائِفِينَ . آیه ۸۸ سوره بقره و آیه ۶ سوره جمعه  
پس آرزوی مرگ کنید اگر راستگو هستید .

۴۸۰ الْأَسْمَاءُ تُنَزَّلُ مِنَ السَّمَاءِ

اسم ها از آسمان نازل می شود .

۴۸۲ اُقْتُلُونِي اُقْتُلُونِي يَا رِقَاءَةَ إِنَّ فِي قَتْلِي حَيَاةً فِي حَيَاةٍ

بکشید مرا ، بکشید مرا ای مردم مورد اعتماد زیرا که در کشته شدن من زندگی  
در زندگی است .

۴۸۸ غَضُوا أَبْصَارَكُمْ

( ای مردم ) چشمهایتان را ببندید .

۵۱۲ سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا

شنیدیم و فرمان بردیم .

لَا شَرِيكَ لَهُ	۵۴۶
او را هیچ شریکی نیست .	
طَلَبَ الْعِلْمَ بَعْدَ حُصُولِ الْمَعْلُومِ مَذْمُومٌ	۵۶۶
جستجوی علم بعد از بدست آمدن معلوم " آن چیزی که مجهول بوده و اکنون معلوم گشته " عملی ناپسندیده است .	
إِنِّي نَارِكٌ فِيكُمْ الْثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِشْرَتِي .	۵۷۳
بدرستی که من ترک کننده دو چیز نفیس در بین شما هستم . کتاب خداوند و اولاد و احفادم را .	
إِنَّ اللَّهَ يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ وَلَا يَنْظُرُ إِلَى صُورِكُمْ .	۵۸۹
بدرستی که خداوند نظر می کند به قلبهای شما نه به چهره های شما .	
يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ .	۶۱۱
روزی که فرار می کند مرد از برادرش و مادرش و پدرش و زنش و پسرانش .	
آیه های ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ سوره عبس	
يَوْمَ تَرُؤُنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَ تَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَ تَرَى النَّاسَ سُكَارَىٰ وَ مَا هُمْ بِسُكَارَىٰ وَلَٰكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ	۶۱۱
روزی که می بینید آن را ، غافل می شود هر شیر دهنده ای از آنچه که شیر داد و می گذارد هر صاحب باری ، بارش را و مردم را مست می بینی و آنها مست نیستند ( مست از شراب نیستند ) و لکن عذاب خداوند شدید است .	
يَا مَلِكُ الْبَارِسِ نَبِيُّ الْقَيْسِ بَانَ لَا يَدُقُّ النَّوَاقِسَ	۶۳۳
ای پادشاه پاریس پیشوای مسیحی را خبر کن که دیگر ناقوس ها را به صدادر نیارود " نکوبد " .	
يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ .	۶۵۶
ای آتش بر ابراهیم سرد و سلامت شو .	
قُلِ اللَّهُ يَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ	۶۶۴
بگو خداوند مستغنی می سازد از هر چیزی و افراد متوکل باید فقط بر خداوند توکل کنند .	
نام " اللَّهُ " را بر زبان آور که ( انسان را ) از هر چیزی بی نیاز گرداند .	

آیة الكرسی: آیه ۲۵۶ سوره بقره یعنی آیه لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ... است که موقع خوابیدن یا برای حفظ و یا مواقع ترس تلاوت می کنند.

آبا بصر: لقب آقا نقد علی زنجانی که در زنجان با جناب اشرف به شرف شهادت فائز شدند.

أَحْسَنُ الْقِصَصِ: به معنی بهترین طرز داستانسراشی. در قرآن مجید شرح داستان حضرت یوسف را أَحْسَنُ الْقِصَصِ نامیده اند. حضرت رباعلی تفسیری بر این سوره "سوره" یوسف قرآن "مرقوم فرموده اند که معروف به تفسیر أَحْسَنُ الْقِصَصِ بِأَقْوَمِ الْأَسْمَاءِ می باشد. "یوسف به حساب اجد برابر قیوم و مساوی ۱۵۶ می باشد" و به إِزَاء هر آیه از ۱۱۱ آیه سوره یوسف یک سوره به تفسیر نازل فرموده اند و سوره اول - این تفسیر به نام سورة الملك است که شب پنجم جمادی الاولی سنه ۱۲۶۰ برابر ۲۳ می ۱۸۴۴ برای جناب ملاحسین بشرویه ای نازل گردید.

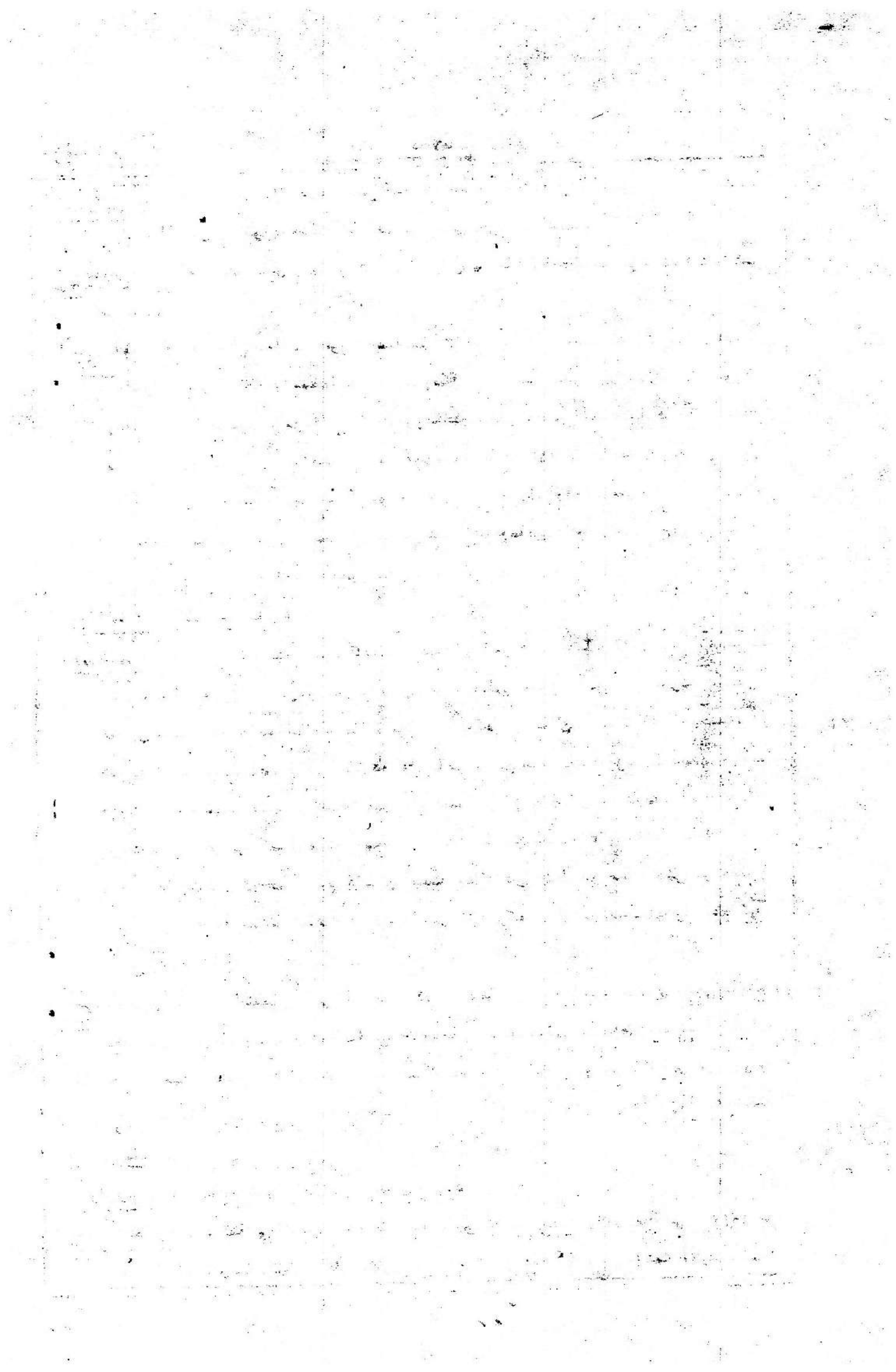
أَرْضُ الْخَاءِ: منظور خراسان است.

امیر کبیر: امیر بزرگ. لقبی بود که به بعضی از أُمَرَاءِ در زمان قاجاریه داده می شد مثل کامران میرزا ... در تاریخ قرن اخیر منظور میرزا تقی خان فرزند مشهدی قربان آشپز جناب ابوالقاسم قائم مقام است که در همان خانه سواد آموخت و در تبریز لشکر نویس شد. و در اول دوره ناصرالدین شاه نخست وزیر گردید. شهادت حضرت باب، شهادت شهدای سبعه طهران و بسیاری از بابیان به فرمان او انجام گرفت. ولی خودش یکسال و نیم بعد از شهید ساختن حضرت اعلی مغضوب سلطان شد و از صدارت عزل گردید و به گاشان تبعید شد و در آنجا در حمام فین در حضور علی خان حاجب الدوله نماینده ناصرالدین شاه رگهای هر دو دست وی را قطع کردند تا بمرد.

آیوب: نام یکی از انبیای بنی اسرائیل که در تمام امتحانات و بلاهای الهی صابر بود. در این ظهور اعظم آیوب لقب جناب حاجی محمد تقی نیریزی است که از اصحاب جناب وحید بودند و شکنجه ها و صدمات لاتحصى تحمل کردند و سورة الصبر در روز ورود به باغ رضوان "بوستان نجیبیه" در بغداد به اعزاز وی عزّ نزول یافته است.

بارفروش: نام قدیم شهر بابل در استان مازندران

بحار الانوار: نام کتابی است در ۲۶ جلد به عربی تالیف محمد باقر مجلسی "۱۰۲۷ - ۱۱۱۰" که تقریباً کلیه احادیث روایت شده از پیغمبر اکرم و ائمه اطهار





" معتقد شیعه" اثنی عشریه" در آن جمع گردیده و آن را داثره المعارف شیعه نامیده‌اند. جلد سیزدهم آن در شرح حال و ظهور حضرت قائم امام دوازدهم است. بدیع : لقب آقا بزرگ خراسانی فرزند جناب حاجی عبدالمجید نیشابوری که توسط جناب نبیل زرنندی به امر مبارک مؤمن شد و در سن هفده سالگی پیاده به عکا رفت و در قشله عسگریه به حضور حضرت بهاء الله مشرف و حامل لوح سلطان گردید. که آن را پیاده به طهران برد و در نیاوران به دست ناصرالدین شاه رسانید و در همان جا بعد از شکنجه‌های سخت به شهادت رسید.

بیان فارسی : کتاب نازله از سماء وحی حضرت ربّ اعلی در ماکو که دارای نه واحد و هر واحد نوزده باب دارد. غیر از واحد نهم که ده باب دارد. این کتاب مبارک حاوی تعالیم و احکام شریعت جدید و معانی و اصطلاحات مرموزه کتب قبل مانند بهشت، جهنم، میزان، حساب، ساعت و غیره و همچنین حاوی بشارات صریحه به ظهور حضرت بهاء الله می باشد.

جابلقا و جابلما : محل غیبت موعود شیعیان - قدام نام دو شهر را برده‌اند و گفته‌اند نخستین در مشرق کره زمین است و دومین در مغرب، کوششهای محققان در بساره اصل و منشاء و حقیقت این دو اسم هنوز به نتیجه قطعی نرسیده است. در حکمت اشراق و عرفان اسلامی تأویلاتی از نام این دو شهر شده است که همگی دلالت بر روحانی بودن این دو اصطلاح می کنند. شیخ احمد احسائی این دو شهر را عبارت از عوالم روحانی می داند و همچنین آن دو را به أَصْلَابِ شَامِخَه و أَرْحَامِ مُطَهَّرَه بعید فرموده است.

جده : حضرت اعلی این محل را ارض حوا نامیده‌اند و وجه تسمیه این بندر به نِصَامِ جَدّه هم از این جهت است که محل زندگی آدم و حوا را در آن صفحات می دانند و قبر حوا را که امّ البشر و جده نوع انسان دانسته‌اند در این جا نشان می دهند. جزیره الخضراء : به مازندران اطلاق شده است و در مقامی به ادرنه.

حاجی عبدالمجید نیشابوری : ملقب به آب بدیع، پدر جناب بدیع که خود از اعظم بابیه و از اصحاب جناب باب‌الباب و از بقیه السیف طبری بودند و بعد به زیارت حضرت بهاء الله در عکا فائز و آخر الامر در مشهد در نهایت مظلومیت و شهادت به شرف شهادت کبری فائز و به آرزوی خود رسیدند.

حجر الاسود : سنگ سیاه مقدسی است به قطر تقریبی سی سانتیمتر که در داخل دیوار کعبه نصب گردیده است. و مقام پرستشی دارد. می گویند حیرثیل آن را برای حضرت ابراهیم آورده است و مکرر در حوادث مکه از داخل کعبه خارج و باز به داخل

منتقل شده. حتی مسطور است که ابوظاهر سلیمان قرمطی حاکم فاتح و مقتدر منطقه بحرین که آن زمان از بصره تا عمان امتداد داشته پس از فتح مکه حجاز را با خود به هجر مرکز بحرین برد که مدت ۲۲ سال از ۳۱۷ تا ۳۳۹ هجری در آنجا بود.

حسین: حضرت بهاء الله در کثیری از الواح از ذات مبارکشان به نام حسین پیغام می کنند که به اقتضای اسم شریف و مظلومیت حضرتشان می باشد.

حسین خان: آجودان باشی که شهرت خانوادگی او مقدم بوده از اولاد آقاخان مقدم از امزای معروف دولت شاه صفی صفوی و طایفه مقدم از ایل اتوز یکی از ایلات معروف ترک ساکن در صفحات قفقاز و آذربایجان و منسوب به پناه خان جوانشیر صاحب قلعه شوش و رئیس ایل اتوز یکی بوده است. در سال ۱۲۵۸ ه ق حکومت یزد و در سال ۱۲۵۹ منطقه یزد و فارس را تحت اختیار او گذاشتند و لقب صاحب اختیار و نظام الدوله یافته و چون مورد حمایت حاجی میرزا آقاسی بود ایام حکمرانی او ادامه یافت تا سال ۱۲۶۴ که محمد شاه وفات یافت و حاجی از مقامش ساقط گردید اهالی شیراز نیز که از ظلم و جور حسین خان به جان آمده بودند سر به شورش برداشته عزل او را خواستار شدند تا پس از زد و خوردهای زیاد بسا اهالی شیراز او را از حکومت معزول و شاهزاده بهرام میرزا معزالدوله به حکمرانی فارس منصوب شد. و حسین خان را دستگیر و به طهران فرستادند و از -  
 جمیع مناصب و القاب معزول و مردود دولت و مخدول گشته و عاقبت با ذلت هرچه تمامتر به سفارت خارجی پناه برد.

حمزه میرزا: شاهزاده حمزه میرزا ملقب به حشمت الدوله یکی از فرزندان با حشمت و جلال شاهزاده عباس میرزا نایب السلطنه بود که ابتدا به حکومت خراسان به پای حاکم السلطنه منصوب گردید و در ایام فرمانروائی او بود که جناب باب -  
 الباب و جناب قدوسی در مشهد ساکن و با علما و روحانیون آن بلد مناظره و مباحثه داشتند و چون یکی از اصحاب مورد ظلم و ستم گماشتگان مجتهد محل حاج میرزا حسن واقع شد و اصحاب در پی نجات او شتافتند و زد و خورد واقع شد و به سامغان بیگلربیگی شهر و شاهزاده والی تظلم نمودند و او با مشورت سرتیب عبدالعلیخان مرغه ای که موء من به امر مبارک بود نامه ای محترمانه به جناب باب البساب مرقوم و ایشان را به اردوگاه خود دعوت نمود و به لوازم محبت و پذیرائی پرداخت و در اثر مصاحبه با جناب باب الباب از حقانیت امر مبارک اطلاع یافته بود. در زمان شهادت حضرت ربّ اعلی حکمران آذربایجان بود و هم او بود که از

انجام دستور امیر نظام مبنی بر به شهادت رسانیدن حضرت ربّ اعلیٰ امتناع ورزید. **دیان** : لقب اعطائی حضرت ربّ اعلیٰ به جناب سید ابدالله خوئی است دیان و اسد هر کدام به حساب جمل " اجد " مساوی ۶۵ می باشد. نامبرده در زمان اقامت حضرت ربّ اعلیٰ در حسن چهریق موء من شد و به حرف ثالث موء من به **مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ مَخَاطِبَ** گشت و به شرف ايمان به معبود اهل امکان در بغداد فائز و در همانجا به دستور میرزا یحیی ازل به دست محمد نامی ازلی شهید شدند.

**سایبری** : ساحری بود که در زمان حضرت موسی کوساله طلائعی ساخت و مردم را به کوساله پرستی خواند لذا این کلمه مجازاً به معنای فریبنده و گمراه کننده مصطلح گردیده است. در شریعت حضرت ربّ اعلیٰ سامری و عجل و خوار به بعضی از منافقین اولیه مانند میرزا ابراهیم سرازلی، ملا عبدالعلی خراتی و ملا جواد برغانسی " ولیانی " و در شریعت یهائی القاب سامری و عجل و شیطان به سید محمد اصفهانی و یحیی ازل اطلاق شده است.

**سِرُّ التَّنَكُّسِ لِرَمِزِ الرَّئِيسِ** : اصطلاح سِرِّ التَّنَكُّسِ لِرَمِزِ الرَّئِيسِ را حضرت شیخ احمد احصائی از نقش اسم اعظمی که به حضرت علی (ع) منسوب است اخذ فرموده اند. در نقش مزبور عبارت " وَأَوْ مَنَّكَسَه " مذکور و شکل آن به اینگونه مسطور است " ۴ " حضرت شیخ در ضمن مکتوبی که در باره ظهور قائم موعود نگاشته اند به جمله **سِرِّ التَّنَكُّسِ** ... اشاره فرموده اند وقتی معانی عبارات شیخ را از میرمحمد کریم خان کرمانی که داعیه جانشینی شیخ و سید را داشت سؤال نمودند پاسخ داد که من معانی آن را درک نمی کنم و هر کس درک نماید، مرید او هستم. حضرت بهاء الله در لوح مبارک قناع که در جواب اعتراضات کریم خان نازل، عین عبارات شیخ را بدون زیاده و نقصان ذکر فرموده اند و از او تفسیر واضح آن را خواسته اند تا شاید به عجز خود واقف گشته و از مخزن علم الهی استفسار نماید ولی از شدت کبر و غرور توجه نکرده و در جهل خود باقی ماند. در قسمتی از مکتوب آقا میرزا حیدر علی که در کتاب رحیق مختوم جلد اول مسطور است عبارات شیخ تفسیر شده و از آن، سنه ۱۲۶۰ که بدایت ظهور جدید است مستفاد گردیده است.

حضرت ربّ اعلیٰ در تفسیر سوره " والعصر " معانی متعدد " و " را که اولین حرف از آن سوره مبارکه است بیان فرموده آن را دلیل بر آغاز دوره جدید در امر الهی دانسته اند. و حضرت بهاء الله در کتاب مستطاب اقدس ظهور مبارک خویش را به ظهور سِرِّ التَّنَكُّسِ ... تعبیر فرموده اند. قوله تعالی:

قَدْ ظَهَرَ سِرُّ التَّنَكُّسِ لِرَمِزِ الرَّئِيسِ طُوبَى لِمَنْ أَيْدَهُ اللَّهُ عَلَى الْإِقْرَارِ بِالسُّتَةِ الَّتِي

أَرْتَفَعَتْ بِهَذِهِ الْإِلْفِ الْقَائِمَةِ إِلَّا إِتَهُ مِنَ الْمُخْلِصِينَ . كَمْ مِنْ نَابِكِ أَعْرَضَ وَ كَمْ مِنْ  
 تَارِكِ أَقْبَلَ ... كَمْ مِنْ غَافِلٍ أَقْبَلَ بِالْخُلُوصِ أَقْعَدْنَاهُ عَلَى سِرِّ الْقَبُولِ وَ كَمْ مِنْ  
 غَاقِلٍ رَجَعْنَاهُ إِلَى النَّارِ عَدْلًا مِنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا حَاكِمِينَ .

مضمون فارسی بیان مبارک :

به تحقیق ظاهر شد سرالتنکیس لرمز الرئیس . خوشا به حال کسی که خداوند او را  
 مؤید فرمود بر اقرار به "شش" که مرتفع شد به این الف قائمه . آگاه باشید  
 بدرستی که او از مخلصین است . چه بسیار زاهد که اعراض نمود و چه بسیار رها  
 کننده (\*) که اقبال کرد . چه بسیار غافل که خالصانه اقبال نمود ( لذا ) نشانندیم  
 او را بر کرسی قبول و چه بسیار غافل که راجع فرمودیم او را به آتش بخاطر  
 اینکه عدالت را مراعات ننمائیم . بدرستی که ما حاکم هستیم .

تنکیس به معنی وارونه شدن است و با توجه به مضمون بیان مبارک یک تعبیر  
 وارونه شدن به جهت اقبال و اعراض نفوس است یعنی غافلگی که اقبال فرمود از -  
 اسفل درجات به اعلی المقام واصل و عالمی که اعراض کرد از اعلی المقام به  
 اسفل درجات متواصل می گردد .

معانی متعددی از عبارت سرالتنکیس لرمز الرئیس از آیات و الواح جمال قدم و  
 حضرت عبدالبهاء ( مندرج در مائده آسمانی جلد ۱ و رحیق مختوم ) مستفاد می گردد  
 از آن جمله :

" و " در کتابت بصورت " واو " نوشته می شود و مرکب از سه حرف است " و " " الف " و  
 " و " " و " در حساب جمل برابر عدد شش است " و " اول اشاره به خلق سموات و  
 ارض به مدت شش روز و به تعبیر آخری اشاره به شش ظهور بیایی فیل از ظهور  
 حضرت رب اعلی که به اعتقاد اهل تشیع عبارتند از ظهور حضرت آدم حضرت نوح  
 حضرت ابراهیم حضرت موسی حضرت عیسی و حضرت محمد " ص " می باشد . و کور توحید  
 را شامل می شود . الف ، الف قائمه است و از آن به ظهور حضرت رب اعلی تعبیر  
 فرمودند " و " دوّم نیز برابر عدد شش است و کنایه از ظهور ( رئیس ) یا حضرت  
 بهاء الله است که به لحاظ عظمت و قدرت ، با کلیه ظهورات قبلیه برابری  
 می نماید .

در لوحی از قلم جمال قدم جل جلاله نازل قوله تعالی :

اینکه سوءال نمودی از سرالتنکیس لرمز الرئیس در اول ظهور ملاحظه نما شیخ  
 محمد حسن نجفی که قطب علماء ایران بود و سایر علمای نجف در ارض طف و بلاد

(\*) تارک : در این مقام کسانی که ظاهراً بی دین و ترک کننده شریعت محسوب می شوند .



ایران بعد از ارتفاع کلمه و اظهار امر کل محبوب و ممنوع مشاهده گشتند. از بحر بیان رحمن محروم و از آفتاب دانش بی خیر بلکه بر منابر به سب و لعن مشغول. جوهر وجودی را که در قرون و اعصار لقایش را سائل و آمل بودند و عند ذکر اسمش عَجَلَ اللَّهُ فَرَجَهُ می گفتند رَدِّش نمودند و بالاخره بر سَفْکِ دَمِ أَطْهَرِش فتوی دادند و لکن نفوسی از عوام اقبال نمودند و از بحر علم الهی نوشیدند و به افق اعلی راه یافتند و در یوم ارتفاع صریح قلم اعلی به کلمه لبیک فائز گشتند. کذلک جَعَلْنَا أَعْزَمَهُمْ أَفْضَلَهُمْ وَ أَسْفَلَهُمْ أَعْلَاهُمْ. این است سر تنکیس لرمز الرئیس.

و حضرت عبدالبهاء ارواحنا له الفداء می فرمایند:

... این دو معنی دارد یکی سرنگونی یعنی انقلاب عظیم حاصل می شود اَعْلَاكُمْ اَدْنَاكُمْ می شود و معنی ثانی مقصد تغییر شدید است یعنی جمیع آثار و احکام و وقایع از انقلاب و نسخ و تبدیل و تغییر و وقایع عظیمه که در ظهور قبل گردید دوباره عود می نماید ... (نقل به اختصار از کتاب رَحِیقِ مَخْتومِها پاره ای اضافات)

سَعْدِ اَئِنَّ مَعَاذِ: یا سعد معاذ از بزرگان قبیله اوس بود و اسلام آورد و در غزوات بدر و اُحُد شجاعتها نمود و در غزوه خندق مجروح شد و مدتی بعد در سن ۳۷ سالگی درگذشت.

سُلْطَانُ الشَّهَادَةِ: لقب جناب میرزا محمد حسن اصفهانی که با برادرشان میرزا محمد حسین محبوب الشهداء در اصفهان به شهادت رسیدند.

سُلیمان خان افشار: از طلبه حضرت سید کاظم بود و در زمان ظهور حضرت ربّ اعلی توقیعی بوسیله ملا اسکندر دریافت نمود ولی موء من نشد و در جرگه اهل اعراض درآمد و سرانجام در واقعه قلعه زنجان کشته شد.

سنه ستین: منظور سال ۶۰ یعنی ۱۲۶۰ هجری قمری است که سال ظهور حضرت ربّ اعلی بود.

سنه شداد: در مقامی اشاره به سال صعود جمال قدم است که در ۱۳۰۹ هجری واقع شد.

زیرا "شداد" به حساب اَبجد می شود: (ش = ۳۰۰) + (د = ۴) + (ا = ۱) +

(د = ۴) = ۳۰۹. لازم به توضیح است که اعراب، برای هر یک از حروف الفبا، به شرح زیر عددی قائل شده اند که به آن حساب اَبجد یا حساب جَمَل می گویند،

ا = ۱    ب = ۲    ج = ۳    د = ۴    ه = ۵    و = ۶    ز = ۷    ح = ۸    ط = ۹    ی = ۱۰

ک = ۲۰    ل = ۳۰    م = ۴۰    ن = ۵۰    س = ۶۰    ع = ۷۰    ف = ۸۰    ص = ۹۰    ق = ۱۰۰

ر = ۲۰۰    ش = ۳۰۰    ت = ۴۰۰    ث = ۵۰۰    خ = ۶۰۰    ذ = ۷۰۰    ض = ۸۰۰

ظ = ۹۰۰ غ = ۱۰۰۰ که از ۲۸ حرف ۸ کلمه مصنوعی و بدون معنی ساختند که اینطور تلفظ می شود: اَبَجَد - هُوَ - حَطَى - كَلِمَن - سَعَفَص - قَرَشَت - نَخَذ - فَطَغ  
سید محمد مشهور: مقصود سید محمد اصفهانی، ملقب به دجال دور بهائی است. وی در مدینه صدر اصفهان درس می خواند و بایی شد و بعد متزلزل گردید و چون بسیار حسود و مبغض و بد طبیعت بود، از همان ابتدا بر عظمت حضرت بهاء الله رشک برد و به اغوای یحیی ازل پرداخت و در بغداد و ادرنه و عکا فتنه ای نهاد که ایجاد ننمود و خیانت و خیانت و تحریک و دسیسه ای نهاد که انجام نداد. وی در عکا مقتول شد.

شهید ثالث: نزد شیعه امامیه اشنی عشریه به چند نفر اطلاق گردیده است که متأخر آنها ملا محمد تقی برغانی عمو و پدر شوهر حضرت ظاهره است و بعضی به قاضی نورالدین اطلاق کرده اند.

شیخیه: شیخ احمد احسایی در چند مساله با علمای شیعه مخالفت داشت. از جمله آنکه دین را بر چهار رکن نهاد. رکن توحید - رکن نبوت - رکن امامت - رکن شیعه کامل - و مقصود از "شیعه کامل" فرد کاملی است که در دوران غیبت امام معصوم رابط بین خلق و امام باشد. به شیعه کامل، "باب" هم می گفتند و شیخیه شیخ احمد احسایی را باب اول و سید کاظم رشتی را باب ثانی تعبیر می کنند.

صدرا: ملا صدرا: ملا صدرالدین محمد ابراهیم شیرازی در فلسفه شاگرد محمد باقر میرداماد و در فقه و اصول و حدیث شاگرد شیخ بهائی عاملی بود که در زمان شاه عباس می زیست. "در نیمه اول قرن یازده هجری" فلسفه اش مخرج و منتجی از فلسفه مشاء و اشراق و تصوف است. کتب مهمی از وی به یادگار مانده است مانند اسفار اربعه، عرشیه - شرح کافی حاشیه بر الهیات شفاء و برحمة الاشراف ظَلُّ السَّلْطَان: مسعود میرزا پسر ناصرالدین شاه است که مدتی هم حاکم اصفهان بود و به دستور و تصویب او حضرات نورین شیرین و حضرت ملا کاظم طالخونچه ای در اصفهان شهید شدند. حضرت بهاء الله در حق او می فرمایند قوله الحق: در جمیع دنیا در شقاوت و نفاق مثل و شبیه نداشته و ندارد. انتهای وی از طرف ناصرالدین شاه به لقب ظَلُّ السَّلْطَان ملقب گردید و از طرف خدا به ظَلُّ زَائِل.

عرفات: نام محلی است تقریباً در ۲۰ کیلومتری شرق مکه که حجاج در روز نهم ذیحجه در آن محل بر بالا و دامنه تپه ای به همین نام توقف می کنند و به خطبه حج گوش می دهند. اسم این تپه عرفه یا جبل الرحمه است.

عمارت خورشید: عمارت صدر از بناهای حاجی محمد حسین خان صدر اصفهانی است. در -

مشرق عمارت چهل ستون که آن را دیوانخانه صدر و عمارت خورشید می گفتند .  
قره کهر: نام زنجیری است که در سیاه چال طهران بر گردن مبارک حضرت بهاء الله و هم سجنی های آن حضرت گذاشته بودند . این زنجیر آنقدر سنگین بود " حدود ۵۰ کیلو " که سر و شانه ها را خم می نمود و در حال نشسته چانه را به زانو می رسانید و دو شاخه ای زیر آن قرار می دادند تا قامت را بتوان راست نمود ... اثر این زنجیر تا آخر الحیات در وجود مبارک باقی بود .

قریه قهرود: قهرود یا کهرود از قریه های آباد نزدیک به کاشان و در چند فرسنگی آن شهر قرار گرفته و سد آن که در زمان سلطنت شاه عباس کبیر بوجود آمده و از آثار عمرانی و جالب آن ایام محسوب گردیده در دوازده کیلومتری قریه مزبور واقع و مورد استفاده است .

قصیده عز ورفا: از آثار مبارکه حضرت بهاء الله است که به درخواست علمای سلیمانیه به سبک قصیده تائیه کبرای ابن فارض در دو هزار بیت در سلیمانیه به نظم آوردند و ۲۱۷ بیت آن را که معانی در حد فهم و استعداد قوم بسود اجازه استنساخ عطا فرمودند که موجود و منتشر است .

کلمات مکنونه: از جواهر شمینه خزانه الهی است که در دو قسمت عربی و فارسی از قلم اعلی در بغداد در سال ۱۲۷۴ ه ق ۱۸۵۸ میلادی نازل گردیده است . قسمت عربی یک مقدمه و ۷۱ قطعه دارد که هر کدام لوه لوه لالا است و قسمت فارسی ۸۲ قطعه و یک موه خره که هر کدام گوهری بی همتاست . کلمات مکنونه یا صحیفه مکنونه اوایل به صحیفه فاطمیه مشهور بود . اطلاق اسم کلمات مکنونه هم از حضرت بهاء الله است . طبق روایات اسلامی در شعبه جبرئیل امین بعد از رحلت حضرت رسول آیتی بر حضرت فاطمه القاء فرمود تا قلب پر حرقت ایشان از فرقت پسر عظیم الشان تسلی یابد . آن آیات که حضرت فاطمه به حضرت علی نیز تقریر فرمودند صحیفه فاطمیه نام دارد و شیعه اثنی عشری را انتظار چنان است که حضرت موعود صحیفه فاطمیه بیاورد .

محبوب الشهداء: لقب جناب آقا میرزا محمد حسین اصفهانی که با برادر بزرگترشان جناب آقا محمد حسن سلطان الشهداء در اصفهان به شهادت کبری فائز شدند . لقب محبوب الشهداء به جناب آقا سید اسماعیل زواره ای که به دست خود خویشتن را فدا نمودند نیز اطلاق شده است .

مسجد ایلخانی: از بناهای مرحوم جانی خانی فرزند اسمعیل خان قشقایی رئیس ایل قشقایی بود که بعد از بدر حکومت موروثی ایل قشقایی را داشته و ایلخانی بوده

است و این مسجد را در جوار منزل خود در محله میدان شاه در سال هزار و دو بیست و بیست و اند ساخته و خود او در سال ۱۲۳۹ فوت نموده است .

مسجد عتیق : از بناهای عمر و لیث صفاری است و در قرن سوم اسلامی در سال ۲۸۱ <sup>خسته</sup> ساخته

شده . بنای عمارت بَيْتِ الْمُصْحَفِ که در وسط مسجد قرار گرفته از بناهای شاه شیخ ابواسحق پسر شاه محمد اینجوی پادشاه کشور فارس است از سلسله آل اینجو که در سال ۷۵۲ هجری مطابق با ۱۳۵۱ میلادی به اتمام رسیده و در سال ۱۰۹۲ امام وردی این مسجد را تعمیر نموده است .

حضرت ربّ اعلی در باب ۱۶ از واحد چهارم کتاب بیان می فرمایند :

و در ارضنا " فارس " مسجدی است که در وسط آن بنای مثال کعبه شده . وضع این نشده ... إِلَّا أَنكَ آيَاتُ اللَّهِ بِأَنَّكَ لَإِنْ كُنْتَ تَرَىٰ فِيهَا مَوْجِبَاتٍ أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدًا ... و در -

مظاهر آن نظر نموده که در وقت ظهور مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ از محقق بیت محتجب نگردند .

مَسْقَط : امیرنشین یا پایتخت عمان است که در جنوب شرقی شبه جزیره عربستان و بر

ساحل خلیج عمان قرار دارد . این شهر موطنی اقدام مبارک حضرت اعلی در سفر حج واقع شده است .

منوچهرخان معتمدالدوله : از امراء و حکام دوره فتحعلی شاه و محمد شاه قاجار

است او اصلاً گرجی زاده و از شاهزادگان گرجستان و در زمره اسرائی بوده است که آقا محمد خان قاجار در جنگ و هجوم به تغلیس و گرجستان با خود به ایران

آورده است و چون لیاقت و استعداد ذاتی داشت در دستگاه حکومت ترقی نموده و در ردیف خاصان و نزدیکان فتحعلی شاه قرار گرفت و مورد اعتماد بود و شغل

ایچ آقاسی که تقریباً موازی رئیس تشریفات است به عهده اش بوده در سال ۱۲۴۲

مستقلاً به حکومت گیلان منصوب شد و شخصیت او در میان حکام به عدالت گستری و

حفظ و حمایت از مظلومین شهرت تام یافت . در سال ۱۲۵۷ به حکومت اصفهان

منصوب و تا سال ۱۲۶۳ که حضرت ربّ اعلی به اصفهان ورود فرمودند در این مقام

باقی بود و در ماه ربیع الاول سال ۱۲۶۳ چنانکه حضرت ربّ اعلی پیشگویی فرموده

و او را از قرب صعودش به جهان جاودان آگاه فرموده بودند به عالم بقا شتافت .

جسد مبارک او با احترامات لازم به قم حمل شده در صحن کهنه در بقعه مخصوصی

جنب بقعه فتحعلی شاه به خاک سپرده شد . زیارت نامه ای پر افتخار و غرا از قلم

مبارک مرکز میثاق در حق منوچهر خان نازل گردیده .

معصومه : دختر حضرت امام موسی کاظم یا خواهر حضرت رضا امام هشتم می باشند که

مزارشان در قم است .



ملک قاسم میرزا : شاهزاده ملک قاسم میرزا فرزند فتحعلیشاه قاجار حکمران ارومیه والی مقتدر و شخص عالم و دانشمند جلیل القدر بود وی حضرت ربّ اعلی را با کمال احترام به عمارت دارالحکومه وارد نموده به لوازم خدمت و پذیرائی و مهمان نوازی قیام نمود و مدته روز آن حضرت در غرفه فوقانی آن عمارت عظیم و رفیع سکونت اختیار فرمود.

ملوک : سورة الملوک از مهمترین الواح نازله در ادرنه می باشد که به لسان عربی خطاب به ملوک ارض به طور عموم و سلطان عثمانی و وزرای او و نمایندگان سیاسی در دربار عثمانی و بزرگان و مشایخ قوم و فلاسفه عالم عزّ نزول یافته است .

میرزا آقاسی : یا میرزا آغاسی ملا باشی محمد میرزا مشهور به میرزا عباس است که فرزند میرزا مسلم یا میرزا سلیم " به اختلاف " ایروانی بود که صدر اعظم محمد شاه گردید و نهایت ظلم را در حق حضرت باب و مؤمنین به آن حضرت مجری داشت اما طولی نکشید که خود مورد غضب سلطان قرار گرفت و دارائیش اخذ شد و با فقر به آستانه عبدالعظیم پناه برد و بعد مخفیانه به کربلا گریخت و در آنجا به سال ۱۲۶۵ با خفت و خواری مرد .

میر سید محمد حسین : مجتهد و امام جمعه اصفهان که در قتل و غارت بهائیان مظلوم در اصفهان نام آوری نمود و از حق لقب رُقشاه " به معنی مار سمّی خوش خط و خال " دریافت نمود .

نار نمرود : نار خلیل آتشی است که بر حسب ظاهر تاریخ، نمرود برافروخت و حضرت ابراهیم را در آن آتش افکندند .

ناسخ التواریخ : نام تاریخ مفصلی است که به وسله میرزا محمد تقی مؤرخ الدوله ملقب به سپهر و لسان الملک نوشته شده . وی نهایت بغض و غرض و عداوت خود را نسبت به امراالله با تحریر مطالب مخالف حقیقت آشکار نموده که در نتیجه کتابش حالت یک ردّیه و افتراءیه را پیدا کرده است .

ناصرالدین شاه : سلطان ایران بعد از محمد شاه بود که شهادت حضرت ربّ اعلی و سجن جمال ایلی و شهادت هزاران شهید مجید از جمله حضرت بدیع به فرمان با بسه تصویب او در عصر او واقع گردید . القابش در الواح رئیس الظالمین ، سلطان الظالمین ، شهریار برکین و ناصر غدار است . در ۱۳۱۳ هجری به ضرب گلوله میرزا رضای کرمانی از اتباع سید جمال الدین افغانی مقتول و به مقرّ ابدی خویش راجع گردید .



نمیل اکبر: "فاضل قاشنی" لقب جناب ملا محمد قاشنی است که از اعظام فضلا و علما بودند و در حکمت از مکتب ملا هادی سبزواری و در فقه و اصول مجتهد اعلم از مکتب شیخ مرتضی اسفندی بودند. در بغداد به حضور مبارک مشرف گشتند و بعد به فرموده حضرت عبداللہ ما سجد دریا شد چون آمد و به مثابه نهنک دریای عشق پرخروش گشت. به تبلیغ امر اللہ در خراسان و دیگر شهرهای ایران و ترکستان پرداختند و بلائای بسیار تحمل فرمودند تا در سن ۶۴ سالگی در ۱۸۹۲ میلادی در بخارا صعود کردند. الواح مهمه‌ای به نام ایشان عَزَّ نَزول یافته است که از آن جمله لوح حکماء یا لوح حکمت است زیارتنامه‌ای فَرَا از کلک مرکز عهد ابھی در حقشان عَزَّ نَزول یافته و شرحی از احوالشان در تَذکرة الوفا مذکور است.

نعمت اللہ ولی: "۸۳۴ یا ۸۲۷ - ۷۳۰" سید نورالدین نعمت اللہ ابن عبداللہ یا شاه نعمت اللہ ولی کرمانی از شعرا و مشایخ بزرگ متصوفه است هر چند دیوان اشعارش ۱۴ هزار بیت دارد ولی شهرت وی به تصوفش می باشد. و اشعارش هم پیرامون مبادی عرفان و تصوف است. مزارش در ماهان کرمان است و پیروانش را نعمت اللہی یا نعمتی می گویند.

بید بیهوش: خداقت و مهارت. معجزه کردن در کار "به کَمَل" در لغت به معنای دست سفید و روشن و گنایه از دست حضرت موسی است که چون در بغل نمودند و بسروان آوردند سفید و نورانی شده بود. لذا مجازاً به معنی کرامت و خرق عادت و دست توانا و معجزه و قدرت نیز آمده است.

مراجع مورد استفاده در این قسمت عبارتند از:

نوزده هزار لغت - کتاب حضرت نقطه اولی - کتاب ریحیق مختوم - دوره اول جزوات معارف عمومی - کتاب اقلیم نور

---



---



---



---



---



---



---



---



---



---

مقدمه :

- ۱- چرا فقط انسان به صفت تاریخ ساز مختص گردیده است ؟
- ۲- چرا تاریخ به مفهوم کامل آن، مطالعه حیات انسان است ؟ بر این اساس تاریخ به چه معناست ؟
- ۳- چرا حضرت ولی امرالله در اکثر توقیعات خود مقدمه‌ای از تاریخ امر را ذکر می‌کنند ؟
- ۴- چرا برای شناخت بیت العدل اعظم و زمان خطیری که در آن زندگی می‌کنیم نیاز به مطالعه تاریخ امر داریم ؟
- ۵- از جمله فواید تاریخ سه مورد را بنویسید .
- ۶- حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند : " آینده مثل سابق است و ماضی آینه مستقبل " با توجه به بیان مبارک بسه نظر شما چرا باید به مطالعه تاریخ امر پرداخت ؟
- ۷- دو ویژگی که سبب شده تاریخ امر مبارک بر خلاف ادیان سالفه دچار دگرگونی و تحریف نشود را بنویسید .
- ۸- از ویژگیهای خاص تاریخ نبیل سه مورد را بنویسید .
- ۹- کدام ویژگیها در نوشتن تاریخ نبیل زرنندی، بی‌طرفی و بی‌نظری مولف را به اثبات می‌رساند ؟
- ۱۰- اجناب نبیل چند سال بعد از اظهار امر حضرت اعلی و به هدایت چه کسی ایمان آوردند ؟
- ۱۱- در مورد ایمان اولاد قاجار حضرت بهاءالله به جناب نبیل چه فرمودند ؟ چه چیز سبب شد که این بیان را بفرمایند مصداق این بیان چگونه آشکار شد ؟
- ۱۲- به چه علت جناب نبیل دعوی مظهریت نمود و تحت تاثیر چه عاملی توبه کرد ؟
- ۱۳- در راه امر مبارک ، جناب نبیل چند بار به زندان افتادند ؟ هر بار در کجا ؟
- ۱۴- در لوح مبارک حج ، جناب نبیل به چه امری مامور گشتند ؟ در اجرای این ماموریت به چه مناطقی سفر نمودند ؟
- ۱۵- جناب نبیل در چه سالی ، چگونه و در کجا صعود کردند ؟ چگونه نحوه و سال صعود خود را حساب کردند ؟
- ۱۶- چه عواملی سبب شد که جناب نبیل زرنندی به نگارش تاریخ نبیل مشغول شوند ؟
- ۱۷- چرا مطالعه تاریخ نبیل برای شناخت حوادث و وقایع اولیه تاریخ امر کافی نیست ؟

## \* کتاب تاریخ نبیل

۱۸- به سئوالات ذیل پاسخ دهید :

- شیخ احمد در جهت تمهید سبیل برای ظهور موعود مقدس :

الف - از موطن اصلی خود به کجا رفت ؟      ب - در چه سنی به این عمل مبادرت نمود ؟

ج - در این جهت چه اقدامی کرد ؟

۱۹- در مورد شیخ احمد به سئوالات ذیل پاسخ دهید :

الف : سال وفات      ب - طول عمر

ج - واقعه مهم ایام حضور وی در طهران

د - مدفن

ه - القابی که فتحعلیشاه به او داد ؟

۲۰- در مورد شیخ احمد به سوالات ذیل پاسخ دهید:

- الف - در چه قرنی می‌زیست؟  
 ب - ظاهراً به چه قصدی از غنبات به ایران مسافرت نمود؟  
 ج - در اصل علت سفر او چه بود؟
- ۲۱ - رساله سلطانیه از تالیفات چه کسی و در جواب معضلات چه شخصی است؟
- ۲۲ - سید کاظم رشتی در کجا و در چه سنی برای اولین بار با شیخ احمد ملاقات نمود؟
- ۲۳ - شیخ احمد احساسی با دیدن چه شخصی آیه مبارکه " انا عرضنا الامانه ۰۰۰۰ " را تلاوت کرد؟ چرا؟
- ۲۴ - در مورد سید کاظم به سئوالات ذیل پاسخ دهید:
- الف - در چند سالگی قرآن را حفظ بود؟  
 ب - بر کدام سوره قرآن تفسیری نگاشت و در چه سنی؟  
 ج - چرا شاگردان دیگر شیخ احمد به سید، حسد می‌بردند؟
- ۲۵ - دو حدیث ذیل بیان کننده کدام ویژگی یوم ظهور موعود هستند؟  
 " سترون ربکم کما نزول القمر ۰۰۰۰۰۰ " " وان من اشراط الساعه ۰۰۰۰ "
- ۲۶ - به سئوالات ذیل پاسخ دهید:
- الف - هنگام سفر شیخ احمد از خراسان به طهران مصاحب ایشان چه شخصی بود؟  
 ب - در آن ایام چه نفس مقدسی متولد شد؟
- ۲۷ - شیخ احمد احساسی در اکثر مولفات خویش بخصوص شرح الزیاره ، چه موضوعاتی را مطرح نمودند؟
- ۲۸ - شیخ احمد احساسی در پاسخ نفوسی که از وفات پسرش در سال تولد حضرت اعلی اظهار تاسف می‌نمودند چه فرمودند؟
- ۲۹ - در مورد حضرت اعلی به سئوالات ذیل پاسخ دهید:
- الف - نام مبارک  
 ب - تاریخ دقیق تولد  
 ج - نام پدر  
 د - نسبت خانواده ایشان به چه کسی می‌رسید
- ۳۰ - سرحدیث " انا اصغر من ربی بسنتین " چیست؟
- ۳۱ - شیخ احمد در پاسخ فردی که از او درباره کلمه ای که موعود در هنگام ظهور بیان می‌کند و نقبای ارض از آن فرار می‌کنند سوال کرده بود چه فرمود؟ کاملاً " شرح دهید " .
- ۳۲ - بیان " یا بقیه الله قد فدیت بکلی لک و رضیت ۰۰۰ " از چه نفس مقدسی است و در چه کتابی نازل شده؟  
 منظور از بقیه الله در این بیان چه نفس مقدسی است؟
- ۳۳ - چرا شیخ احمد نمی‌خواست در ساعت ظهور امر جدید در این دنیا باشد؟
- ۳۴ - شیخ احمد در هنگام وداع آخربا سید کاظم به او چه سفارشی کردند؟
- ۳۵ - اعتقادات سید کاظم در مورد ، قیامت جسمانی، معراج جسمانی و علامات یوم ظهور چه بود؟

کتابخوانی تاریخی نبیل

هفته دوم (مقدمه راهنما)

- ۳۶- هدف جناب نبیل از تدوین این تاریخ چه بوده است؟
- ۳۷- درک جزئیات تاریخ نبیل و پی بردن به عظمت رسالت حضرت بهاء الله و حضرت اعلی با آگاهی از چه مسائلی آسان خواهد بود؟ چرا نبیل زرندی این آگاهی را به خواننده، خویش نمی دهد؟
- ۳۸- به سئوالات زیر پاسخ دهید:
- الف - در گذشته ایام تمدن ایران به چه ویژگیهای ممتازی معروف بود؟
- ب - تاریخ نویسان وضعیت ایران در قرن ۱۹ را چگونه توصیف می کنند؟
- ج - به فرموده، حضرت عبدالبهاء عوامل مؤثر در ویرانی و خرابی ایران چیست؟
- د - لرد کرزن اختیارات شاه ایران را چگونه بیان می کند؟
- ه - وی چه موانعی را سد راه اصلاحات در ایران معرفی می کند؟
- ۳۹- با وجود اینکه تقدیم تحفه و هدایا امری مطلوب و سخاوتمندانه است، چرا لرد کرزن در مورد ایرانیان از آن به زشتی یاد می کند؟
- ۴۰- مداخل (تحفه و پیشکشی) در بین کدامیک از گروههای اجتماعی در ایران مرسوم بود؟ قربانیان نهایی رواج مداخل چه کسانی بودند؟
- ۴۲- لرد کرزن کدام دو خصلت ایرانیان را در مورد زندان و مجازات نکوهش می کند؟
- ۴۲- به عقیده لرد کرزن چرا نمی توان به دولت و نظام حکومتی ایران (در قرن ۱۹) اعتماد کرد؟
- ۴۳- شیعیان و اهل سنت هر یک منتظر ظهور چه نفوس مقدسه ای در آخر زمان هستند؟ به ترتیب نام ببرید.
- ۴۴- مقصود از دوره هزاره موعود چیست؟ در پایان این دوره چه اتفاقی می افتد؟
- ۴۵- در خصوص واژه "باب" به سئوالات زیر پاسخ دهید.
- الف - "باب" از نظر شیعیان چه مفهومی دارد؟
- ب - "نواب" چه کسانی بودند و چگونه انتخاب شدند؟
- ج - چهارمین باب چه کسی بود و برای جانشینی خود چه گفت؟
- ۴۶- سوء تفاهم برخی از مسلمانان در خصوص مفهوم "باب" در ارتباط با حضرت اعلی چه بود؟
- ۴۷- چه شباهتهایی بین علت انکار و آزار حضرت اعلی و حضرت مسیح توسط علماء وجود دازد؟
- ۴۸- در خصوص ملاقات دکتر کورمیک با حضرت اعلی به این سئوالات پاسخ دهید:
- الف - ملاقات این فرد با حضرت اعلی چه اهمیتی دارد؟
- ب - به چه منظوری دکتر مزبور به دیدن حضرت اعلی رفت؟
- ج - چه زمانی حضرت اعلی برای صحبت با دکتر ابراز رغبت نمود؟
- د - حضرت اعلی در خصوص ایمان اروپائیان چه فرمودند؟



هـ- دکتر کورمیک دربارهٔ نظر دیانت بابی نسبت به مسیحیان و زنان چه می‌نویسد؟

۴۹- چرا علمای روحانی نمی‌توانستند به سادگی دست آویزی برای به قتل رساندن حضرت اعلیٰ به دست آورند؟

۵۰- دستاویز ایرانیان جهت آزار و قتل و غارت بابیان چه اموری بود؟

۵۱- بابیان چگونه ثابت نمودند انگیزه‌های سیاسی که به آنها نسبت داده‌اند، خلاف حقیقت است؟

۵۲- چرا بابیان در مقابل هجوم قوای دولتی، به دفاع برخاستند؟

۵۳- حضرت بهاء‌الله در مورد عکس العمل و مقابله با حملات معاندین چه تعلیمی دادند؟

۵۴- درباره اقدام سید کاظم رشتی جهت جلب مساعدت علمای ایران به سئوالات زیر پاسخ دهید:

الف - چرا سید کاظم به این امر اقدام نمود؟

ب - نام تنهاد او و طلب این ملاقات چه بود و سید به او چه گفت؟

ج - چه نفسی را ماء مور این ملاقاتها نمود؟

د - پیام سید کاظم برای سید محمد باقر رشتی چه بود؟

ه - چرا سید محمد باقر رشتی دست از حمایت شیخ کشیده بود؟

و - نتیجه ملاقات سید محمد باقر رشتی چه شد؟

ز - آیا سید محمد باقر با امر حضرت باب آشنا شد؟ چرا؟

۵۵ - سید کاظم در چه شهری به حضور حضرت رب اعلی مشرف شد؟ در این تشریف چه کسی با سید کاظم همراه بود؟

۵۶ - در تشریف سید کاظم به محضر حضرت رب اعلی بروز چه عملی از سوی سید کاظم سبب تحیر شیخ حسن

زنوزی شد؟ از این عمل چه نتیجه‌ای می‌توان گرفت؟

۵۷ - سید کاظم رشتی چه دلائلی برای عدم ذکر نام موعود مطرح می‌کرد؟

الف - در مدت سجن ماکو چند دوره تفسیر قرآن کریم از لسان مبارک حضرت رب اعلی جاری شد؟

ب - این تفاسیر را حضرت اعلی به چه منظوری به سید ابراهیم خلیل سپردند؟

ج - سرنوشت این تفاسیر چه شد؟

۵۸ - درباره شیخ حسن زنوزی به این سئوالات پاسخ دهید:

الف - جناب سید کاظم چه بشارتی به او فرمودند؟

ب - عنایتی که به صرف فضل از طرف حضرت اعلی برای ایشان مقرر شده، چه بود؟

ج - این بشارت چگونه و در چه سالی تحقق یافت؟

د - سفر شیخ حسن به کربلا مقارن چه واقعه‌ای بود؟

۵۹ - نام دو اثر از سید کاظم که در آنها اسم مبارک حضرت بهاء‌الله به کنایه و اشاره ذکر شده چیست؟

۶۰ - سید کاظم در آخرین رساله خود از حضرت اعلی با چه لقبی یاد کرده است؟

۶۱ - چه واقعه‌ای باعث شد مخالفین سید کاظم به عظمت مقام او پی ببرند، مختصراً " بنویسید."

۶۲ - سید کاظم در خصوص نسب و نژاد قائم، محل ظهور، صفات ظاهری ایشان و علم آنحضرت چه می‌فرمودند؟

۶۳ - بیان ذیل از سید کاظم رشتی درباره، کیست؟

" با بعضی از اشخاص بی دین همدست شده تا چون من از این عالم بروم زمام ریاست را بدست گیرد."

۶۴ - مضمون بیان سید کاظم را در مورد دو ظهور پی در پی بنویسید.

۶۵ - در خصوص وفات سید کاظم رشتی به این سئوالات پاسخ دهید:

الف - سید کاظم چگونه و در کجا از زمان وفات خود مطلع شد؟

ب - سید کاظم در برابر همراهان خود که از وعده وفات سید غمگین شده بودند چه گفت؟

ج - سید کاظم در چه سنی و در چه سنه‌ای وفات نمود و قبر منورش در کجا واقع است؟

کتابخوانی تاریخ نبیل

هفته سوم

۶۶- آیه مبارکه " لایمسننا فیها نصب و لالغوب " در وصف چه آمده است و جناب ملاحسین چه کیفیتی را مشابه آن می دانند؟

۶۷- وقتی جناب ملاحسین در مورد آخرین نصایح استاد از شاگردان سوءال نمودند، ایشان چه پاسخی دادند؟

۶۸- شاگردان سید کاظم به جناب ملاحسین گفتند اگر خود را موعود معرفی کنی بی درنگ ادعای تورا قبول می کنیم، جناب ملاحسین چه پاسخی فرمودند؟

۶۹- وقتی جناب ملاحسین از میرزا حسن گوهر و میرزا محیط کرمانی شاگردان سید کاظم رشتی خواستند که به جستجوی موعود بروند عکس العمل آنان چه بود؟ چه گفتند؟

۷۰- این آیه مبارکه از کیست و منظورا ز آن چیست؟ " و فی سنه الستین یظهر امره و یعلو ذکره "

۷۱- محیی الدین عربی چگونه به اسم قائم موعود و سال ظهور آن بزرگوار اشاره فرموده؟

۷۲- در مورد اولین ملاقات جناب ملاحسین با حضرت اعلی به این سئوالات پاسخ دهید:

الف - رفتار حضرت اعلی در اولین برخورد با جناب ملاحسین چگونه بود؟

ب- در حین ورود، حضرت اعلی چه آیه ای را تلاوت نمودند؟ چرا جناب ملاحسین آن را به فال نیک گرفتند؟

ج - هنگامی که جناب ملاحسین اجازه مرخصی خواستند و گفتند همراهان منتظر ایشان هستند حضرت اعلی چه فرمودند؟

۷۳- به سئوالات زیر پاسخ دهید:

الف - جناب ملاحسین چه اوصاف و امتیازاتی را از طرف سید کاظم رشتی برای موعود ذکر کردند؟

ب - حضرت اعلی پس از شنیدن این اوصاف چه فرمودند؟

ج - جناب ملاحسین چه پاسخی دادند؟

۷۴- جناب ملاحسین چه مسائلی را دلیل صدق ادعای موعود قرار دادند؟

۷۵- چرا حضرت رب اعلی به ملاحسین فرمودند اگر میهمان من نبودی کارت بسیار سخت بود؟

۷۶- وقتی جناب ملاحسین تفسیر سوره یوسف را از سید کاظم رشتی درخواست نموده بودند ایشان چه پاسخی داده بودند؟ ( به طور کامل شرح دهید )

۷۷- در مورد شب اظهار امر حضرت اعلی به سئوالات زیر پاسخ دهید:

الف - تاریخ دقیق اظهار امر را بنویسید ( ساعت ، روز ، ماه ، سال )

ب - نام اولین سوره تفسیر یوسف که در آن شب نازل گردید چه بود؟

ج - حضرت اعلی در مورد مقام آن شب چه فرمودند؟

د - چه لقبی به خود و جناب ملاحسین اعطاء فرمودند؟

۷۸- در مورد ایمان جناب ملاعلی بسطامی به سئوالات زیر پاسخ دهید:

الف - نحوه ایمان وی را مختصراً توضیح دهید.

ب - به گفته جناب نبیل نحوه ایمان وی چه تفاوتی با نحوه ایمان جناب ملاحسین داشت؟

۷۹ - در مورد جناب قدوس به سئوالات زیر پاسخ دهید:

الف - نام ایشان چه بود؟

ب - نحوه ایمان وی را مختصراً شرح دهید

ج - در هنگام ایمان چند سال داشتند؟

د - از طرف مادر با کدام يك از ائمه نسبت داشتند؟

ه - سید کاظم رشتی درباره ایشان چه بیاناتی به شاگردان فرموده بودند؟

۸۰ - در مورد حضرت اعلی به سئوالات زیر پاسخ دهید:

الف - نام مبارکشان چه بود؟

ب - تاریخ دقیق و محل تولد ایشان چه بود؟

ج - در چند سالگی اظهار امر فرمودند؟

د - نام پدرشان چه بود؟

ه - بعد از فوت پدر چه کسی سرپرستی ایشان را به عهده گرفت؟

۸۱ - چه واقعه‌ای سبب شد که شیخ عابد به خال حضرت اعلی اظهار نماید که خود را لایق درس دادن به حضرت

اعلی نمی‌بیند؟ (توضیح دهید)

۸۲ - در مورد فرزند حضرت اعلی به سئوالات زیر پاسخ دهید:

الف - نام ایشان چه بود؟

ب - در چه سالی وفات یافتند؟

ج - مضمون مناجاتی را که به این مناسبت نازل گردید بنویسید.

۸۳ - چرا حضرت اعلی در هنگام طلوع آفتاب به قرص شمس نظر می‌فرمودند؟ مردم نادان و غافل چه برداشتی از

این امر می‌نمودند؟

۸۴ - در مورد حروف حی به سئوالات زیر پاسخ دهید:

الف - مشخصه اصلی نحوه ایمان آنان چه بود؟

ب - کدامیک از آنها به حضور حضرت باب مشرف نشد؟

ج - آخرین حرف حی که بود؟

۸۵ - در مورد جناب طاهره به سئوالات زیر پاسخ دهید:

الف - ایشان چگونه ایمان خود را اظهار نمودند؟

ب - عموی ایشان چه مقامی داشتند و در نزد شیعیان به چه نامی معروف بودند؟

ج - جناب سید کاظم رشتی چه لقبی به جناب طاهره دادند و علت این امر چه بود؟

۸۶ - وقتی حضرت اعلی جناب ملاحسین را به سمت و مسیر طهران فرستادند در مورد طهران چه فرمودند؟

۸۷ - در مورد جناب عبدالوهاب به سئوالات زیر پاسخ دهید:

الف - در اثر چه روءیایی به دنبال جناب ملاعلی بسطامی روان گردید؟



ب- چرا نتوانست با ایشان همراه شود؟

ج- وی چو چه واقعه‌ای به شهادت رسید؟

۸۸- حضرت اعلی در مورد نحوه رفتار و چگونگی انقطاع حروف حی چه بیاناتی را از حضرت مسیح خطاب به

حواریون متذکر گردیدند؟

۸۹- برطبق بیانات حضرت اعلی منظورا ز مستضعفین در آیه قرآنی " نرید ان نم علی الذین استضعفوا

فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین " حروف حی می‌باشند.

ایشان چگونه به این مقام خواهند رسید؟

۹۰- حضرت اعلی در هنگام وداع با حروف حی امر فرمودند که در هنگام تبلیغ حضرتشان را چگونه معرفی

می‌فرمایند؟

## کتابخوانی تاریخ نبیل

## هفته چهارم

- ۹۱- در هنگام سفر جناب ملاحسین به اصفهان (بعد از اظهار امر حضرت اعلی) سید اسدالله (پسر سید محمد باقر رشتی) در جواب مخالفان ملاحسین و طلاب علوم چه گفت؟
- ۹۲- در هنگام سفر جناب ملاحسین به اصفهان حاجی محمد ابراهیم کلباسی در جواب مخالفان ملاحسین بشرویه‌ای چه گفت؟
- ۹۳- اول موءمن در اصفهان چه کسی بود و در کجا به شهادت رسید؟
- ۹۴- درباره گندم پاک کن به سئوالات زیر پاسخ دهید.
- الف- نیت گندم پاک کن از اینکه غربالی به دست گرفته در میان کوچه و بازار به سرعت می‌دوید چه بود؟
- ب- وقتی خبر محصور شدن اصحاب قلعه، شیخ طبرسی به گندم پاک کن رسید او چه اقدامی کرد؟
- ۹۵- به سئوالات زیر درباره ملاصادق مقدس خراسانی پاسخ دهید:
- الف: ایشان در کدام شهر به امر مبارک ایمان آوردند ج: شرح ایمان ایشان را به اختصار بنویسید
- ب: از چه کسی بشارت یوم جدید را شنید د: لقب ایشان چیست؟
- ۹۶- اولین موءمن به حضرت باب در کاشان چه نام داشت؟ و به واسطه چه کسی موءمن شد؟
- ۹۷- به سئوالات زیر پاسخ دهید:
- الف- حضرت بهاء‌الله بعد از دریافت نامه از طرف جناب ملاحسین توسط ملامحمد معلم نوری و قرائت بعضی از جملات آن چه فرمودند؟
- ب- وقتی ملا محمد معلم پیغام و هدایای حضرت بهاء‌الله را به ملاحسین دادند ایشان چه عکس‌العملی نشان داد و چه گفت؟
- ج- وقتی که ملاحسین به جانب خراسان رهسپار شدند به ملا محمد معلم نوری چه سفارشی نمودند؟
- ۹۸- موطن اصلی حضرت بهاء‌الله کجا است؟
- ۹۹- وقتی حضرت بهاء‌الله در مجلس درس مجتهد مشور نوری (میرزا محمد تقی) با بیانی ساده شرح حدیث را مطرح کردند مجتهد چه حالتی پیدا کرد و چه گفت؟
- ۱۰۰- یکی از رویاهای صادق میرزا محمد تقی مجتهد نوری در مورد حضرت بهاء‌الله را بنویسید.
- ۱۰۱- حضرت بهاء‌الله جهت نشر امر الهی اولین بار به چه محلی مسافرت فرمودند؟ اول کسی که بر مخالفت آن حضرت قیام کرد که بود؟
- ۱۰۲- در اولین سفر حضرت بهاء‌الله به مازندران مردم انتظار داشتند حضرت بهاء‌الله درباره چه امسوری برایشان سخن بگویند و بیانات حضرت بهاء‌الله درباره چه چیز بود؟
- ۱۰۳- وقتی حضرت بهاء‌الله به نور مازندران تشریف بردند ملا محمد به فرستادگان خود جهت تحقیق چه گفت؟
- ۱۰۴- زمانی که ملاعباس و میرزا ابوالقاسم (دامادهای ملامحمد مجتهد نور) برای تحقیق به حضور حضرت بهاء‌الله رسیدند چه اتفاقی افتاد؟

- ۱۰۵ - حضرت بهاء‌الله مقصود خود از مسافرت به نور را چه بیان می‌فرمایند .
- ۱۰۶ - عکس العمل ملا محمد مجتهد نور در ابلاغ امر به او ( دعوت حضرت بهاء‌الله از وی به ظهور جدید ) چه بود ؟
- ۱۰۷ - ملاقات حضرت بهاء‌الله با درویش جوان ( مصطفی بیک سنندجی ) در سفر مازندران چه تاثیری بر او نمود ؟
- ۱۰۸ - اولین سرزمینی که قبل از سایر بلاد ایران به نور کلمه‌الله روشن شد کجا بود ؟
- ۱۰۹ - رویائی را که میرزا بزرگ وزیر در ایام طفولیت حضرت بهاء‌الله دیدند چه بود ؟
- ۱۱۰ - به سئوالات زیر پاسخ دهید :
- الف : معبر رویائی را که میرزا بزرگ وزیر در مورد حضرت بهاء‌الله دیده بودند چگونه تعبیر کرد ؟
- ب : معبر بعد از دیدن حضرت بهاء‌الله چه عکس‌العملی نشان دادند ؟
- ۱۱۱ - قبل از اظهار امر کدام صدر اعظم به حضرت بهاء‌الله نهایت احترام را مجری می‌داشت ؟ چه کسی به این سبب به ایشان حسادت می‌ورزید .
- ۱۱۲ - رفتار حاجی میرزا آقاسی در ابتداء نسبت به حضرت بهاء‌الله چگونه بود ؟
- ۱۱۳ - به چه علت میرزا آقاسی صدر اعظم به مخالفت حضرت بهاء‌الله اقدام نمود ؟ ( مختصر شرح دهید )
- ۱۱۴ - رفتار حضرت بهاء‌الله با اطرافیان ، رجال دولت و رؤسای دین و کلا " در اجتماع چگونه بود ؟
- ۱۱۵ - هر یک از مفاهیم زیر اشاره به چه مطلبی است ؟ واحد اول کل شئی
- ۱۱۶ - در هنگام اعزام حروف حجّی برای تبلیغ حضرت اعلی به ملاحسین چه دستوری دادند و شروع مسافرت حج را منوط به چه امری فرمودند ؟
- ۱۱۷ - اول کسی که در خراسان به امر اقبال نمود چه کسی بود ؟
- ۱۱۸ - میرزا محمد باقر قائمی چه خدماتی به امر مبارک انجام داد و سرانجامش چه شد ؟
- ۱۱۹ - در مورد سفر حج حضرت اعلی به این سئوالات پاسخ دهید :
- الف : همراهان مبارک در این سفر چه کسانی بودند ؟
- ب : دو اقدام مهم در جهت اعلاء امر در این سفر چه بود ؟
- ۱۲۰ - حضرت رب اعلی از چه طریق از شیراز به سمت مکه معظمه رهسپار شدند شهرهای مسیر راه را که در کتاب آمده است به ترتیب نام ببرید .
- ۱۲۱ - در سفر حضرت اعلی به مکه موقعی که عربی بیابانی خرجین محتوی آیات الهیه را ربود هیکل مبارک چه فرمودند ؟
- ۱۲۲ - در روز عید قربان حضرت اعلی چند گوسفند و به نام چه کسانی قربانی کردند ؟
- ۱۲۳ - حضرت رب اعلی در کجا ( محل دقیق ) و با چه بیاناتی حجت را بر میرزا محیط کرمانی تمام کردند ؟
- ۱۲۴ - میرزا محید بعد از اتمام حجت حضرت اعلی چه حالتی داشت و چه گفت ؟
- ۱۲۵ - جواب استله میرزا محیط کرمانی که توسط وجود مبارک عنایت شد چه نام دارد ؟

۱۲۶- میرزا محیط وقتی رساله «بین الحرمین را زیارت نمود چه عکس العمل‌هایی نشان داد؟

۱۲۷- به جز ابلاغ امر به میرزا محیط کرمانی حضرت رب اعلی در مکه به چه امری اقدام فرمودند و نتیجه چه شد؟

۱۲۸- عکس العمل شریف مکه بعد از شنیدن خبر شهادت حضرت اعلی چه بود و چه گفت؟

سئوالات کتابخوانی تاریخ نبیل

هفته پنجم

- ۱۲۹ - مدت مسافرت حضرت اعلی از بوشهر به سمت مکه معظمه و مراجعت به بوشهر چه مدت طول کشید؟ (۱۰۰ روز)
- ۱۳۰ - حضرت اعلی پس از بازگشت از حج به بوشهر چه کسی را ماءمور سفر به شیراز فرمودند؟ *جناب سید علی*
- ۱۳۱ - حضرت اعلی موقع توزیع جناب قدوس در بوشهر چه وعده‌هایی به ایشان فرمودند؟ (ذکر سه مورد کافی است)
- ۱۳۲ - جناب سید علی خال اعظم توسط چه کسی به امر مبارک موءمن شد؟ *جناب قدوس*
- ۱۳۳ - اول کسی که بعد از حروف حی در شیراز به امر الهی اقبال کرد که بود؟ *جناب سید علی خال اعظم*
- ۱۳۴ - درباره جناب ملاصادق خراسانی به سئوالات ذیل پاسخ دهید:
- الف - ایشان در کجا به امر مبارک موءمن گردیدند؟ *سبز*
- ب - به چه لقبی ملقب شدند؟ *اسم الله الاصدق*
- ج - جناب قدوس چه رساله‌ای را به ایشان دادند و در مورد رساله به وی چه فرمودند؟ *مضامین نبی*
- ۱۳۵ - اسم الله الاقدس توسط جناب قدوس با چه رساله‌ای از جانب حضرت اعلی آشنا گردید و کدامیک از اوامر موجود آنرا به اجرا در آورد؟ عکس العمل علما در قبال اقدام اسم الله الاقدس چه بود؟ *مضامین نبی*
- ۱۳۶ - علت دستگیری جناب قدوس و ملا صادق خراسانی در شیراز چه بود؟ با ایشان چگونه رفتار شد؟
- ۱۳۷ - حسین خان حاکم شیراز بعد از دستگیری جناب قدوس و ملا صادق چه ایرادی بر کتاب قیوم الاسماء گرفت؟ پاسخ ملا صادق چه بود؟
- ۱۳۸ - اولین شهید امر در عهد اعلی چه نفسی بود؟ *جناب ملاصدق سبطی*
- ۱۳۹ - سه نمونه از اقدامات حسین خان را بر علیه امر الهی بیان کنید؟ *بیانیه در عهد قدوس و ملاصادق سوادانی - زندان نامحدود - راه دستگیری حضرت اعلی - زندان بی‌بهره حضرت اعلی*
- ۱۴۰ - نام حاکم فارس در زمان حضرت اعلی چه بود؟ در دارالحکومه چه رفتاری با حضرت اعلی داشت؟ *مستان ایرانی*
- ۱۴۱ - در مورد ماءموریت ماموران حسین خان در راه بوشهر جهت دستگیری حضرت اعلی به سئوالات ذیل پاسخ دهید:
- الف - نحوه ملاقات حضرت اعلی با ماءمورین را بنویسید؟
- ب - نهایتاً " بر اثر چه بیاناتی مامورین حسین خان راضی شدند ایشان را به مقر حکومت ببرند؟
- ۱۴۲ - در مورد واقعه مسجد وکیل به سئوالات ذیل پاسخ دهید:
- الف - هدف امام جمعه از دعوت حضرت اعلی به مسجد وکیل چه بود؟
- ب - مفسدین از امام جمعه چه چیزی تقاضا کردند؟
- ج - امام جمعه جهت حفظ حضرت اعلی از شر مفسدین قبل از روز موعود (واقعه مسجد وکیل) چه اقدامی نمودند؟
- د - بیانات حضرت اعلی را در مسجد وکیل بطور مختصر بنویسید؟
- ۱۴۳ - نام دو تن از افرادی که بیانات حضرت اعلی در مسجد باعث ایمان و انجذاب آنان به امر الهی شد را نام ببرید: *محمد کریم نایب - میرزا آقایی باب سار سار زوی*



۱۴۴ - در مورد مجلس حسین خان در فارس به این سئوالات پاسخ دهید:

الف - حسین خان بعد از شنیدن آیه " ان جائکم فاسق " از حضرت اعلی با ایشان چگونه رفتار نمود؟

ب - شیخ ابوتراب چگونه از آن حضرت دفاع نمود؟

ج - چه کسی در آن مجلس ضامن حضرت اعلی شد؟ *حاجی میرزا ابوالحسن خاں لرد*

۱۴۵ - آیه مبارک " ان جائکم فاسق بنباء فتبینوا ان تصیبوا قوما بجهاله فتصبحوا علی ما فعلتم نادمین " مسلمین را بر انجام چه امری ملزم می نماید؟ *کت و حکم و دفع در مورد حضرت علی و سید را می نفعی را ای را عابد*

۱۴۶ - وصول توقیع منیعی از حضرت اعلی مبنی بر اینکه تشریف آن حضرت به عتبات ممکن نیست چه اثراتی برای مؤمنین در پی داشت توضیح دهید؟ کسانی که در عتبات حاضر بودند بدستور حضرت بکدام شهر توجه نمودند؟ *اصهبان*

۱۴۷ - نام دو نفر از افرادی که در بدو امر از جرگه اهل ایمان طرد گردیدند را بنویسید؟ علت طردشان چه بود؟

حضرت اعلی آنان را به چه تشبیه فرمودند؟ *ملاحی در مقامی و ملا عبدالعلی حرانی*

۱۴۸ - " اللهم العن الجبت و الطاغوت " در حق چه کسانی صادر شد؟ *ملاحی در مقامی و ملا عبدالعلی حرانی*

۱۴۹ - در مورد ملا عبدالکریم قزوینی به سئوالات ذیل پاسخ دهید:

الف - در کجابه محضر حضرت باب مشرف شد؟ *در منزل جناب خاں لرد*

ب - خطاب حضرت اعلی به ایشان چه بود؟ این خطاب یادآور چه خاطره ای در ذهن عبدالکریم بود؟

د - در کجا توسط چه کسی از امر الهی مطلع شد؟ *در راه در نزد ملا محمد محمد علی نوری* (نکر مضمون کافی است)

ه - حضرت اعلی بعد از پراکنده کردن اصحاب به چه منظوری ملا عبدالکریم را در شیراز نگهداشت؟

۱۵۰ - درباره سید اسمعیل زواره ای به این سئوالات پاسخ دهید: *برای استفسار آیت*

الف - لقبشان چه بود؟ *دیح* ب - مبلغ کدامیک از قدمای امر بود؟ *نیل* ج - عاقبتش چه شد؟ *در بغداد حضور داشت*

۱۵۱ - با ورود جناب ملاحسین به شیراز پس از اظهار امر و برخاستن آشوب و غوغای جدید حضرت اعلی چه *از الله غفور*

دستوری صادر فرمودند؟ نتیجه این دستور چه شد؟

۱۵۲ - در مورد جناب سید یحیی دارابی به سئوالات ذیل پاسخ دهید:

الف - سید یحیی قبل از تشریف به محضر حضرت اعلی جهت تصدیق ادعای آن حضرت چه تصمیمی گرفته

بود؟

ب - نصائح ملا شیخ علی عظیم به جناب یحیی دارابی قبل از تشریف ایشان به حضور حضرت اعلی چه بود؟

ج - سید یحیی دارابی تا مرحله ایمان چند بار با حضرت اعلی ملاقات کرد؟ *سه بار*

د - قلبا تفسیر چه سوره ای را رجا نمود؟ *سوره کوثر*

ه - قبل از شروع به تفسیر حضرت اعلی خطاب به او چه فرمودند؟

۱۵۳ - جناب سید یحیی دارابی جلسه سوم تشریف خود را به حضور حضرت اعلی چگونه توضیح دادند؟

۱۵۴- تفسیر سوره کوثر به چه مناسبت و در ظرف چه زمانی از قلم حضرت رب اعلی نازل شده است؟ استنساخ آن چه مدت بطول انجامید؟

۱۵۵- محمد شاه در جواب سعایت حسین خان حاکم فارس از جناب سید یحیی دارابی چه جوابی داد؟

۱۵۶- حضرت اعلی پس از ایمان آوردن سید یحیی دارابی چه ماء موریتی به وی دادند به او چه توصیه‌ای فرمودند؟

۱۵۷- در مورد جناب ملامحمد زنجانی به سئوالات ذیل پاسخ دهید:

الف - نظر ایشان قبل از ایمان به امر در مورد علما چه بود؟

ب - ملا اسکندر از جانب ایشان چه ماء موریتی داشت و نتیجه این ماء موریت چه شد؟

ج - ایشان بعد از تلاوت آیات کدامیک از آثار حضرت اعلی به عظمت مقام آن حضرت معترف شدند؟ *سوره بقره، سوره یوسف*

د - از طرف حضرت اعلی به چه لقبی ملقب شد؟ *محمد*

۱۵۸- جناب حجت پس از زیارت آیات مبارکه قیوم الاسماء چه عکس العملی نشان دادند؟

۱۵۹- رفتار سید جواد کربلائی با جناب قدوس در کرمان چگونه بود و چه نتیجه‌ای در پی داشت؟

۱۶۰- علت مسافرت جناب قدوس به کرمان چه بود؟ در آیین شهر چه شخصی توسط جناب قدوس مؤمن شد؟ *مسافر کرمانی، حاج میرزا جواد کرمانی*

۱۶۱- جناب کلیم جناب قدوس را با چه صفاتی توصیف فرمودند؟

۱۶۲- مضمون بیانات ملا صادق در مسجد یزد چه بود؟ عکس العمل مردم در خصوص سخنان او چه بود؟

۱۶۳- مقصود حضرت اعلی از بهترین محبوب چه نفسی است؟ چرا به شیخ سلطان وعده دیدار بهترین محبوب

را دادند؟ *حضرت کساء الع*

۱۶۴- مدتی را که میرزا احمد از غنذی خلوت گزیده بود به چه کاری مشغول بود و سرانجام این کار چه بود؟

۱۶۵- مادر حضرت اعلی به اراده چه نفسی و توسط چه کسانی به عظمت مقام فرزند خویش واقف شده و مؤمن شدند؟

۱۶۶- بعد از دستگیری حضرت باب توسط داروغه در شیراز چه حادثه‌ای باعث شد تا نیاات حاکم فارس معوق بماند؟

نتیجه چه شد؟ توضیح دهید؟

۱۶۷- جناب قدوس به زوجه پدرشان درباره جشن عروسی خودشان چه فرمودند؟ منظورشان چه بود؟

۱۶۸- حضرت اعلی بعد از احضار جناب خال اعظم به منزل داروغه چه سفارشی به ایشان فرمودند؟

۱۶۹- سرانجام حسین خان حاکم فارس چه بود؟ چه عریضه‌ای حضور حضرت بهاء الله نوشت؟

## سئالات کتابخوانی تاریخ نبیل

هفته ۰ ششم

- ۱۶۹- منوچهر خان معتمدالدوله چه کسی را ماه مور میزبانی و پذیرائی از حضرت رب اعلی نمود؟  
 اواخر سال ۱۳۴۲ هجری قمری در ماه ربیع الثانی
- ۱۷۰- الف) حضرت باب در چه تاریخی و به همراه چه کسی از شیراز به جانب اصفهان عزیمت فرمودند؟  
 ب) مدت توقف ایشان در منزل امام جمعه چقدر بود؟ محل روز  
 میر محمد حسن - لقب رفسا
- ۱۷۱- برادر سلطان العلماء (میر سید محمد) چه نام داشت و حضرت بهاء الله به چه لقبی او را ملقب فرمودند؟
- ۱۷۲- در اصفهان تفسیر چه سوره‌ای به درخواست سلطان العلماء امام جمعه نازل شد؟ او چه رفتاری با حضرت اعلی داشت؟ سوره العصر -
- ۱۷۳- حرف واو که حضرت اعلی در تفسیر سوره العصر برای آن معانی متعدد ذکر فرمودند قبلاً " در آثار چه کسی ذکر شده بود؟ این حرف از نظر حضرت اعلی دلیل بر چیست؟ حضرت بهاء الله از آن به چه چیز تعبیر فرموده‌اند؟ سخا احمد اصفهانی - دلیل بر نفاذ دوره عدل و دین الهی - سرالتئیس لرزاقی
- ۱۷۴- درباره رساله اثبات نبوت خاصه به سئالات زیر پاسخ دهید:  
 الف) در جواب چه کسی نازل شد؟ محمد الدوله حاکم اصفهان  
 ب) در کجا نازل شد؟ اصفهان  
 ج) در اثبات چه مطلبی است و در خاتمه آن به چیز اشاره شده است؟  
 د) مخاطب بعد از نزول این رساله چه گفت و چه اثری در او گذاشت؟
- ۱۷۵- به چه دلیل حاج میرزا آقاسی از احتمال سفر حضرت اعلی به طهران نگران بود؟
- ۱۷۶- به سئالات زیر پاسخ دهید:  
 الف) میرزا آقاسی در مراسله خود به امام جمعه اصفهان در مورد رفتارش با حضرت اعلی چه مطالبی نگاشت؟  
 ب) عکس العمل معتمدالدوله پس از اطلاع از این نامه و نامه‌های مشابه چه بود؟
- ۱۷۷- وقتی معتمدالدوله علمای اصفهان را به مذاکره با حضرت باب دعوت نمود به چه دلیل حاج سید اسدالله قبول نکرد؟
- ۱۷۸- در ایام اقامت حضرت اعلی در اصفهان چه وظیفه‌ای به عهده ملا محمدتقی هراتی گذاشته شده بود؟ نتیجه کاری که به عهده گرفته بود و عاقبت حال خودش چه شد؟
- ۱۷۹- درباره میرزا محمد علی نهری به پرسش‌های زیر پاسخ دهید:  
 الف) ایشان ساکن چه شهری بودند؟ اصفهان  
 ب) در اثر چه معجزه‌ای دارای فرزند شدند؟  
 ج) دختر ایشان بعداً به چه افتخاری نائل آمدند؟ حرم حضرت عبدالکامال گردید  
 د) سلطان الشهداء و محبوب الشهداء چه نسبتی با ایشان داشتند؟ فرزندان برادرش میرزا ابراهیم بودند
- ۱۸۰- بعد از اینکه علمای اصفهان فتوای قتل حضرت باب را نوشتند امام جمعه چه فتوایی داد؟ دلیل این کار امام جمعه چه بود؟

۱۸۱- پس از فتوای قتل علمای اصفهان در حق حضرت اعلی، معتمدالدوله جهت حفظ جان ایشان چه اقدامی کرد؟

۱۸۲- چند نفر از اصحاب در اصفهان از اقامت مبارک در عمارت خورشید مطلع بودند؟ نام آنها چه بود؟ و حضرت اعلی چه وظیفه‌ای به آنها محول فرموده بودند؟

۱۸۳- الف) معتمدالدوله برای نصرت امر حضرت باب چه نیتی داشت؟

ب) وقتی که نیت خود را حضور حضرت باب عرض کرد چه فرمودند؟

ج) معتمدالدوله در وصیت نامه خود در مورد اموالش چه تصمیمی گرفت؟ *تمام دارائی را در راه حضرت اعلی بخشید*

۱۸۴- حضرت اعلی در پاسخ به این مطلب معتمدالدوله که می‌گفت "بی اندازه محزون و اندوهگین هستم که پس از وفاتم گرگین خان که شخص خونخوار بی‌حقیقت است بوجود شما در این منزل پی خواهد برد و به اذیت و آزار شما اقدام خواهد کرد" چه فرمودند؟

۱۸۵- گرگین خان بعد از وفات معتمدالدوله و اطلاع یافتن از جریان توقف حضرت باب در عمارت خورشید چه کرد و نتیجه اقدام وی چه شد؟

۱۸۶- درباره سفر حضرت اعلی به کاشان به سئوالات زیر پاسخ دهید:

الف) هیکل مبارک در کاشان در منزل چه کسی وارد شدند؟ *حاجی میرزا جانی صرف به شیراز*

ب) زمانیکه ایشان به کاشان وارد شدند مقارن چه ایامی بود؟ *عید نوروز*

ج) مدت اقامت مبارک در کاشان چند شب بود؟ *سه شب*

۱۸۷- حضرت باب هنگام ورود به کاشان توسط چه شخصی مورد استقبال قرار گرفتند؟ وی چگونه از ورود ایشان به کاشان اطلاع حاصل نمود؟ مختصراً توضیح دهید.

۱۸۸- حاجی میرزا جانی در کاشان از حضرت اعلی درخواست نمود اجازه دهند مخارج مدت اقامت سواران را به آنها بدهند پاسخ حضرت اعلی و استدلال مبارک چه بود؟

۱۸۹- چرا حکومت امر کرده بود که حضرت اعلی وارد قم نشوند؟

۱۹۰- مسیر حرکت حضرت اعلی را از شیراز تا قریه کلین بنویسید (نام همه شهرها و قریه‌ها که توقف فرموده ویا از آن عبور کرده‌اند و در کتاب ذکر شده مورد نظر است) *شیراز - اصفهان - کاشان - قریه محمود - قلعه سارنگ - قریه کلین*

۱۹۱- در قریه کنار گرد مکتوبی از میرزا آقاسی صدر اعظم واصل شد.

الف) این مکتوب خطاب به چه کسی بود؟ *محمد رفیع حاجی*

ب) در این مکتوب چه فرمانی صادر شده بود؟

۱۹۲- سال ورود حضرت اعلی را به قریه کلین و مدت اقامت مبارک را در آن بنویسید. *۱۲۴۳ هجری قمری - ۱۱ ماه ۱۳ روز*

۱۹۳- در قریه کلین نامه‌ای از جانب حضرت بهاء‌الله به حضرت اعلی رسید حاملین نامه چه کسانی بودند؟ *۱۱ ماه ۱۳ روز خوبی*

سرور فراوانی که در نتیجه وصول نامه برای هیکل مبارک حاصل شد به گفته جناب نبیل تا کی ادامه

یافت؟ *تا وقتیکه خبر وفات اصحاب مله شیخ طبرسی را شنیدند*

- ۱۹۴ - دریافت چه چیزی در قریه کلین باعث سرور فراوان حضرت اعلی شد؟ *نامه حضرت کله الله*
- ۱۹۵ - *قرطین* نامه محمد شاه به حضرت اعلی در کجا بدست مبارک رسید و مضمون نامه چه بود؟ مختصراً " شرح دهید
- ۱۹۶ - چه کسی مانع ملاقات حضرت باب با محمد شاه شد؟ انگیزه این شخص از این اقدام چه بود؟ در اثر این اقدامات به چه عاقبتی دچار گشت؟ *حاج میرزا آقا سی* -
- ۱۹۷ - به سئوالات زیر در مورد حرکت حضرت اعلی از طهران به تبریز پاسخ دهید:
- الف) برای ملازمت حضور خود در این سفر چه کسانی را انتخاب فرمودند؟ *سید حسن بزرگوار و سید حسن بزرگوار*
- ب) عکس العمل مبارک در مورد وجوه دولتی که برای مصارف سفر تعیین شده بود چه بود؟
- ۱۹۸ - توقیع سلیمان خان افشار در کجا نازل شد و نحوه عمل وی در قبال دریافت توقیع چه بود؟
- ۱۹۹ - به سئوالات زیر پاسخ دهید: *قرت سیاه دهان - دعوت الی الله و توبه در حریم اهل اعراض در امر*
- الف) مومنین زنجان بر اثر پیغام جناب حجت که در آن زمان مؤلف نظر بودند برای استخلاص حضرت اعلی چه اقدامی نمودند؟
- ب) عکس العمل حضرت اعلی چه بود؟
- ۲۰۰ - افراد اردوی محمد بیک وقتی از محضر انور حضرت باب مرخص می شدند چه کردند؟
- ۲۰۱ - حاجی علی عسکر در تبریز چند بار به حضور حضرت اعلی مشرف شد و تعداد تشریف او را قبلاً چه کسی بوی نوید داده بود؟ *حفت مرتب - ملاحسین بزرگوار*
- ۲۰۲ - باسط و شدید هر کدام به ترتیب اشاره به چه محللهائی می باشد؟
- ۲۰۳ - چه خیالاتی سبب شد صدر اعظم محمدشاه (میرزا آغاسی) حضرت باب را در قلعه ماه کو محبوس سبنازد (سه دلیل)
- ۲۰۴ - حضرت اعلی برای رفع حیرت علی خان ماکوئی که ایشان را خارج قلعه در حال نماز مشاهده نموده بود، چه فرمودند؟ عکس العمل علی خان چه بود؟
- ۲۰۵ - درباره کتاب بیان فارسی به سئوالات زیر پاسخ دهید.
- الف: کجا نازل شد (ب) این کتاب حاوی چه مطالبیست
- ج) چه بشارتی در جمیع ابواب آن به چشم می خورد؟
- ۲۰۶ - درباره کتاب محرق القلوب که از تالیفات ملا مهدی نراقی است به سئوالات زیر پاسخ دهید:
- الف) این کتاب حاوی چه مطالبیست؟
- ب) در چه ایامی و در کجا به فرموده حضرت اعلی این کتاب برای ایشان تلاوت می شد.
- ج) عکس العمل حضرت اعلی بعد از استماع مطالب کتاب چه بود (شرح کامل)
- ۲۰۷ - به فرموده حضرت رب اعلی روح الهی چگونه بر قلب منیرشان تجلی فرمود؟
- ۲۰۸ - بعد از اینکه محمد شاه حضرت باب را در جهال آذربایجان محبوس ساخت طولی نکشید که نکبت و احزان از جمیع جهات او را احاطه نمود ۳ مورد از این موارد را نام ببرید.



۲۰۹۔ جناب ملا حسین وقتی خبر یافت کہ سالار قصد دارد اورا ملاقات وبہ وسیلہ اوبابہا را بہ مساعدت و کمک

بخواند چه عکس العملی نشان داد؟ چرا؟

۲۱۰۔ دربارہ سجن ماکو بہ سئوالات زیر پاسخ دهید:

الف) مدت سجن چقدر بود؟

ب) از آنجا حضرت را بہ کجا انتقال دادند؟

ج) علت انتقال حضرت اعلیٰ از ماکو چه بود؟

۲۱۱۔ در مورد سفر جناب ملا حسین بہ ماکو بہ سئوالات زیر پاسخ دهید:

الف) این سفر بہ ہمراہی چه کسی وبہ چه امکاناتی و شرایطی طی شد؟

ب) چه تاریخی بہ ماکو رسیدند. (تاریخ دقیق)

ج) شب قبل از ورود علی خان ماکوئی چه خوابی دید؟ (شرح مختصر)

- ۲۱۲- ملاقات جناب ملاحسین با حضرت بهاء الله در طهران پس از بازگشت از ماکو چه تاثری در روحیه جناب ملاحسین داشت؟
- ۲۱۳- رفتار جناب قدوس نسبت به جناب ملاحسین در بارفروش، پس از مراجعت جناب ملاحسین از ماکو چگونه بود؟
- ۲۱۴- چگونه جناب ملاحسین دریافت که دیگر در این عالم بحضور حضرت اعلی مشرف نخواهد شد و شهیدمی شود؟
- ۲۱۵- رفتار جناب ملاحسین پس از آگاهی از مقام جناب قدوس چه تغییری کرد؟
- ۲۱۶- راجع به گنج پنهانی که حضرت اعلی به جناب ملاحسین وعده فرمودند به سئوالات زیر پاسخ دهید:
- الف) در کجا این گنج پنهان را پیدا کنند؟
- ب) منظور از آن چه نفسی بود؟
- ج) جناب ملاحسین چگونه به آن پی بردند؟
- ۲۱۷- چرا ایمان جناب ملاحسین به امر مبارک از دلائل اثبات ادعای حضرت باب به شمار می آید؟
- ۲۱۸- چه مأموریتی از طرف جناب قدوس برای جناب ملاحسین در شهر بارفروش تعیین گردید و نتیجه چه شد؟
- ۲۱۹- جناب قدوس در مشهد در چه محلی سکونت فرمودند؟
- ۲۲۰- چرا مؤمنین جمیعا به سمت ارض خاوند توجه نمودند؟
- ۲۲۱- در ابتدای ظهور حضرت اعلی چه عنایتی از طرف آن حضرت باعث شد تا بر محبت و اخلاص و شجاعت حضرت طاهره بیفزاید؟
- ۲۲۲- الف) اولین شهید امر مبارک در طهران چه نفس مقدسی بود؟
- ب) بواسطه چه شخصی به امر مبارک ایمان آورد؟
- ۲۲۳- از طایفه نسوان اول کسیکه توسط حضرت طاهره در کربلا به امر مبارک مؤمن شد چه کسی بود؟
- ۲۲۴- الف) عموی حضرت طاهره چه نام داشت؟
- ب) انگیزه ملا عبدالله برای به قتل رساندن وی چه بود؟
- ج) عاقبت حال ملا عبدالله چه شد؟
- ۲۲۵- درباره اولین سجن حضرت بهاء الله در راه امر مبارک به سئوالات زیر پاسخ دهید:
- الف) این حبس در کجا بود؟
- ب) علت آن چه بود؟
- ج) با مساعدت چه شخصی آزاد شدند؟
- ۲۲۶- پس از قتل ملا تقی در قزوین برای حضرت طاهره چه اتفاقی افتاد؟
- ۲۲۷- محمد شاه در پاسخ وراثت ملا محمد تقی که خواهان قصاص قاتل وی بودند چه گفت؟
- ۲۲۸- راجع به حبس حضرت طاهره در قزوین به سئوالات زیر پاسخ دهید:
- الف) چه کسی ایشان را حبس نمود؟

ب) چه شخصی موجبات استخلاص حضرت طاهره را از محبس فراهم نمود؟

ج) بعد از آزادی به کجا تشریف بردند؟

۲۲۹- اولین بار ندای یا صاحب الزمان در ارتباط با چه واقعه‌ای به سمع مردم مشہد رسید؟

۲۳۰- راجع به دستگیری خادم جناب باب‌الباب توسط حاکم خراسان به سئوالات زیر پاسخ دهید:

الف) مقصود حاکم چه بود؟

ب) چگونه ایشان آزاد شدند؟

ج) جناب باب‌الباب بعد از آزادی ایشان به اصحاب چه فرمودند؟

۲۳۱- پس از آنکه جناب باب‌الباب درخواست شاهزاده حمزه میرزا را مبنی بر رفتن جناب ملاحسین به اردوگاه

مطرح نمود، ایشان چه بیاناتی فرمودند؟

۲۳۲- جناب قدوس پس از رفتن جناب ملاحسین به اردوگاه چه سفارشی به اصحاب فرموده و بر آن تاءکید نمودند؟

۲۳۳- در خصوص واقعه بدشت به سئوالات زیر پاسخ دهید.

الف) حضرت بهاء‌الله در بدشت چند باغ اجاره فرمودند؟

ب) هر يك برای چه کسانی بود؟

ج) عدهٔ موءمنين به چند نفر بالغ می‌شد؟

د) این عده مهمان چه شخصی بودند؟

ه) موءمنين به چه انگیزه‌ای در مخضر حضرت بهاء‌الله مجتمع شدند؟

۲۳۴- هر يك از القاب " طاهره " و " قره‌العین " را چه اشخاصی به ایشان دادند؟

۲۳۵- حضرت اعلیٰ به نفوسی که از حضرت طاهره شکایت کردند چه جوابی دادند؟

۲۳۶- در جریان واقعهٔ بدشت نفوس مقدسه ذیل به چه اسمی موسوم شدند؟

الف) جمال‌القدم

ب) آخرین حرف حی (جناب محمد علی بارفروش)

ج) قره‌العین

۲۳۷- عبدالخالق اصفهانی به چه علت در واقعهٔ بدشت گلوی خود را برید؟

۲۳۸- نظرات اصحاب در اجتماع بدشت راجع به تغییرات جدید چه بود؟

۲۳۹- از چه زمان تغییر در عبادات و عقاید اصحاب (بابیان) ایجاد شد؟

۲۴۰- در مورد بیان ذیل موارد خواسته شده را توضیح دهید:

" من هستم آن کلمه‌ای که حضرت قائم به آن تکلم خواهد فرمود و نقباء از استماع آن کلمه فرار خواهند

نمود "

الف) این بیان از کیست؟

ب) در چه زمانی عنوان شد؟

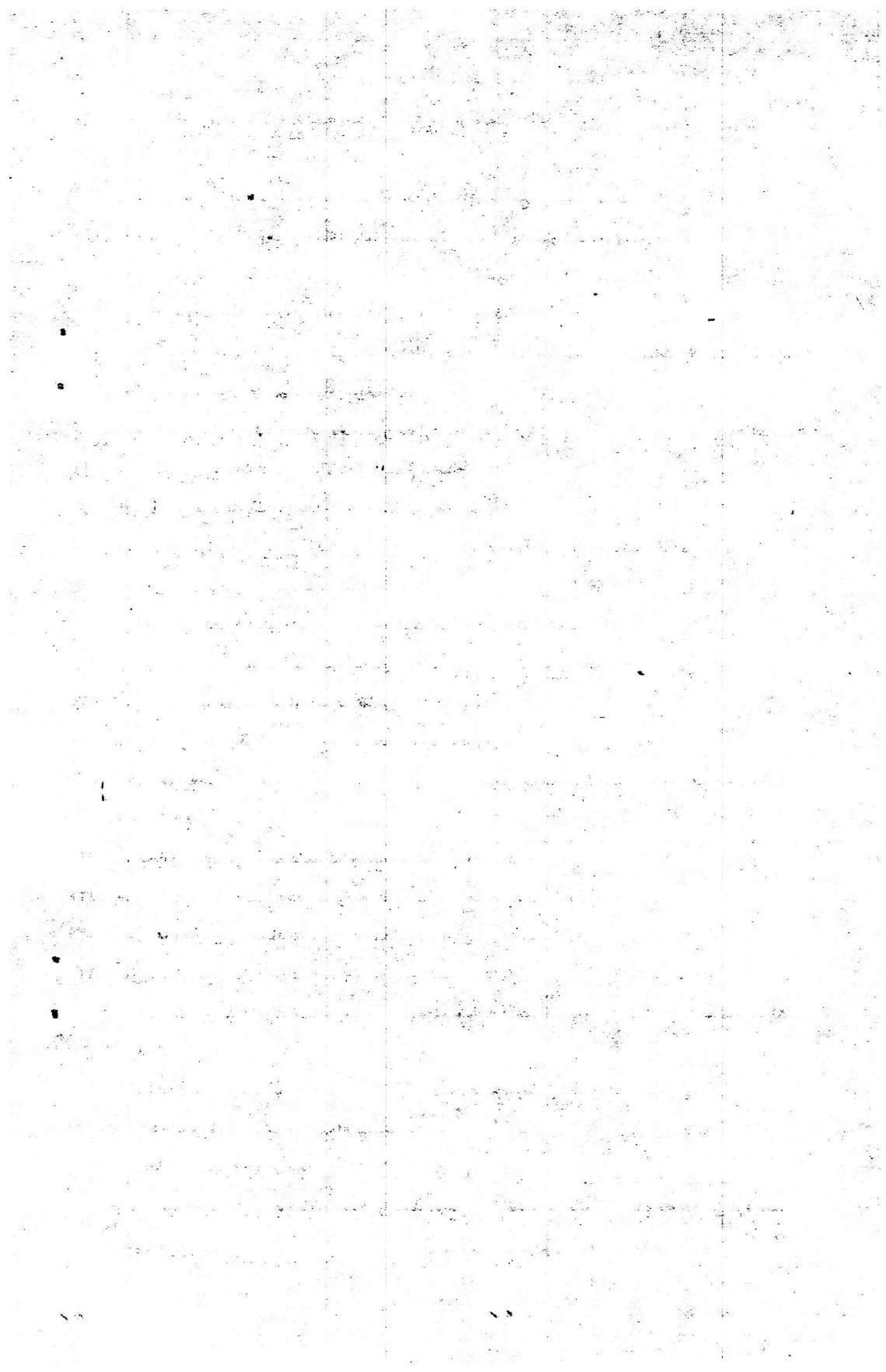
۲۴۱- الف) هدف و مقصود اصلی از اجتماع بدشت چه بود؟

ب) آیا این نتیجهٔ حصول یافت؟

۲۴۲- حضرت بهاء‌الله در واقعه نیلا به منظور حفظ نفوسی که نامشان در ذیل ذکر شده چه اقدامی فرمودند؟

الف) جناب قدوس

ب) حضرت طاهره



۲۴۵ - به سئوالات زیر پاسخ دهید:

الف - حضرت اعلی از ماکوبه چه محلی تبعید شدند؟

ب - چه کسی این حکم را صادر کرد؟

ج - ایشان را به دست چه کسی سپردند؟

۲۴۶ - میرزا آقاسی به یحیی خان کرد ( زندانبان حضرت اعلی در چهاربلیق ) چه سفارشات در مورد نحوه رفتارش

با حضرت اعلی نمود؟ مشارالیه چگونه عمل نمود؟

۲۴۷ - ارادت کاملی که اهالی چهاربلیق نسبت به حضرت رب اعلی داشتند چگونه در اعمالشان بروز می کرد؟

۲۴۸ - در مورد میرزا اسدالله دیان به سئوالات زیر پاسخ دهید:

الف - قبل از ایمان در بین ناس چه رتبه ای داشتند؟

ب - چرا هیچیک از ابناء جرئت نداشت که او را تبلیغ نمایند؟

ج - نحوه ایمان وی را شرح دهید.

د - پس از انجام چه خدمتی به لقب دیان مفتخر گردید؟

۲۴۹ - در مورد لوح حروفات به سئوالات زیر پاسخ دهید:

الف - از قلم چه نفسی و به اعزاز چه کسی نازل شده؟

ب - مخاطب لوح پس از دریافت آن چه اظهار نمود؟

ج - در این لوح به چه امری بشارت داده شده است و این بشارت در چه زمانی متحقق شد؟

د - چه کلمه ای از این لوح مانع ایمان برخی از بابیان به حضرت بهاء الله شد؟ این مانع چگونه مرتفع

گردید؟

۲۵۰ - در مورد جناب انیس به سئوالات زیر پاسخ دهید:

الف - نام ایشان چه بود؟

ب - مختصراً توضیح دهید که چگونه اندوه ایشان در حبس ناپدیری تبدیل به سرور و نشاط گردید؟

۲۵۱ - درویش قهرالله که بود؟ چگونه به امر مبارک مومنه من شد؟

۲۵۲ - در مورد ورود حضرت اعلی از چهاربلیق به ارومیه به سئوالات زیر پاسخ دهید:

الف - معجزه ای که در ارومیه اتفاق افتاد را مختصراً شرح دهید.

ب - عکس العمل مردم چگونه بود؟

ج - در اثر این امر مصداق کدام حدیث از حضرت علی محقق گردید؟ ( مضمون کافیهست )

۲۵۳ - نظر مبارک حضرت رب اعلی راجع به ایمان اغلب ساکنین ارومیه چه بود؟ ( مضمون آیه ای که تلاوت نمودند

چه بود ) این حقیقت چگونه بروز نمود؟

۲۵۴ - به سئوالات زیر پاسخ دهید:

الف - حضرت باب چه امری را به جناب عظیم اظهار فرمودند که سبب اضطراب ایشان گردید.



- ب - چه فکری باعث شد که اضطراب ایشان زائل گردد؟
- ج - وقتی جناب عظیم از حضرت اعلی طلب عفو و بخشش نمودند حضرت اعلی چه بیاناتی فرمودند؟
- ۲۵۵ - در مورد مجلس ولیعهد به سئوالات زیر پاسخ دهید:
- الف - به فرمان چه کسی تشکیل شد؟
- ب - ریاست مجلس به عهده، چه کسی بود؟
- ج - حضرت اعلی در چه محلی جلوس فرمودند؟
- د - ایشان چه حقیقتی را سه بار تکرار فرمودند؟
- ه - ایشان چه چیز را دلیل صحت ادعای خود معرفی نمودند؟
- ۲۵۶ - در مورد اعتراضات علماء در مجلس ولیعهد بر حضرت اعلی به سئوالات زیر پاسخ دهید:
- الف - حضرت اعلی در جواب اعتراض نحوی علماء چه استدلالی نمودند؟
- ب - عکس العمل نظام العلماء در مقابل اعتراضات علماء چه بود؟ (مضمون بیانات وی را بنویسید)
- ۲۵۷ - به سئوالات زیر پاسخ دهید:
- الف - در خاتمه مجلس ولیعهد چه تصمیمی اتخاذ شد؟
- ب - این حکم در کجا اجرا گردید؟
- ج - چرا شیخ الاسلام به شخمه حضرت اعلی را مجازات کرد؟
- د - عاقبت شیخ الاسلام چه شد؟
- ه - چرا پس از وفات شیخ الاسلام منصب شیخ الاسلامی در تبریز منسوخ شد؟
- ۲۵۸ - در مورد خطبه، قهریه به سئوالات زیر پاسخ دهید:
- الف - بعد از چه واقعه‌ای نازل گردید؟
- ب - در کجا نازل شد؟
- ج - خطاب به چه کسی بود؟
- د - به واسطه، چه نفسی ارسال گردید؟
- ۲۵۹ - حضرت اعلی در خطبه، قهریه میرزا آقاسی را با چه عنوانی مورد خطاب قرار دادند؟

## سئالات کتابخوانی تاریخ نبیل

هفته دهم

۲۶۰ - سه واقعه‌ای که مقارن یکدیگر در ماه شعبان ۱۲۶۴ هـ ق رخ داده، کدامند؟

۲۶۱ - ملا حسین از اردوگاه شاهزاده حمزه میرزا به شهر مشهد مراجعت فرمودند و عازم شدند که با اصحاب و پیروان به

کربلا عزیمت کنند. مقصد از کربلا چه محلی بود؟ *علم شیخ طهرانی*

۲۶۲ - دستور حرکت جناب ملا حسین و سایر اصحاب از مشهد به مازندران از سوی چه نفسی صادر شد؟ در این

دستور چه اوامر دیگری نیز فرمودند؟ *حضرت علی -*چند نفر همراه جناب ملاحسین از مشهد عازم مازندران شدند؟ *۲۰۲ نفر*۲۶۳ - علم سیاه توسط چه کسی و در چه محلی بر افراشته شد؟ *کامربن ملاحسین و در کربلا*

۲۶۴ - به سئالات زیر پاسخ دهید:

الف - در خلال حرکت اصحاب جناب ملاحسین به سمت مازندران در نیشابور چه کسی ایمان آورد؟ انقطاع

ایشان چگونه ظاهر شد؟ *جناب علی بن ابی طالب در کربلا* - ب - در قریه میامی چند نفر مؤمن شدند؟ *۳۰ نفر*ج - سرنوشت مؤمنین این قریه چه شد؟ *۲۹ در قلعه شیح طهرانی به شهادت رسیدند و فقط اندکی از آنها ملاحسین با حسن ماند*

د - جناب ملاحسین با مشاهده چه واقعه‌ای متوجه وفات محمد شاه گردیدند؟

۲۶۵ - هنگامی که جناب ملاحسین و اصحاب به طرف مازندران حرکت فرمودند چه کسی اهالی بارفروش را علیه

آنان تحریک کرد؟ چرا مردم از گفتار وی به هیجان آمدند؟ *امیر علی - زیرا سواران او هیچ بود و با دست و پا می‌رفتند*

۲۶۶ - در راه مازندران، چرا جناب ملاحسین به اصحاب فرمودند که هر چه از مال دنیا با خود دارند در مینان

بیابان بیندازند؟ اولین کسی که اجرای این حکم را نمود چه کسی بود و چه کرد؟ *حاجی عبدالحمید نیشابوری*

۲۶۷ - به سئالات زیر پاسخ دهید:

الف - در اولین حمله دشمنان به اصحاب جناب ملاحسین در راه بارفروش چند نفر شهید شدند؟ *۷ نفر*

ب - چه زمانی جناب ملاحسین امر به دفاع دادند؟ چرا؟

ج - اولین واقعه‌ای که در آن جناب ملاحسین مراتب شهامت و شجاعت خویش را نمایان ساختند در این

زمان بود، آن را شرح دهید.

د - عکس العمل مردم بارفروش پس از این واقعه چه بود؟

ه - مضمون آیه‌ای را که جناب قدوس پس از شنیدن این واقعه تلاوت فرمودند، بنویسید.

۲۶۸ - هنگامی که امیر نظام شاهزاده مهدی قلی میرزا را سرزنش نمود که در واقعه و سکس از مقابل طلاب حقیر

قرار کرده است، وی چه جوابی به امیر نظام داد؟

۲۶۹ - چه کسی به شاهزاده مهدی قلی میرزا دستور داد قرآن را مهر کرده نزد اصحاب قلعه طبرسی بفرستد؟ *امیر نظام*

۲۷۰ - جناب نبیل در پرسش خود از میثرا محمد فروغی مبنی بر صحت این مطلب که صاحب ناسخ التواریخ

معتقد است جناب ملاحسین مشق اسب سواری و شمشیر زنی می‌کرده، چه جوابی شنید؟

۲۷۱ - ملاحسین پس از کشتن قاتل سید یزدی به کجا رفت و چه کرد؟

۲۷۲- الف - در کاروانسرای سبزه میدان بار فروش ضمن ادای اذان چند نفر به شهادت رسیدند؟

ب - پس از آن جناب ملاحسین چه اقدامی نمودند؟ *آخر من بیع*

ج - اعیان بار فروش پس از آن چه تقاضائی از جناب ملاحسین نمودند؟

د - جناب ملاحسین چه کردند و درباره مردم بار فروش به چه مطلبی اشاره فرمودند؟

۲۷۳ - وقتی جناب ملاحسین و همراهان ، بار فروش را ترك می فرمودند، سعید العلماء چه نقشه‌ای کشید؟ نتیجه

چه شد؟ ( بدون شرح مطلب )

۲۷۴ - خسرو قادیکلای در جواب سعید العلماء مبنی بر کشتن جناب ملاحسین و همراهان وی چه گفت؟ سعید

العلماء در پاسخ وی چه وعده‌ای به او داد؟

۲۷۵ - در خصوص خادم قلعه شیخ طبرسی به سئوالات زیر پاسخ دهید:

الف - وی قبل از ورود اصحاب به آنجا چه روئیایی دیده بود؟

ب - چگونه از جناب ملاحسین و اصحاب استقبال نمود؟ *بیا اعیان خود را بر ما بیای جناب ملاحسین قلعه را*

ج - عاقبت حال او چه شد؟ *در قلعه در سجده شکر رسید*

۲۷۶ - وقتی حضرت بهاء الله به قلعه شیخ طبرسی تشریف آوردند، نحوه استقبال و احترام جناب ملاحسین به

ایشان مبین چه حقیقتی بود؟ *نشان دهنده این درود جناب ملاحسین در پیش امام حضرت کلام است*

۲۷۷ - الف - نظر خان چه کسی بود؟ *صاحب قرآنی و تفسیر طبرسی*

ب - واقعه‌ای که منجر به ملاقات نظر خان با جناب ملاحسین شده را شرح دهید.

ج - در پایان این ملاقات به جناب ملاحسین چه گفت؟

د - جناب ملاحسین از او خواستند چه خدمتی انجام دهد؟

۲۷۸ - در خصوص قلعه شیخ طبرسی به سئوالات زیر پاسخ دهید:

الف - جناب ملاحسین و اصحاب در چه سالی به قلعه طبرسی ورود فرمودند؟ *۱۲۲۴ هجری قمری*

ب - در بدو ورود به مقبره شیخ طبرسی ، جناب ملاحسین به میرزا محمد باقر قاضی چه دستوری فرمودند؟ *دستور داده که مقبره شیخ را به شکل قلعه محکمی برای دفاع درآمده*

ج - نقشه قلعه شیخ طبرسی را چه کسی طراحی فرمود؟ *جناب ملاحسین*

۲۷۹ - حضرت بهاء الله هنگام تشریف فرمائی به قلعه شیخ طبرسی فرمودند که وسائل از هر حیث آماده است ولی

يك نقص دارد، آن نقیصه چه بود و برای رفع آن چه فرمودند؟ نتیجه چه شد؟

۲۸۰ - درباره علم سیاه به این سئوالات پاسخ دهید:

الف - از حضرت رسول اکرم ( ص ) درباره علمهای سیاه چه حدیثی روایت شده است؟

ب - علم سیاه به اسم چه کسی برافراشته شد؟ ج - چه مدت و بین چه سالهایی مرتفع بود؟

د - این مدت از چه زمانی آغاز می گردد؛ برافراشته شدن آن در مشهد و یا ارتفاع آن در قلعه طبرسی؟

۲۸۱ - درباره ورود جناب قدوس به قلعه شیخ طبرسی به این سئوالات پاسخ دهید:

- الف - قبل از ورود ایشان، جناب ملاحسین به اصحاب چه نصیحتی فرمودند؟
- ب - نحوه استقبال از ایشان چگونه بود؟
- ج - در بدو ورود آیه مبارکه "بقیه الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین" را در چه حالی تلاوت فرمودند؟
- د - تلاوت این آیه تحقق چه بشارتی بود؟
- ه - منظور جناب قدوس از "بقیه الله" چه نفس مقدسی است؟ حضرت کاظم (ع)
- ۲۸۲ - جناب قدوس بعد از ورود به قلعه طبرسی، سه خطبه به جناب ملاحسین دادند، هر خطبه در مورد چه نفسی بود؟
- ۲۸۳ - در هنگام شمارش اصحاب در قلعه طبرسی چه اتفاقی افتاد؟
- جناب قدوس در ارتباط با تعداد اصحاب در قلعه طبرسی چه فرمودند؟ چه کسی شمارش را انجام داد؟
- ۲۸۴ - درباره تفسیر سوره توحید به این سئوالات پاسخ دهید:
- الف - توسط چه کسی این تفسیر مرقوم گردید؟ <sup>جناب قدوس</sup> ب - در چه شهری نگارش این تفسیر آغاز شد؟
- ج - نگارش آن به خواهش چه کسی بود؟ <sup>میرزا محمد علی</sup> د - در کجا این تفسیر خاتمه یافت؟
- ه - بیشتر مطالب آن در شرح چیست؟
- ۲۸۵ - مضمون نامه سعید العلماء را به ناصرالدین شاه درباره اصحاب طبرسی بنویسید.
- ۲۸۶ - محاصره قلعه طبرسی توسط عبدالله خان ترکمان چگونه در هم شکست؟ بعد از شکست وی برای تحکیم موقعیت قلعه جناب قدوس به اصحاب چه امر فرمودند؟
- ۲۸۷ - چه گفتگویی بین نماینده شاهزاده مهدی قلی میرزا و جناب ملاحسین صورت گرفت؟ نماینده چه قولی به جناب ملاحسین داد؟ نتیجه چه شد؟
- ۲۸۸ - الف - اولین برخورد اصحاب قلعه با لشکریان مهدی قلی میرزا در کجا بود؟
- ب - شاهزاده هنگامی که پیشرفت اصحاب قلعه را دید، چه کرد؟
- ج - وقتی اصحاب به مسکن مهدی قلی میرزا رسیدند چه اشیایی را دیدند و چه کردند؟
- د - عکس العمل لشکریان مهدی قلی میرزا و اصحاب در روز بعد چه بود؟
- ه - در این معرکه چه کسی و چگونه زخمی شد؟
- ۲۸۹ - درباره عزیمت حضرت بهاء الله به سوی قلعه طبرسی به سئوالات زیر پاسخ دهید:
- الف - چه کسی از اقوام ایشان همراه هیکل مبارک بودند؟
- ب - اراده مبارک در نحوه طی کردن مسیر چه بود؟
- ج - همراهان ایشان چه پیشنهادهای داشتند؟
- د - چگونه دستگیری ایشان و همراهانشان را بنویسید.
- ه - به چه شهری برده شدند؟

- و- نایب الحکومه شهر در ابتدا چه کرد و چرا پشیمان شد؟
- ز- برخورد نایب الحکومه در ابتدای ورود با حضرت بهاء الله چگونه بود و چرا چنین رفتاری داشت؟
- ح- علمای آمل چه حکمی در حق حضرت بهاء الله صادر نمودند؟ حکم بدیل
- ط- چرا نایب الحکومه تصمیم بر چوبکاری اصحاب گرفت؟ چرا فقط حضرت بهاء الله چوبکاری شدند؟
- ی- مقصود نایب الحکومه از محبوس کردن ایشان چه بود و بعد چه کرد؟
- ص- حضرت بهاء الله در حق ایشان چه فرمودند؟
- ۲۹۰- مصائب وارده بر حضرت بهاء الله و حضرت اعلی را در چهار مورد باهم مقایسه کنید.
- ۲۹۱- حاکم آمل در جریان قلعه طبرسی چه کسی بود؟ مشاهده، شهادت اصحاب چه تاثیری در روحیه او داشت؟
- نسبت به حضرت بهاء الله چگونه رفتار نمود؟ *عبداللهی خان لاریجان - اول ز منشا خود شهادت اصحاب طهر*
- صلى الله عليه وآله بعد من نزلت به طهر بود اصحاب را در در اعصاب من نبراست و جدی است از انکه من دانستم در حق من*
- وقایع را دیدم از خود ظاهر این کم شد و آنست که خشم من باقیست - وقت که در آمل نشستم بیان صریح*
- داق تمام به حضرت مبارک حضرت بهاء الله مشرف شد و در بر رفتاری و مرد در زنت تمام اهل حضرت خواستند که*
- شخصیت و مقام خود را فراموش کرده بود.*



## سئوالات کتابخوانی تاریخ نبیل

هفته، یازدهم

۲۹۲- حالت روحی جناب ملاحسین قبل از شهادت چگونه بود؟ عصر روز قبل از شهادت چه کردند؟

۲۹۳- در مورد شهادت جناب ملاحسین به سئوالات زیر پاسخ دهید:

الف - توسط چه کسی شهید شدند؟ *عبدالله خان لاریجانی*

ب - واقعه‌ای را که منجر به شهادت ایشان شد، توضیح دهید.

ج - در چه سالی و در چه سنی به شهادت رسیدند؟ *۱۲۷۵ - ۳۶ سالگی*

۲۹۴- به سئوالات زیر پاسخ دهید:

الف - زمانیکه جناب ملاحسین را در هنگام صعود روح در محضر جناب قدوس آوردند، ایشان به اصحاب چه فرمودند؟

ب - ماجرای بعد از آن را شرح دهید.

۲۹۵- لشکریان دشمن چگونه از شهادت جناب ملاحسین مطلع شدند؟

۲۹۶- چرا عباسقلیخان لاریجانی بعد از اطلاع از شهادت جناب ملاحسین بدون کمک سرداران دیگر به قلعه

حمله نمود؟ نتیجه این حمله چه شد؟

۲۹۷- جناب قدوس در ایامی که در قلعه شیخ طبرسی بودند چه اثری را نوشتند؟ *تفسیر صاد الصمد*۲۹۸- بیان زیر از حضرت رسول اکرم، توسط چه کسی، خطاب به چه کسانی و در چه هنگام ذکر شده است؟ *در خطب جناب قدوس خطاب*" واشوقا لاخوانی الذین یاتون فی اخر الزمان طوبی لهم وطوبی لنا وطوبی هم افضل من طوبانا " *به اصحاب قلعه شیخ طبرسی*۲۹۹- وقوع چه اتفاقی در سپاه دشمن سبب شد که آنها تا یکماه نتوانستند به قلعه شیخ طبرسی حمله کنند؟ *بازمان سپاه دشمن قلعه*۳۰۰- در مواقع شدت و سختی اصحاب قلعه چگونه رفع گرسنگی می‌کردند؟ *را اهل قلعه با نان می‌کردند*

۳۰۱- حضرت قدوس مقصود از اجتماع در قلعه شیخ طبرسی را چه بیان می‌کنند؟ و در اثبات عدم توجه به ریاست

و غلبه چه دلیلی بیان می‌فرمایند؟

۳۰۲- وقتی شخصی از اهل کند با جناب ملا مهدی کندی از اصحاب قلعه شیخ طبرسی ملاقات نمود و خواست با

تحریک عواطف پدران، او را از همراهی اصحاب منصرف نماید وی چه جوابی داد؟

۳۰۳- شاهزاده مهدیقلی میرزا چگونه جناب قدوس را به خروج از قلعه راضی کرد شرح دهید.

۳۰۴- بعد از خاتمه واقعه قلعه، بعضی از اصحاب چگونه جان سالم بدر بردند؟

۳۰۵- الف - شاهزاده مهدیقلی میرزا چه تصمیمی در مورد جناب قدوس گرفته بود؟ چرا؟

ب - به چه دلایلی تغییر عقیده داد ؟

۳۰۶- جناب قدوس تفسیر صاد الصمد خود را همراه با سایر اوراق، به نزد که فرستادند؟ *ملا محمد عمره*

۳۰۷- به سئوالات زیر پاسخ دهید:

در جلسه‌ای که بدستور شاهزاده مهدیقلی میرزا با حضور علماء برای جلوگیری از آشوب عمومی تشکیل

داده بودند:

الف - سعید العلماء، چه سوالی از جناب قدوس کرد؟ آیا خواهی باین محبت بفرستی تا آنکه ای خود را از او در رسول موعود کنی  
ب - ایشان چه جوابی دادند؟

ج - عکس العمل سعید العلماء بعد از شنیدن پاسخ، چه بود؟ و چه گفت؟

د - در انتها، شاهزاده در مورد عاقبت جناب قدوس چه کرد؟

۳۰۸ - در مورد شهادت جناب قدوس به سئوالات ذیل پاسخ دهید:

الف - حضرت بهاء الله در مورد نحوه جان دادن ایشان چه می فرمایند؟

ب - تاثیر استماع خبر شهادت جناب قدوس بر حضرت اعلی چه بود؟

ج - نحوه شهادت ایشان را شرح دهید.

د - جناب قدوس در میدان بار فروش هنگام شهادت چه آرزویی را فریاد زنان بر زبان راندند؟

۳۰۹ - شخصی که در قلعه به اصحاب خیانت کرد، وقتی حضرت قدوس را گرفتار جنگ دشمنان دید چه کرد؟ جناب

قدوس در حق او چه فرمودند؟

۳۱۰ - در مورد جناب قدوس به موارد زیر پاسخ دهید:

الف - رتبه و مقامشان در دیانت بانی.

صفحه اعلی دادند

صفحه بکاء الله دادند

ب - القاب ایشان اسم الله الاکبر - نقطه اخری

ج - هر يك از القاب توسط چه شخصی به ایشان داده شد؟

۳۱۱ - حضرت اعلی در مورد تربت جناب ملاحسین چه فرموده اند؟ خان ملاحسین در آن موعود انب اندوه و غم

هر موعود و این موعود را در هر موعود ایشان بخند

۳۱۲ - بیان مبارک ذیل از کیست و در مورد چه کسی است؟

" لولاه ما استوی الله علی عرش رحمانیته و ما استقر علی کرسی صمدانیته " در عفت بکاء الله و در عفت اول حسن

۳۱۳ - عبارت ذیل از کیست و در چه واقعه ای به شهادت رسید؟

" من مصداق کامل این آیه مبارکه قرانیه هستم که می فرماید فتمنوا الموت ان کنتم صادقین "

ملا محمد معلم بودی - در واقعه علم شیخ بهرین (شاهزاده دهن) بیان را از او شنید

به دهن ای عفت بکاء الله و در عفت اول حسن (نقطه اخری)

سئوالات کتابخوانی تاریخ نبیل

هفته: ۱۳ و ۱۲

۳۱۴- سید حسین کاتب تا اثرات روحی حضرت رب اعلی را بعد از شنیدن خبر شهادت اصحاب در قلعه، شیخ طبری چگونه توصیف می کند و این تاثرات چه مدت طول کشید.

۳۱۵- اولین صحیفه ای که بعد از واقعه، طبری از قلم مبارک حضرت اعلی نازل شد و به افتخار چه کسی و متضمن چه موضوعاتی بود؟

۳۱۶- حضرت اعلی الف: ملا آدی کزل را به چه لقبی ملقب فرمودند؟ ب: سیاح

ب: برای زیارت شهادی قلعه، طبری چه دستوراتی به او دادند؟

۳۱۷- زمانی که جناب سیاح از زیارت قلعه طبری برگشتند و به منزل حضرت بهاء الله رفتند جناب سیدیحیی دارابی در ملاقات با ایشان چه عکس العملی نشان دادند؟

۳۱۸- به سئوالات ذیل در مورد جناب نبیل (قبل از ایمان) پاسخ دهید.

الف- شغل ایشان چه بود؟ شبی ب: میزان سواد ایشان چقدر بود؟ کمتر سواد داشتند

ج- چه مقدار از قرآن را از بر بود؟ تقریباً نیمی از قرآن را از بر بود د: در حین دعاچه چیزی را از حق درخواست می نمود؟ نه او را از قرآن و نه از غیر آن

ه: نظرش در مورد علمایی که به محضرشان رفته بود چه بود؟ آن ها را حقیقتاً دوست داشتم نه در محضرشان بودم و نه در خارج از آن

۳۱۹- نقش سید حسین زواره ای در زندگی جناب نبیل چه بود؟ بسیار عزیز و دوست داشتیدم بسیار از صحبت با او لذت می بردم

۳۲۰- در هنگام مشاهده نزول آیات از قلم حضرت اعلی چه امری سبب حیرت سید اسماعیل زواره ای شد؟ باعت ایف آوردن جناب اعلی

۳۲۱- درباره جناب نبیل زرنندی به سئوالات زیر پاسخ دهید:

الف: چرا می خواست به قلعه، شیخ طبری برود و به اصحاب ملحق شود؟ چون حضرت سید محمد باقر در آنجا بودند و او را می دیدم

ب: چرا نتوانست به اصحاب قلعه ملحق گردد. برای من وقت نبود و من در آن زمان در راه بودم

ج: چرا بعد از اولین ملاقات با میرزا یحیی ازل دچار دهشت شد؟ این را دشمنان خودم را اعظم کرده بودند

۳۲۲- از آنجا که طهران مشوش بود خال اعظم در قبال پیشنهاد جناب کلیم مبنی بر ترک طهران، چه جواب فرمودند؟

۳۲۳- الف: آخرین نوروزی که هیکل مبارک (حضرت اعلی) مشاهده فرمودند مقارن با چه سالی بود؟ ۱۲۶۶

ب: حضرت اعلی در چه اثری از این عید نام برده اند؟ بیخ نشان عید

ج: یوم نوروز آن سال مصادف با چه واقعه مهم بود؟ بیخ جمادی الاولی که حضرت اعلی بود

۳۲۴- در مورد شهادی سبعه، طهران به سئوالات زیر پاسخ دهید.

الف: در چه محلی محبوس بودند؟ در زندان محمد رضا خان د: به حکم چه کسی به شهادت رسیدند؟ بیرزای خان، صدر اعظم و سایرین

ب: چه نفس مقدسه ای در همان محل محبوس بود؟ سید طاهر ه: اولین شهید از شهادی سبعه که بود؟ جناب خال اعظم

ج: مدت حبس چقدر طول کشید؟ از روز اول ماه ربیع الثانی تا روز ۲۲ ماه

۳۲۵- در مورد خال اعظم به سئوالات زیر پاسخ دهید:

الف: نام ایشان چه بود؟ طاج میرزا سید علی ج: محل شهادت ایشان کجا بود؟ طهران

ب: شغل ایشان چه بود؟ از تجار معروف شهر بود

۳۲۶ - در مورد خال اعظم به سئوالات زیر پاسخ دهید:

الف : دلایل تبری نکردن خود را چگونه توضیح داد.

ب : در جواب امیر نظام که از او خواست يك كلمه بد بگويد و نجات يابد چه فرمود؟

۳۲۷ - مير غضبی که ما مور به شهادت رساندن جناب خال اعظم بود تحت تاثير کلام ایشان چه کرد؟

۳۲۸ - وقتي امير نظام به جناب ميرزا قربانعلی بار فروش گفت اگر خودت ادعایی می کردی بهتر بود که پیروی

حضرت اعلی را انتخاب کنی ایشان چه جوابی عنایت فرمودند؟

۳۲۹ - بعد از آنکه امیر نظام نتوانست میرزا قربانعلی را وادار به تبری نماید درباره سایر موءمنین چه حکمی

نمود؟

۳۳۰ - در مورد حاجی ملا اسمعیل قمی به سئوالات زیر پاسخ دهید.

الف : در بدشت به چه لقبی ملقب شد؟ *سرالوجود*

ب : در کجا شهید شد *طهران*

ج : در هنگام شهادت از میر غضب چه درخواستی نمود و آخرین صحبت های او با میر غضب چه بود؟

۳۳۱ - جناب سید حسین ترشیزی از شهدای سبعة طهران در میدانگاه شهادت از مردم چه درخواستی کرد؟

۳۳۲ - نام ۳ تن از شهدای سبعة طهران را بنویسید. *خلع اعظم، قربانعلی، میرزا محمد حسن، حسن ترشیزی، محمد حسن (با)*

۳۳۳ - به سئوالات زیر پاسخ دهید: *محمد حسن راغزایی، سید مرتضی*

الف : حدیثی را که در آن بیان غصوا ابصارکم آمده است بیان کنید.

ب : این حدیث در دیانت بابی در مورد چه کسی و در چه واقعه ای مصداق یافت؟ *جانب طاهره و واقعه بزم*

۳۳۴ - در مورد تعبیر خواب توسط رئیس ملاهای آمل به سئوالات زیر پاسخ دهید:

خواب دیدم که شما (حضرت بهاء الله) وارد این مسجد شدید جمعیت بسیاری برای دیدن شما جمع شده

بودند حضرت قائم علیه السلام را دیدم که در گوشه روبروی شما ایستاده اند و با کمال تعجب تماشا

می کنند.

*بسم الله الرحمن الرحیم*

الف : تعبیر رئیس ملا های آمل چه بود؟

ب : تعبیر حضرت بهاء الله چه بود؟ *این را تمام نظر در حق ملاها*

۳۳۵ - جناب نبیل سال ۱۲۶۶ را سال شهادت نامید ۴ نمونه از وقایع این سال را بنویسید.

۳۳۶ - حضرت اعلی *شهادت مطهره سید در طهران، شهادت جناب حسین میرزا، شهادت حضرت اعلی در تبریز، وقوع واقعه نکال*

الف : مقصود از حدیث (هفت کوسفند در روز ظهور قائم پیشاپیش آن حضرت راه می روند) را چگونه بیان

می کنند. *بیخ زود کار تمام شهادت می رسد*

۳۳۷ - جناب وحید برای پیوستن به اصحاب قلعه شیخ طبرسی چه اقدامی نمودند؟ نتیجه چه شد؟ توضیح دهید.

۳۳۸ - راجع به اقامت جناب وحید در یزد در نوروز ۱۲۶۶ هـ ق به سئوالات زیر پاسخ دهید.

الف : نوروز آنسال مصادف با چه واقعه امری بود؟ *تعیین حضرت اعلی*

ب : جناب وحید در یزد به چه امری مشغول بودند؟ *ابلاغ امر الله و شهادت در محراب حرمین*

ج : حاکم یزد در اثر سخن چینی نواب رضوی چه اقدامی علیه جناب وحید نمود؟ گروه مسلحی را فرستاد تا منزل جناب وحید را محاصره کند  
 د- جناب وحید شمشیر واسب خود را از چه اشخاصی دریافت داشت؟ *نفس خود را از حضرت اعلی بر او را محمد شاه به او داد و میر*  
 ۳۳۹- به سئوالات زیر پاسخ دهید.

الف : چرا محمد شاه جناب وحید را برای تحقیق درباره امر حضرت باب انتخاب نمود؟ *برای آنکه ایشان علمای مهمان در آن وقت را از ایشان*  
 ب : جناب وحید مراحل عرفانی خود نسبت به حضرت رب اعلی را چگونه توضیح می دهند؟

۳۴۰- جناب وحید راجع به اثاث و منزل خود به زوجه خویش چه فرمودند؟

۳۴۱- لقب ملا محمد رضا منشادی چیست؟ این لقب را چه شخصی به ایشان دادند؟ *رضا الروح - حضرت سجاد علیه السلام*

۳۴۲- روش تبلیغ جناب وحید در مسیر راه یزد به نیریز چگونه بود؟ مختصراً توضیح دهید.

۳۴۳- راجع به سفر جناب وحید به نیریز و استقبال از ایشان به سئوالات زیر پاسخ دهید.

الف : حاکم نیریز چه تهدیدی علیه استقبال کنندگان نمود؟

ب : نتیجه این تهدید چه شد؟ *کسب اطمینان به این عزیزان که در آن وقت در کربلا بودند و کربلاستان نسبت به جناب وحید و اهل بیت علیهم السلام را در آن وقت*  
 ۳۴۴- راجع به واقعه نیریز به سئوالات زیر پاسخ دهید.

الف : جناب وحید و اصحاب ایشان در چه محلی استقرار یافته و به دفاع پرداختند؟ *تلف حواصیل نزدیک جنبه دروغه آفت*

ب : تعداد اصحاب هنگام اولین حمله دشمن چند نفر بود؟ ۷۲ نفر

ج : جناب وحید در پی چه واقعه‌ائی به اصحاب ملحق شدند؟

د : این واقعه در چه سالی رخ داد؟ ۱۲۴۴

ه : عاقل اصلی مخالفت با اصحاب که بود؟ *زین العابدین خان حاکم نیریز*

و : این واقعه چگونه پایان یافت؟

۳۴۵- جناب وحید برای آمادگی بیشتر اصحاب در مقابل دشمنان که همت گماشته بودند تا اصحاب را از بین ببرند

چه دستوراتی دادند؟ ( دومین مرحله دفاع جناب وحید در قلعه )

الف : حاکم نیریز برای مقابله با اصحاب قلعه از چه کسی کمک خواست؟ *فرزند عزیزای حضرت الدوله حاکم فارس*

ب : چه اقدامی نمود؟

ج : نتیجه چه شد؟

۳۴۶- در شب دوم جدال اصحاب قلعه نیریز با مخالفین که عده‌شان بسیار زیاد و تجهیزات شان بسیار کامل بود

جناب وحید غلامرضای یزدی را ماء مور نمودند که با تعدادی از اصحاب به قلب سپاه دشمن بزنند؟

الف : عده اصحاب همراه غلامرضا یزدی چند نفر بود؟ ۱۴ نفر

ب : اغلب آنها از چه گروه سنی بودند؟ *نیر و کسب السنی*

ج : از نظر فنون نظامی در چه وضعی بودند؟ *هیچ کدام در فنون حنب سبقت نداشتند*

د : پیروزی این گروه مرهون چه امری بود؟ *تجمع دعوه ایان آنها*

۳۴۷- در هنگام جنگ وجدال زنه‌ای مومن نیریزی چه اقدامی می نمودند؟



۳۴۸- چه شباهتی بین خاتمه واقعه طبرسی و نیریز وجود دارد؟

۳۴۹- نامه‌ای که زین العابدین خان پس از شکست دوم برای جناب وحیدنوشت حاوی چه مطالب مهمی بود؟

۳۵۰- وقتی مکتوب دشمنان و قرآن ممهور آنان بدست جناب وحید رسید ایشان چه فرمودند؟

۳۵۱- جناب وحید چند روز مهمان زین العابدین خان بودند و نمونه‌هایی از رفتار با ایشان را ذکر نمائید:

الف: دشمنان چگونه توانستند بدون شکستن سوگند خود ایشان را شهید نمایند؟

ب: شرح شهادت ایشان را مختصراً بنویسید.

ج: شهادت ایشان در چه سالی و چند روز قبل از شهادت حضرت اعلیٰ اتفاق افتاد؟

(در شهادت حضرت اعلیٰ)

۳۵۲- چرا رئیس الوزرای ناصرالدین شاه چنین خیال می کرد که تا حضرت باب در جهان باشد آتش افروخته نشده خاموش شدنی نیست و برای رسیدن به مقصد چه تدبیری اندیشید مختصراً " توضیح دهید .

۳۵۳- در مشاوره امیر نظام با زمامداران امور درباره حضرت رب اعلی چه کسی اظهار داشت کشتن سیدی که گرفتار و محبوس است ظلمی ظاهر و ستمی آشکار است . *میرزا آقاخان خرمی خرد*

۳۵۴- امیر نظام در پاسخ میرزا آقاخان که با کشتن حضرت رب اعلی مخالفت می کرد آن حضرت را با چه کسی مقایسه نمود و چرا کشتن حضرت باب را مجاز می دانست ؟

۳۵۵- مسیر حرکت حضرت رب اعلی را از قریه کلین تا میدان سرباز خانه تبریز به ترتیب بنویسید " اگر به محلی " دوبار ورود فرموده اند هر دو مرتبه ذکر شود .

۳۵۶- نواب حمزه میرزا در مورد حکم امیر نظام مبنی بر انتقال حضرت رب اعلی از چهریق به تبریز چه تصویری داشت و چه کرد ؟

۳۵۷- در جعبه ای که حضرت رب اعلی برای میرزا احمد ارسال فرمودند چه شئی نفیسی جلب توجه زائرین آن را نمود مشخصات آن را توضیح دهید . این امانت باید به دست چه کسی می رسید ؟ - *حضرت کمالی در طهران*

۳۵۸- در مورد نواب حمزه میرزا به سئوالات زیر پاسخ دهید :

الف : پس از آنکه حضرت باب را به تبریز وارد گردانید چه حکمی از امیر نظام دریافت کرد ؟

ب : چه جوابی به امیر نظام داد ؟

ج : نتیجه چه شد ؟

۳۵۹- در شب قبل از شهادت، حضرت اعلی از یارانش که مشرف بودند .

الف : چه خواستند ؟ *کلیه یارانش را فرموده بود که در شب شهادت او حاضر باشند* ب : چه کسی اجابت کرد ؟ *میرزا محمدعلی زین العابدین*

ج : عمل وی نشانه چه امری بود ؟ *طبع زمانه دارد* د : چه پاداشی گرفت ؟ *بر آنها از کفایت کرد* ه : حضرت اعلی ناله می کرد

ه : چند نفر در محضر شان حاضر بودند ؟ *۴ نفر*

۳۶۰- زمانی که حضرت اعلی در میدان سرباز خانه با حسین کاتب مشغول گفتگو بودند .

الف : به او چه امری را تکلیف فرمودند ؟

ب : فراشبازی چه کرد و چه گفت ؟

ج : حضرت اعلی به او چه فرمودند ؟

۳۶۱- ملا محمد ممقانی به چه بهانه ای می خواست حکم قتل در مورد جناب انیس نهد و جناب انیس به او چه

فرمودند ؟

۳۶۲- هنگامی که طلعت اعلی را برای گرفتن حکم قتل نزد مجتهدین بردند عکس العمل هریک از آنان چه بود ؟

۳۶۳- در مورد سامخان ارمنی به سئوالات زیر پاسخ دهید .

الف : او ما مور اجرای چه امری شد ؟ *اصلاً حکم نداد* ب : حضرت اعلی

ب : فراشبازی به او درباره جناب میرزا محمد علی انیس چه گفت ؟

ج : از حضرت رب اعلی چه درخواستی نمود ؟ د : حضرت اعلی به او چه جوابی عنایت فرمودند ؟

۳۶۴- به سئوالات زیر پاسخ دهید :

الف : تعداد سربازان سامخان ارمنی که به حضرت اعلی شلیک کردند . <sup>بسته سربازان</sup> <sup>مصرف</sup> ۷۵ نفر

ب : برای شلیک کردن به چه ترتیب ایستادند ؟

ج : بعد از شلیک چه واقع شد توضیح دهید ؟

۳۶۵- پس از شلیک دربار اول حضرت اعلی و جناب انیس آسیبی ندیدند ؟

الف : بر اثر این واقعه کدامیک از نفوس مسئول متذکر و متنبه شدند ؟ <sup>خراب نشی</sup> <sup>ر</sup> <sup>سامخان</sup> <sup>روزی</sup>

ب : چه فوجی و به سرکردگی کدام سرباز داوطلب اتمام کار شد ؟ <sup>آقاخان</sup> <sup>خان</sup> <sup>سرتیپ</sup> <sup>خروج</sup> <sup>محمد</sup> <sup>-</sup> <sup>فوج</sup> <sup>خاصه</sup> <sup>شاه</sup>

۳۶۶- در مورد شهادت حضرت اعلی به سئوالات زیر پاسخ دهید :

الف : در چه تاریخ واقع شد ؟ ساعت - روز - ماه - سال . <sup>در</sup> <sup>تیم</sup> <sup>لا</sup> <sup>لا</sup> <sup>روز</sup> <sup>۲۸</sup> <sup>شعبان</sup> <sup>۱۲۶۶</sup> <sup>هجری</sup>

ب : سن حضرت اعلی به طور دقیق شمسی و قمری سال - ماه - روز ۳۱ سال ۷ ماه و ۲۷ روز <sup>روز</sup> <sup>زمن</sup> <sup>قمری</sup>

ج : عرش مطهرشان ( با جناب انیس ) به کجا منتقل شد ؟ <sup>۳۰</sup> <sup>۵۶۶۵</sup> <sup>۵۶۶۵</sup> <sup>روز</sup> <sup>زمن</sup> <sup>شمسی</sup> <sup>شاه</sup> <sup>نوشته</sup>

د : چه کسی اقدام به تصویر برداری از جسد مطهر حضرت اعلی و جناب انیس نمود .

ه : سخنان مبارک قبل از شهادت ( دریای دار خطاب به مردم ) را مختصراً " شرح دهید .

۳۶۷- چه کسی برای رهایی حضرت اعلی از سجن از طهران به تبریز رفت وی موفق به انجام چه خدمتی شد ؟

۳۶۸- بر طبق مطالب مندرج در مطالع الانوار چه مسأله‌های نشان می‌داد که انتقال رمس مطهر حضرت بساب

به طهران برحسب میل مبارک ( حضرت اعلی ) نیز بوده است ؟

۳۶۹- در مورد میرزا آقاخان به سئوالات زیر پاسخ دهید :

الف : حضرت رب اعلی در کاشان در حق ایشان چه وعده‌ای فرمودند

ب : وقتی بیمار شد و اطباء از معالجه او عاجز شدند چه کسی ایشان را معالجه کرد ؟ <sup>حضرت</sup> <sup>مجاوید</sup>

۳۷۰- در اثر معاندت با حضرت اعلی و اصحابشان چه بلایایی سرزمین ایران را فرا گرفت ؟

۳۷۱- اولین شخصی که حضرت اعلی را مورد اذیت قرار داد چه کسی بود ؟ <sup>حسن</sup> <sup>خان</sup> <sup>حاکم</sup> <sup>شیراز</sup>

دومین شخصی که با حضرت اعلی مخالفت کرد چه کسی بود ؟ <sup>عاصم</sup> <sup>میرزا</sup> <sup>آقا</sup> <sup>خان</sup>

۳۷۲- عاقبت حال حسین خان حاکم شیراز و امیر نظام چه شد ؟

۳۷۳- حضرت رب اعلی در لوحی به عنوان میرزا آقاسی درباره او چه وعده‌ای می‌فرمایند ؟ عاقبت حال وی چگونه

بود ؟

۳۷۴- عاقبت حال فوج خاصه ناصری چه شد ؟ توضیح دهید :

با افرادی که از عاقبت حال فوج خاصه ناصری صحبت می‌کردند چگونه معامله شد ؟

سئوالات کتابخوانی تاریخ نبیل

هفته پنزدهم

۳۷۵- شرح زندگانی جناب حجت را در چند سطر توضیح دهید ( ۵ سطر )

۳۷۶- در مورد جناب ملا محمد علی زنجانی به سئوالات ذیل پاسخ دهید :

الف - لقب ایشان چه بود؟ چه کسی این لقب را به ایشان داد؟ حضرت علی

ب - موقعیتشان در میان علما چگونه بود؟

ج - ایشان برای تحقیق در مورد امر حضرت علی چه کردند؟

۳۷۷- در مورد جناب حجت به سئوالات ذیل پاسخ دهید :

الف - بعد از ایمان آوردن به امر جدید، دشمنان از چه دستاویزی جهت شکست دادن ایشان استفاده

نمودند چرا؟

ب - علماء در ابتدا جهت بیرون راندن جناب حجت از زنجان نامه‌ای به شاه نوشتند مضمون آن را بنویسید -

ج - گفتگوی میان جناب حجت و علمای زنجان در طهران، در مرتبه اول در حضور چه اشخاصی صورت گرفت؟

نتیجه آن برای جناب حجت چه بود؟

۳۷۸- الف - لوح مبارکی که حضرت علی برای جناب ملا محمد علی زنجانی ارسال فرمودند حاوی چه موضوعاتی بود؟

ب - جناب ملا محمد علی زنجانی بعد از دریافت لوح چه اقدامی نمود؟

۳۷۹- چرا جناب حجت در مسجد نماز جمعه برپا کردند؟ در جواب اعتراض امام جمعه چه پاسخی فرمودند؟

۳۸۰- عبارت ذیل را چه کسی بیان کرد و مقصود چیست؟ حجت حجت - حجت علم بعد از نبوت است که من علوم آن بزرگوار را جمیع بزرگان و انبیا

" طلب العلم عند الحصول المعلوم، مذموم " " علم نایب است "

۳۸۱- به سئوالات ذیل پاسخ دهید :

الف - جناب حجت جهت اجرای امر حضرت باب در خصوص اعلان تعالیم اساسیه امر، چه اقدامی کردند؟

ب - امام جمعه چه اعتراضی به ایشان کرد؟

ج - پاسخ حجت به امام جمعه را بنویسید -

۳۸۲- نتیجه سعایت دوباره علمای زنجان از جناب حجت نزد میرزا آقاسی چه بود؟

۳۸۳- در مورد توقف حضرت علی در زنجان به سئوالات ذیل پاسخ دهید -

الف - هنگامی که جناب حجت حضور حضرت علی عریضه نگاشته تقاضا نمودند اجازه فرمایند تا ایشان

را از دست دشمنان رها نمایند چه جوابی عنایت فرمودند؟ درباره ملاقات با ایشان چه وعده‌ئی فرمودند؟

ب - در این زمان جناب حجت در کجا بودند؟

۳۸۴- جناب حجت در پاسخ میرزا آقاسی که گفت شخصی مثل شما از هر جهت بر سید باب ترجیح دارد چه گفت؟

۳۸۵- در مرتبه دوم که جناب حجت به طهران احضار شدند، شاه برای تحقیق درباره عقیده ایشان چه کرد؟

۳۸۶- جناب حجت بابیان حدیث " انی تارك فيكم ۰۰۰ " از علمای طهران چه امری را خواستار شدند؟

- ۳۸۷- جناب حجت در مرتبه دوم که به طهران احضار شدند، در پاسخ علمای طهران که درخواست معجزه نمودند چه فرمود؟
- ۳۸۸- چه واقعه‌ای آتش عداوت دشمنان جناب حجت را در زنجان مشتعل نمود شرح دهید.
- ۳۸۹- جناب حجت و اصحابشان وقتی هجوم دشمن را نزدیک دیدند به کجا نقل مکان کردند؟ با ساکنین آن محل چگونه معامله نمودند؟ *به طعم علمای آنجا که در حوزة خودشان بودند همان روز*
- ۳۹۰- جناب حجت از آغاز واقعه زنجان در رابطه با مقابله با دشمنان چه سفارشی را به اصحاب خویش فرمودند؟
- ۳۹۱- صدر الدوله اصفهانی که از طرف امیر نظام مامور حمله به اصحاب زنجان شد، چند ماه با اصحاب جنگ کرد و عاقبت حالش چه شد؟ ۹ ص ۶۰ -
- ۳۹۲- به سئوالات ذیل پاسخ دهید:
- الف - زینب که بودو چه کرد
- ب - جناب حجت به او چه لقبی دادند؟ *سهمی*
- ج - چگونه به شهادت رسید؟
- ۳۹۳- دشمنان از شنیدن اذکار الله اکبر، الله اعظم ۰۰۰ که توسط اصحاب جناب حجت، بیان می‌شد چه سوء استفاده‌ای می‌نمودند؟
- ۳۹۴- الف - جناب حجت در نامه‌ای خطاب به ناصرالدین‌شاه که در بحبوحه حمله دشمنان به قلعه نگاشتند اظهار داشتند خود و پیروانشان آماده انجام چه امری هستند؟
- ب - بعد از از بین بردن این نامه، دشمن چه کرد؟ نتیجه چه شد؟
- ۳۹۵- به سئوالات ذیل پاسخ دهید:
- شدیدترین برخورد بین اصحاب جناب حجت و لشکر دشمن
- الف - چگونه آغاز شد؟ کاملاً" شرح دهید.
- ب - نقش زنان در این واقعه چه بود؟
- ج - چند نفر از اصحاب شهید شدند؟ *قریب سیصد نفر*
- ۳۹۶- حضرت اعلی شهر زنجان را به چه لقبی ملقب نمودند؟ *رضی الله*
- ۳۹۷- ام اشرف که بود؟ فرزندش در کجا بدنیا آمد؟ چه شجاعت، صبر و ثباتی از خود بروز داد؟
- ۳۹۸- آیه مبارکه " یوم یفرا لمومن اخیه و امه و ابیه و صاحبته و نبیه " را جناب حجت در ارتباط با چه امری تلاوت کردند؟
- ۳۹۹- کدام اقدام دشمن در واقعه زنجان مطابق اقداماتشان در وقایع طبرسی و تبریز بود که منتج به نتیجه نگردید؟ چه دلیلی موجب عدم نتیجه‌گیری آنان شد؟
- ۴۰۰- در چه موقعیتی دشمن توانست به قلعه علی مردانخان وارد شود و عده‌ای را دستگیر نماید؟ علت چه بود؟
- ۴۰۱- بعد از مشورت امیر تومان با روسای لشکر برای آن که اصحاب جناب حجت را بدون قید و شرط اسیر نمایند چه تصمیمی گرفتند؟ چه مدت به اینکار مشغول بودند؟



۴۰۲ - به سئوالات زیر پاسخ دهید:

الف - جناب حجت در چه سالی به شهادت رسیدند؟ در هنگام شهادت به چه امری اشتغال داشتند؟

ب - نحوه شهادت فرزند جناب حجت (هادی) را بنویسید.

۴۰۳ - چه نوع مظالمی بر اسرای واقعه زنجان وارد نمودند؟ شرح دهید.

۴۰۴ - حاکم زنجان برای پیدا کردن جسد جناب حجت چه نیرنگی زد پس از پیدا کردن آن جسد پاک با آن چه کردند؟

۴۰۵ - بستگان جناب حجت به دستور جناب حجت به کجا منتقل شدند؟

- ۴۰۶ - بر طبق بیان حضرت بهاء الله به چه علت اهالی نور و مازندران عموماً " به امر مبارك اقبال ننموده اند؟
- ۴۰۷ - چه واقعه ای موجب شد حضرت بهاء الله نتوانند به اصحاب قلعه طبرسی به پیوندند؟
- ۴۰۸ - در بسیاری حضرت بهاء الله به اتفاق چه کسی گرفتار انیت مردم شدند؟ <sup>سید کبری</sup>
- ۴۰۹ - در طهران چند مرتبه حضرت بهاء الله را محبوس ساختند و در هر مرتبه علت چه بود؟
- ۴۱۰ - پس از آنکه حضرت بهاء الله از کوههای سلیمانیه مراجعت به بغداد فرمودند امر حضرت باب و اصحاب را به چه کیفیتی مشاهده نمودند و چه اقداماتی فرمودند؟
- ۴۱۱ - زمانی که خبر رسید حکومت اسلامبول جمال مبارك را به دریا انداخته اند میرزا احمد از غندی چه فرمودند؟
- حضرت بهاء الله نظر ایشان را دلیل بر چه امری می دانند؟
- ۴۱۲ - چه کسی لوح سلطان رابه شاه ایران تسلیم کرد؟ <sup>شیخ بروج</sup>
- ۴۱۳ - حضرت بهاء الله در رابطه با آثار حضرت اعلی به میرزا احمد کاتب چه مأموریتی عنایت فرمودند؟
- ۴۱۴ - به سئوالات ذیل پاسخ دهید: الف - شیخ سعید هندی چه نقشی در امر مبارك داشت؟ <sup>در خصوص باب</sup> بدستور حضرت اعلی برای تبلیغ به کجا مسافرت نمود؟ <sup>هندوستان</sup> ب - چه کسی توسط ایشان به امر مبارك اقبال نمود؟ <sup>سید محمد علی</sup>
- ۴۱۵ - در مورد ایلدرم میرزا حاکم خرم آباد لرستان به سئوالات ذیل پاسخ دهید:
- الف - حضرت بهاء الله می فرمایند ایلدرم میرزا به چه جهت اظهار ایمان می نماید؟
- ب - صدق بیان حضرت بهاء الله درباره عدم ایمان ایلدرم میرزا چگونه ظاهر شد؟
- ج - عاقبت ایلدرم میرزا چه شد؟
- ۴۱۶ - امیر نظام درباره وقایع مازندران نسبت به حضرت بهاء الله چه عقیده ای داشت؟ و از آن حضرت چه تقاضائی نمود؟ و چه پیشنهادی به هیکل مبارك داد؟ پاسخ حضرت بهاء الله چه بود؟
- ۴۱۷ - عزیمت حضرت بهاء الله به کربلا در چه سالی بود؟ <sup>۱۲۶۷ هجری</sup>
- ۴۱۸ - مژده حضرت اعلی به جناب شیخ حسن زنوزی چه بود؟ این وعده چه موقعی تحقق یافت؟
- ۴۱۹ - دو نفر از نفوسی را که قبل از اظهار امر علنی حضرت بهاء الله به مقام ایشان واقف بودند در تاریخ نبیصل از آنها یاد شده نام ببرید. <sup>میرزا محمد طیب زکاتی - عبدالصاحب شادری سید محمد امجد</sup>
- ۴۲۰ - میرزا تقی خان امیر نظام چند سال صدارت کرد؟ در هر سال از صدارت خود چه مظالمی به امر مبارك وارد کرد؟
- ۴۲۱ - پس از امیر نظام چه کسی به صدارت عظمی رسید؟ وی در نظر داشت در رابطه با حضرت بهاء الله چه اقدامی بنماید؟ <sup>میرزا آقا خان نوری اعجاز الدوله - نادر دوله خود تقیم رفیق کریم دوله و حضرت مجاهد کرمانی</sup>
- ۴۲۲ - در مورد رمی شاه به سئوالات ذیل پاسخ دهید: <sup>بسیار بودند آتش خدایان</sup>
- الف - نام دو شخصی که به شاه تیراندازی نمودند چه بود؟ <sup>صادق تبریزی و فتح الله قمشه</sup>

ب - چه چیز نشان داد که اقدام آن دونفر خودسرانه و بی مشورت بوده است ؟

ج - اقدام آنها برای حضرت بهاء الله چه عواقبی در پی داشت ؟

د - مادر شاه چه کسانی را محرك اصلی واقعه تیراندازی به شاه می دانست ؟ حضرت بهاء الله و میرزا آقاخان صدر اعظم

۴۲۳ - در مورد سیاه چال به سئوالات ذیل پاسخ دهید .

الف - سیاه چال در اصل چه محلی بود ؟

ب - زنجیری که با آن حضرت بهاء الله را مغلول ساختند چه نام داشت ؟ قره کهر

ج - مدت سجن مبارک در آن محل چقدر بود ؟ چهار ماه

۴۲۴ - امیر نظام وقتی مرگ خود را نزدیک دید راجع به اعمال خود نسبت به حضرت رب اعلی و اصحاب چه گفت ؟

۴۲۵ - در مورد میرزا آقاخان نوری به سئوالات ذیل پاسخ دهید :

الف - وی در آغاز جلوس خود به صدارت در رابطه با حضرت بهاء الله چه تصمیمی گرفت ؟

ب - چه واقعه ای مانع اجرای تصمیم صدر اعظم شد ؟

ج - وی در زمان اقامت حضرت بهاء الله در عراق چه اقدامی نمود ؟

۴۲۶ - در مورد جناب سلیمان خان به سئوالات ذیل پاسخ دهید :

الف - در زمان شهادت حضرت اعلی به چه منظوری به تبریز رفتند آیا موفق شدند ؟

ب - در ارتباط با چه واقعه ای به شهادت رسیدند ؟ واقعه کربلا

ج - ناصرالدین شاه در مورد جناب سلیمان خان به حاجب الدوله چه دستوری داد ؟

د - نحوه شهادت ایشان چگونه بود ؟

۴۲۷ - به سئوالات ذیل پاسخ دهید :

الف - برسر نفوسی که به شاه تیراندازی کردند چه وارد شد ؟

ب - اقرار و اعتراف جناب عظیم بر تیر اندازی به شاه چه نتیجه ای داشت ؟

۴۲۸ - در مورد جناب طاهره به سئوالات ذیل پاسخ دهید :

الف - اسم، سال تولد، سن مبارکشان را در زمان شهادت بنویسید . فاطمه - متولد ۱۳۳۳ - ۳۶ سال

ب - قبل از شهادت چه تقاضایی از زوجه کلانتر فرمودند ( ذکر ۲ مورد کافی است )

ج - توسط چه کسی در چه محلی، چگونه به شهادت رسیدند ؟

۴۲۹ - ذکری را که زندانیان در سیاه چال میخواندند چه بود؟ *عَلَّهِ الْوَالِدُ مِنَ كُلِّ شَيْءٍ وَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ الْمُسْلِمُونَ*

۴۳۰ - جناب سید حسین یزدی کاتب وحی حضرت باب در چه شهری و در جریان چه واقعه ای و توسط چه کسی

به شهادت رسیدند ؟ طهران - در واقعه کربلا - در محراب عین خان سردار قزاق حضرت طاهره به شهادت رسید

۴۳۱ - به سئوالات ذیل پاسخ دهید :

الف - قنسول روس در مورد گرفتاری حضرت بهاء الله چه درخواستی از صدر اعظم نمود ؟

ب - صدر اعظم چه اقدامی نمود شرح دهید ؟ ج - نتیجه در مورد حضرت بهاء الله چه شد ؟

۴۳۲ - به سئوالات ذیل پاسخ دهید :

الف - حضرت بهاء‌الله بعد از آزادی از حبس سیاهچال به صدر اعظم ایران چه نصیحتی فرمودند؟ عکس‌العمل او چه بود؟

ب - بعد از آزادی از حبس سیاهچال حکومت ایران درباره وجود مبارک چه حکمی صادر کرد؟

۴۳۳ - طهماسب میرزا در شیراز چند نفر از مؤمنین را سر برید با روئوس شهدا چه کرد؟

۴۳۴ - بعد از خلاصی از حبس سیاهچال، حضرت بهاء‌الله به صدر اعظم ایران چه نصیحتی فرمودند؟ وی چه کرد؟

۴۳۵ - بعد از خلاصی حضرت بهاء‌الله از سیاهچال طهران حکومت ایران درباره وجود مبارک چه حکمی صادر کرد؟

۴۳۶ - حضرت بهاء‌الله در چه تاریخی به بغداد عزیمت فرمودند؟ اول ۵۸ ربيع الثانی ۱۲۶۹ هجری

۴۳۷ - فاصله بین سفر اول به کربلا و سفر دوم به بغداد چه مدت بود؟ ۴ ماه

۴۳۸ - از افراد عاقله مبارکه چه کسانی با هیکل مبارک در سفر بغداد همراه بودند؟ (در حد اسامی کتاب)

مفتر عظیم اعظم ، آملی کلیم و عرقه علیا

- وایع زیر را بر حسب تقدم و تاخر زمان آن مرتب کنید .

- مثال: الف: اظهار امر حضرت رب اعلى م  
 ج: اعتكاف جناب ملاحسين و همراهان در مسجدكوفه ۳  
 ب: وفات سيد كاظم رشتى ۲  
 د: تحرير رساله سلطانيه توسط جناب شيخ احمد احسائى ۱  
 جواب: د - ب - ج - الف

- ۴۳۹ - الف: ايمان جناب ملاحسين به امر مبارك ۲  
 ب: مسافرت جناب ملاحسين به اصفهان جهت ملاقات  
 ج: ايمان جناب خال اعظم به امر مبارك ۴  
 د: ايمان جناب قدوس به امر مبارك ۲  
 سيد محمد باقر رشتى

۴۴۰ - الف: نزول رساله بين الحرمين از قلم مبارك حضرت رب اعلى

- ب: عز نزول تفسير سوره و العصر از قلم مبارك حضرت رب اعلى  
 ج: ابلاغ امر به ميرزا محيط كرماني

د: مسافرت حضرت بهاء الله به نور مازندران براى انتشار امر حضرت باب .

۴۴۱ - الف: واقعه بدشت

ب: اضافه نمودن عبارت اَشْهَدُ اَنْ عَلِيًّا قَبْلَ نَبِيْلِ بَابٍ بَقِيَهُ اللهُ به اذان نماز جمعه

ج: عز نزول رساله خصائل سبعة از قلم مبارك حضرت رب اعلى

- ۴۴۲ - الف: وفات محمد شاه ۳  
 ب: اقبال جناب سيد يحيى دارابى به امر مبارك ۱  
 ج: مسافرت حضرت رب اعلى به اصفهان ۲

۴۴۳ - الف: مذاكره حضرت اعلى با علماء بنا به درخواست منوچهرخان معتمدالدوله ۴

ب: حضور حضرت رب اعلى در مسجد وكيل و ايراد خطابه در آن محل

ج: نزول تفسير سوره كوثر از قلم حضرت رب اعلى ۲

۴۴۴ - الف: محبوس نمودن حضرت رب اعلى در قلعه چهريق

ب: تشكيل مجلس وليعهد در تبريز  
 ج: نزول كتاب بيان از قلم حضرت رب اعلى

۴۴۵ - الف: بر افراشته شدن علم سياه در خراسان

ب: تشرف جناب ملاحسين حضور حضرت رب اعلى در قلعه ماکو

ج: آگاهى جناب ملاحسين به عظمت مقام جناب قدوس

ب: تشكيل مجلس وليعهد در تبريز

۴۴۶ - الف: واقعه نيالا

د: محبوس نمودن حضرت رب اعلى در قلعه ماکو

ج: واقعه بدشت

۴۴۷ - الف: نزول لوح حروفات به اعزاز جناب ديان از قلم مبارك حضرت رب اعلى

ب: ورود حضرت رب اعلى به اروميه

ج: نزول خطبه قهریه از قلم مبارك حضرت رب اعلى



۴۴۸ - الف : ورود جناب ملاحسین واصحاب به قلعه طبرسی

ب : محبوس شدن جناب قدوس دزساری در منزل میرزا محمد تقی

ج : گرفتاری حضرت بهاء الله در آمل

۴۴۹ - الف : شهادت حضرت رب اعلى ۳ ب : شهادت شهدای سبعه طهران ۲

ج : ختم وقایع قلعه طبرسی ۱

۴۵۰ - الف : ختم وقایع زنجان ۳ ب : ختم وقایع نیریز ۱

ج : شهادت حضرت رب اعلى ۲

۴۵۱ - الف : مسافرت حضرت باب به اصفهان

ب : اقبال جناب ملا جعفر گندم پا ك كن به امر مبارك در اصفهان

ج : مسافرت حضرت بهاء الله به نور مازندران جهت انتشار امر حضرت باب

د : مسافرت جناب ملاحسین به طهران بعد از اظهار امر حضرت رب اعلى

۴۵۲ - الف : مسافرت جناب سیاح به مازندران ب : ورود جناب ملاحسین واصحاب به قلعه طبرسی

ج : انتقال حضرت رب اعلى از چهریق به ارومیه

۴۵۳ - الف : شهادت جناب سلیمان خان در طهران ۳

ب : مراجعت حضرت بهاء الله از بغداد به طهران ۱

ج : تیراندازی به ناصرالدین شاه ۲

۴۵۴ - الف : استخلاص حضرت بهاء الله از سجن سیاه چال طهران ۳

ب : شهادت جناب عظیم در طهران ۲

ج : لشکر کشی ناصرالدین شاه به قریه تاکر ۱

۴۵۵ - الف : وفات جناب منوچهرخان معتمدالدوله

ب : نزول رساله بین الحرمین از قلم مبارك حضرت رب اعلى

ج : وصول مکتوب محمد شاه به حضرت اعلى

۴۵۶ - الف : مسافرت حضرت رب اعلى به مکه معظمه

ب : مسافرت جناب باب الباب به اصفهان بعد از اظهار امر حضرت رب اعلى

ج : دستگیری حضرت رب اعلى در شیراز توسط حسین خان حاکم فارس

د : تقدیم توقیع حضرت رب اعلى به حضور حضرت بهاء الله توسط جناب ملا محمد معلم نوری

۴۵۷ - الف : توقف حضرت رب اعلى در کلین ب : اقبال جناب حاجی میرزا جانی پریا به امر مبارك

د : نزول رساله اثبات نبوت خاصه از قلم مبارك حضرت رب اعلى ج : واقعه بدشت

- از آنجائیکه تفکر و تعمق در مطالعات امری همیشه مدنظر بوده، نمونه سئوالات زیر از هفته‌های مختلف مطالعاتی طرح شده که پاسخگویی به آن نیاز به دقت نظر و تفکر بیشتر دارد و از این به بعد نیز در هر ترم يك یا دو سوال در ضمن سئوالات امتحانی در نظر گرفته خواهد شد:
- ۱- کدام بیانات شیخ احمد به سید کاظم نشانه، این بود که وی در هنگام ظهور در قید حیات نخواهد بود؟
  - ۲- تفاوت شیخ احمد احسایی با علمای دیگری که در عصر او خواهان ازاله، مفاصد بودند چه بود؟
  - ۳- شیخ احمد احسایی قبل از تعیین سید کاظم رشتی به عنوان جانشین خود به چه روشهایی مقام والای ایشان را نشان می‌دادند؟
  - ۴- زمانی که سید کاظم از شاگردانش خواست که داوطلب ملاقات با سید محمد باقر رشتی گردند چرا ملاحسین داوطلب نگردید؟
  - ۵- حضرت اعلی در ضمن صحبت با سید حسن زنوزی چگونه به مقام والای جناب قدوس اشاره فرمودند؟
  - ۶- چرا حضرت اعلی به حروف حی امر فرمودند که در هیچ جا و نزد هیچکس اسم و رسم هیکل مبارک را اظهار نکنند و معرفی ننمایند و ...
  - ۷- با وجود اینکه شیخ احمد و سید کاظم به نزدیکی ظهور موعود بشارت می‌دادند به نظر شما چرا تعدادی از علمای شیخیه ایمان نیاوردند؟
  - ۸- آیا تفسیر سوره، یوسف به درخواست جناب ملاحسین نازل گردید توضیح دهید.
  - ۹- هدف یا اهداف سفر حضرت اعلی به مکه معظمه چه بود؟
  - ۱۰- چرا جناب قدوس به جای اجرای اوامر خصائل سبعه آن را به ملا صادق خراسانی تحویل دادند؟ (۲ مورد)
  - ۱۱- اولین اعلان عمومی امر در شیراز چه زمانی و چگونه انجام شد؟
  - ۱۲- اولین تشرف ملاحسین به محضر حضرت باب بعد از سفر حضرت اعلی به مکه در کجا و چگونه صورت گرفت؟
  - ۱۳- ملا محمد تقی هراتی در مقایسه‌ای کثرت نزول آیات در نهایت فصاحت را از شق القمر و تسبیح کردن - سنگ ریزه بالاتر دانست چرا؟
  - ۱۴- از کجایی توان پی برد که سید اسدالله و محمد جعفر آباچه‌ای بعلت پی بردن به عظمت مقام حضرت اعلی مقام حضرت اعلی فتوای قتل را امضاء نکردند؟
  - ۱۵- حضرت اعلی در هنگام عبور از شهر قم خطاب به محافظان خود می‌فرمایند: "کشتی نجات و کسیکه اراده او بر کل غالب است من هستم" منظور مبارک از مواردی که زیر آن خط کشیده شده چیست؟
  - ۱۶- حضرت بهاء‌الله قبل از اظهار امر علنی چند بار مسجون شدند؟ در کجا و در رابطه با چه مسئله‌ای بود؟
  - ۱۷- هدف اصلی اجتماع بدشت با عمل حضرت طاهره چه ارتباطی داشت؟
  - ۱۸- حضرت اعلی چند مرتبه در چه‌ریق محبوس شدند؟ آیا هر بار جناب انیس با ایشان ملاقات نمود؟
  - ۱۹- حضرت اعلی در تبریز چند بار ادعای قائمیت کردند؟ توضیح دهید.

- ۲۰- چرا جناب قدوس به نقطه آخری ملقب شدند؟
- ۲۱- بنظر شما علت اینکه جناب قدوس فرمودند مدفن باب الباب باید از همه کس حتی سایر اصحاب مستور بماند چه بود؟ چرا نبیل در تاریخ خود محل دفن را دقیقاً " ذکر کرده است؟
- ۲۲- چرا حضرت اعلی جناب سیاح را به مازندران فرستادند و به نقاط دیگر ایران که حوادث مشابه داشت نفرستادند؟
- ۲۳- مواردی از حمایت‌های خال اعظم از حضرت اعلی را بعد از اظهار امر بنویسید.
- ۲۴- واقعه نیریز از نظر اصحاب شرکت کننده چه تفاوتی با قلعه شیخ طبرسی داشت؟ ( دو مورد)
- ۲۵- به نظر شما چرا میرزا حسنخان جهت اخذ حکم قتل حضرت اعلی ایشان را به درب خانه مجتهدین فرستاد؟ آیا صدور حکم صدر اعظم شاه مبنی بر قتل حضرت اعلی کافی نبود؟
- ۲۶- چرا علی‌رغم پیروزی ظاهری حکومت در وقایع قلعه شیخ طبرسی و نیریز و شهید شدن سران اصحاب هنوز زمامداران کشور نا امید و نگران بودند؟
- ۲۷- نمونه‌هایی از تفاوت‌های واقعه زنجان با قلعه شیخ طبرسی را فهرست کنید.
- ۲۸- آقا خان نوری در مکالمه‌ای با میرزا جانی کاشانی گوید: " اگر ایمان من به امر باب سبب شود که دو مرتبه به شغل سابق خود منصوب شوم پیوسته سعی خواهم کرد که به احبا ظلمی وارد نشود آیا آقاخان نوری بعد از انتساب مجدد به عهد خود باقی ماند؟ شاهد بیاورید.
- ۲۹- به نظر شما چرا حضرت بهاء‌الله بغداد را بجای روسیه و سایر کشورها انتخاب کردند؟
- ۳۰- حضرت بهاء‌الله می‌فرمایند: " خدا داناست که خودمان را هیچوقت مخفی و مستور نداشتیم و ... " سه شاهد که مصداق بیان مبارک را می‌رساند بنویسید.
- ۳۱- جناب طاهره چه مدت در منزل کلانتر محبوس بودند؟ و چرا ایشان را در منزل محبوس ساختند و به زندان نبردند.

آنچه که در صفحه ۱۱۶ راهنما ملاحظه می فرمایید نقشه کشور ایران و همسایگان آن است. نقاطی که در نقشه با علامت \* مشخص گشته شهرها و یا قریه‌هایی است که بقدم حضرت اعلی مزین گشته و یا مدتی را در آن نقاط اقامت گزیده‌اند.

نام شهر و مکان مورد نظر را در صورتی که در نقشه مشخص نمی باشد می توانید با توجه به شماره\* مربوط به آن که در صفحه بعد درج شده، بیابید. شماره\* هر شهر بنحوی تعیین گردیده که ترتیب مسیر حرکت هیکل مبارک را بخوبی نشان می دهد.

آنچه جالب توجه است اینکه اولاً حضرت اعلی در مدت حدود ۶ سال بنا بر اراده الهی و در ظاهر به دستور حکومت مرتباً از نقطه‌ای به نقطه\* دیگر در سفر و تبعید بوده‌اند (بجز سفر حج که به اراده\* مبارک صورت گرفت) و ثانیاً بعد مسافتی است که با وسایل کند و مشکل حمل و نقل آن زمان بعضاً در چند ماه طی طریق شده است همانند مسافرت با کشتی شراعی (بادبانی) از بوشهر به جدّه که ۲ ماه تمام بطول انجامید. ثالثاً انتقال هیکل مبارک به اقصی نقاط مملکت ایران بدور از وطن مألوف خویش است که از نظر زبان و فرهنگ و حتی مذهب کاملاً با هیکل مبارک بیگانه بودند و ... توصیه می شود برای مشاهده دقیقتر مسیر حضرت اعلی، مسیرهای رفت را (مسیرهایی که تنها یکبار طی شده) را با خط توپر - و مسیرهای برگشت (مسیرهایی که برای بار دوم طی شده) را با خط چین - - - و مسیرهایی که برای بار سوم طی شده با خط و نقطه - - - نمایش دهید. (این کار را می توانید با سه رنگ مختلف نیز انجام دهید.) نمونه‌ای از این کار بر روی نقشه (جدّه - مکه - مدینه - جدّه) انجام شده.

ضمناً به برخی توضیحات که در کنار اسامی شهرها ذکر شده نیز توجه فرمایید.

### فعالیت‌های پیشنهادی :

- ابتدا جدولی بفرم زیر ترتیب داده و سپس اطلاعات خواسته شده در ذیل را در آن تکمیل نمایید. یک مثال از موارد خواسته شده در جدول نوشته شده است.
- ۱ - در ستون اول مقابل نام هر شهر (یا قریه) تاریخ ورود و خروج هیکل مبارک (و یا مدت اقامت هیکل مبارک) را بنویسید. مبداء شروع تاریخ را اظهار امر مبارک در نظر بگیرید.
  - ۲ - در ستون دوم مقابل نام هر شهر (یا قریه) فهرستی از مهمترین وقایعی که در آن مکان اتفاق افتاده است را بنویسید.





وارد قزوین نشدند و از جنوب آن عبور کردند.

۲۲ - زنجان

۲۳ - قریه میانج ( میانیه )

۲۴ - تبریز

۲۵ - ماکو

۲۶ - سلماس: از طریق شهرستان خوی به سلماس وارد شدند.

۲۷ - جهریق

۲۸ - ارومیه

۲۹ - میلان ( قریه‌ای نزدیک میلان )

۳۰ - تبریز ( مراجعه شود به شماره ۲۴ )

۳۱ - سلماس: این بار از تبریز به

سلماس را از شمال دریاچه ارومیه و از طریق قرائی مانند ارونق و اتراب و حمزه گندی و قلعه صدقیان طی کردند.

( مراجعه شود به شماره ۲۶ )

۳۲ - جهریق ( مراجعه شود به شماره ۲۷ )

۳۳ - تبریز: از جهریق به تبریز مجدداً

از شمال دریاچه و از طریق کهنه شهر که از قراء سلماس بوده عبور کرده وارد تبریز شدند. ( مراجعه شود به شماره ۲۴ )

۱ - شیراز

۲ - بوشهر

۳ - کنگان

۴ - مَسْقَط

۵ - جَدّه: از طریق خلیج عدن و باب -

الْمَنْدَب و دریای سرخ

۶ - مکه

۷ - مدینه

۸ - جَدّه (مراجعه شود به شماره ۵)

۹ - بوشهر: از همان طریق مسیر رفت یعنی

دریای سرخ - خلیج عدن - دریای عمان

و خلیج فارس بدون اقامت در مسقط و

کنگان

۱۰ - برازجان

۱۱ - شیراز ( مراجعه شود به شماره ۱ )

۱۲ - شهرضا ( قُمِشَه )

۱۳ - اصفهان

۱۴ - مورچه خورت ( مورچه خوار )

۱۵ - اصفهان (مراجعه شود به شماره ۱۳)

۱۶ - کاشان: از طریق مورچه خورت

۱۷ - قَهْرود ( کهرود )

۱۸ - قم: از طریق کاشان و از کنار شهر

قم گذشتند و وارد شهر نشدند.

۱۹ - قَهْرود

۲۰ - کنارگرد و قریه کلین: این دو قریه

بسیار نزدیک به یکدیگرند لذا در نقشه

بصورت یک نقطه نمایش داده شده

۲۱ - سیاه دهان (تاکستان): هیکل مبارک

ترکیه

ترکمنستان

مشق آباد

دریای خزر

سوریه

کلبانیه

ایران

عراق

اردن

۴۱۱

عربستان سعودی

دریای عمان

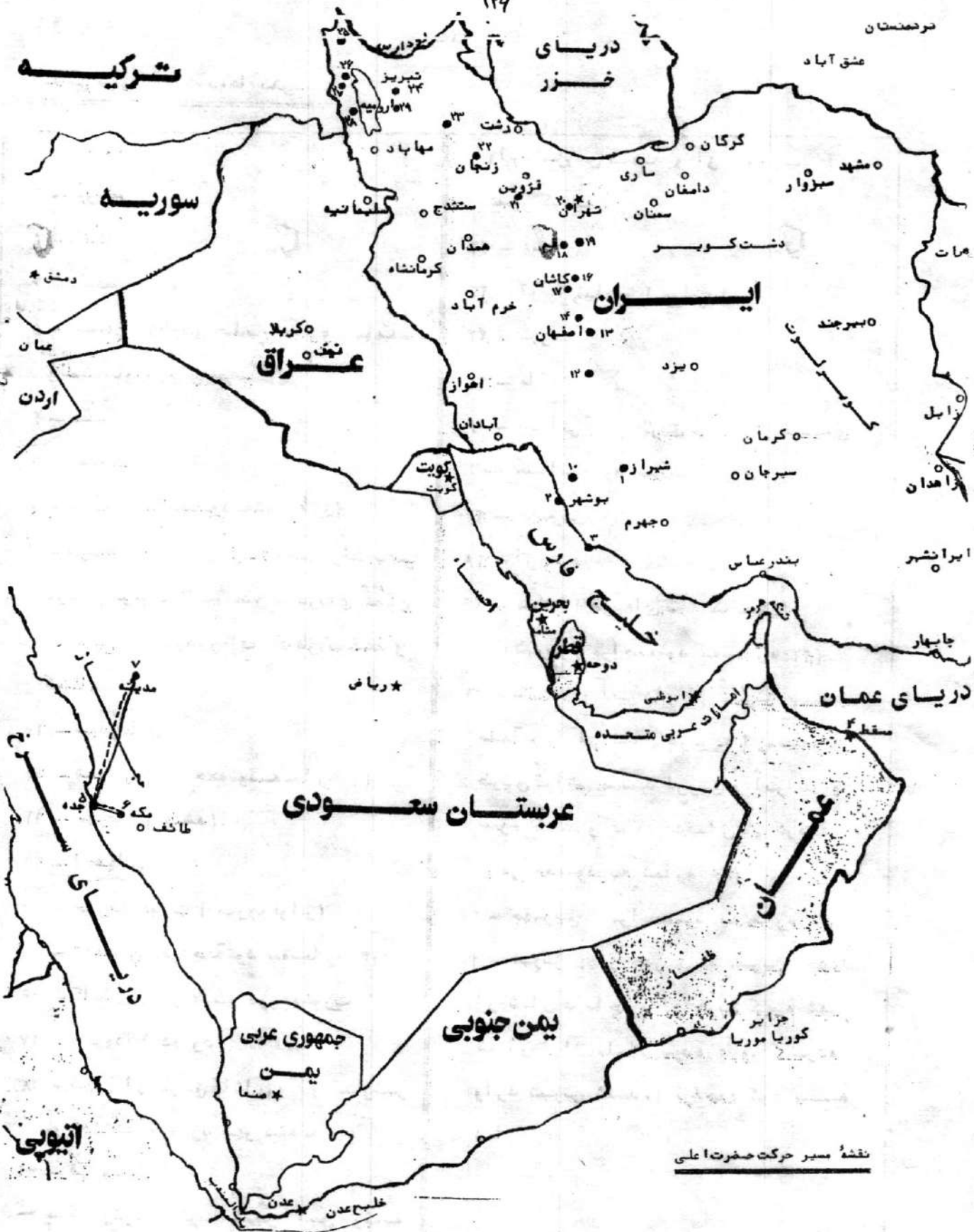
دریای

یمن جنوبی

جمهوری عربی یمن

اتیوپی

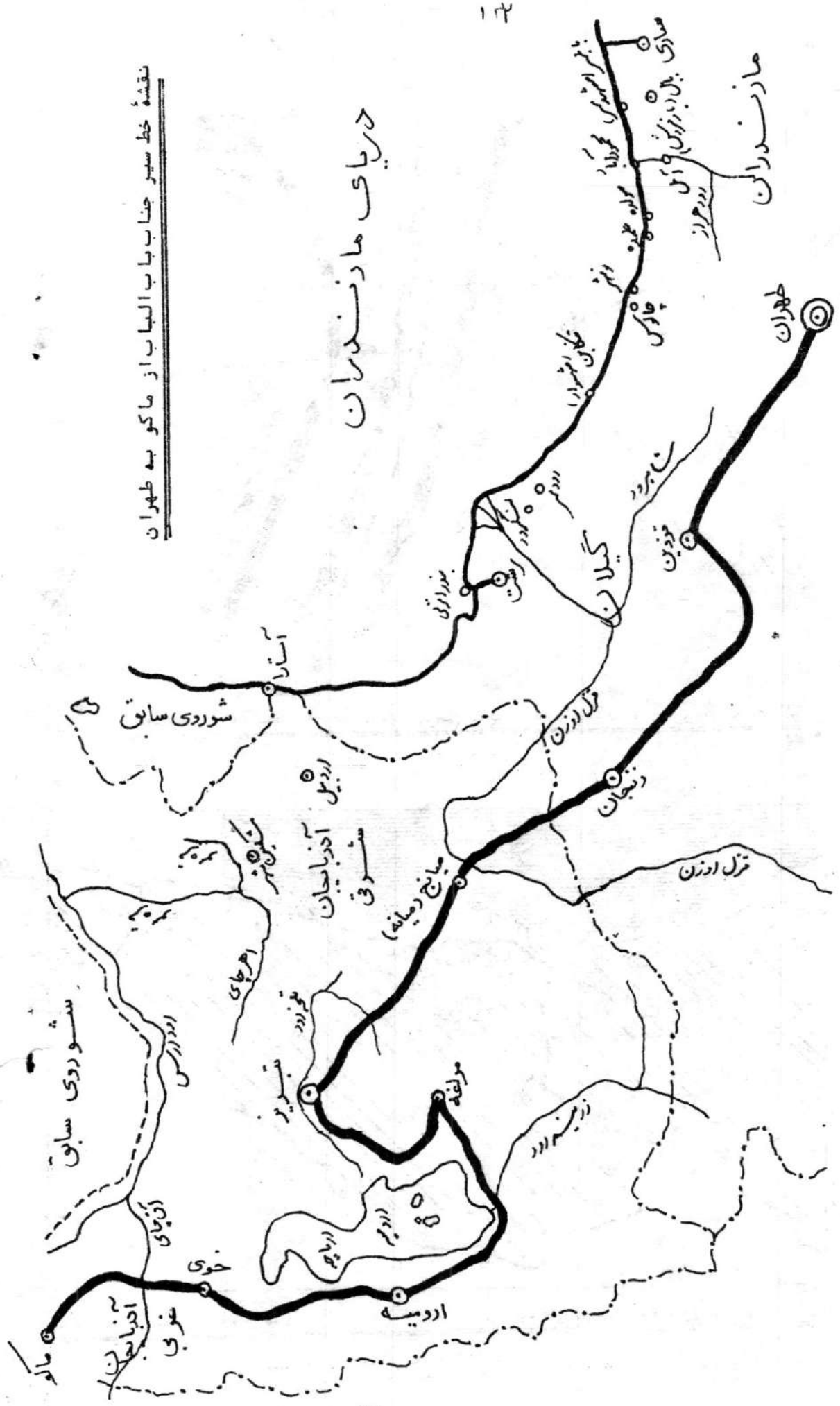
نقشه مسیر حرکت حضرت اعلی





نقشه خط سیر جناب الباب الیاب از ماکو به طهران

# دریای مازندران



مازندران

طهران

شوروی سابق

اردبیل آذربایجان  
شوروی

زنگنه

کوه زنگنه

کوه گیلان

شوروی سابق

آذربایجان

غوبی

اردبیل

میانج روضه

کوه زنگنه

گیلان

تهدین

چاکوس

کوه اشکوار

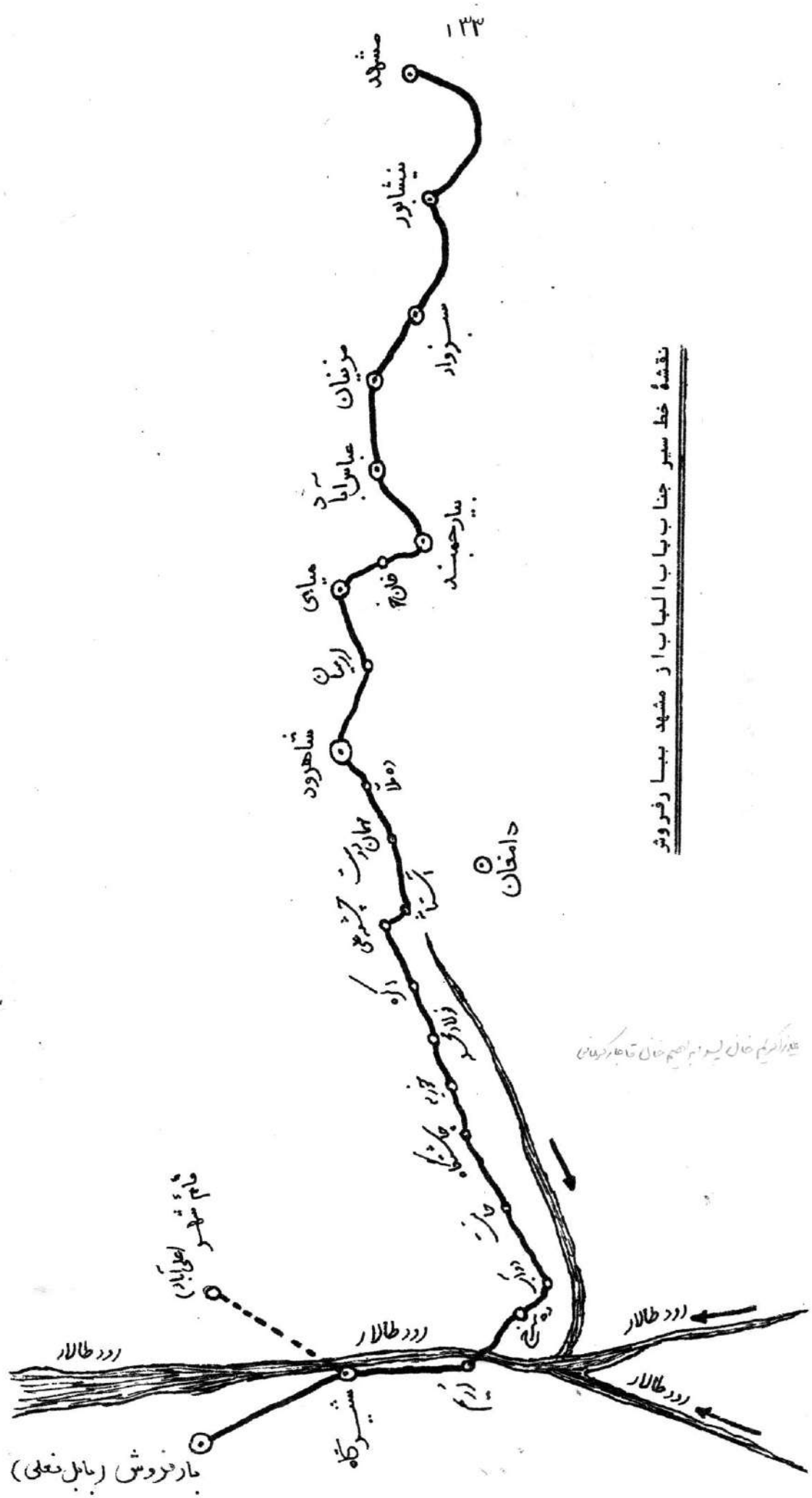
بندر انزلی

بندر انزلی

بندر انزلی

بندر انزلی

نقشه خط سیر جناب باب‌الیهاب از مشهد ببا رفروش



بارفروش (بابل فعلی)